

افغانستان
گزارش سالانه ۲۰۱۱
در مورد محافظت افراد ملکی در منازعات مسلحانه



(Image has been altered) John Wendle ©



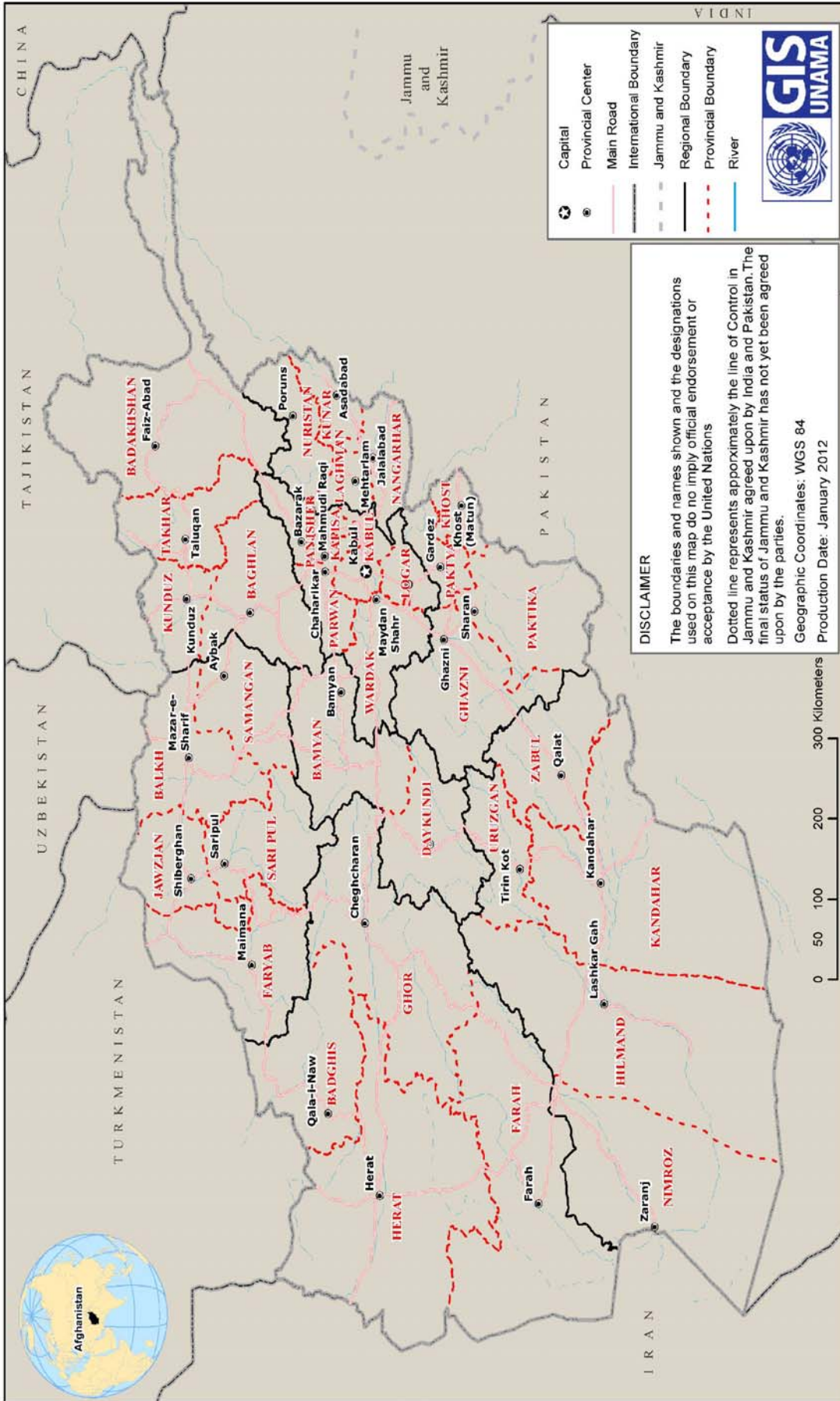
هیئت معاونت ملل متحد برای افغانستان



دفتر کمشنر عالی ملل متحد برای حقوق بشر

کابل، افغانستان
فبروری ۲۰۱۲

AFGHANISTAN ADMINISTRATIVE DIVISION



افغانستان
گزارش سالانه ۲۰۱۱
در مورد محافظت افراد ملکی در منازعات مسلحانه



هیئت معاونت ملل متحد برای افغانستان



دفتر کمشنر عالی ملل متحد برای حقوق بشر

کابل – افغانستان

فبروری ۲۰۱۲

مأموریت

گزارش سالانه محافظت افراد ملکی در منازعات مسلحانه در افغانستان برای سال ۲۰۱۱ که توسط بخش حقوق بشر هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) تهیه شده، دوره زمانی ۱ جنوری تا ۳۱ دسمبر سال ۲۰۱۱ را دربر می گیرد.

این گزارش در مطابقت با مأموریت یوناما و بر اساس قطعنامه ۱۹۷۴ سال ۲۰۱۱ شورای امنیت ملل متحد به هدف " نظارت بر وضعیت غیرنظامیان، هماهنگی تلاش ها برای تضمین محافظت آنها، ترویج حسابدگی و کمک در تطبیق کامل آزادی های بنیادی و مقررات حقوق بشری شامل در قانون اساسی افغانستان و معاهدات بین المللی که افغانستان عضو آنها می باشد، بخصوص معاهداتی که مرتبط با بهرهمندی کاملاً زنان از حقوق بشری شان می باشد" تهیه گردیده است.

یوناما یک سلسله فعالیت هایی را با هدف کاهش اثرات جنگ بر غیرنظامیان به شمول موارد ذیل روی دست گرفته اند: نظارت مستقل و بیطرفانه از حوادثی که در آن افراد ملکی کشته یا زخمی شده اند؛ فعالیت های ترویجی و دادخواهانه برای تقویت محافظت غیرنظامیان آسیب دیده از درگیری های نظامی؛ و فعالیت های که باعث رعایت بیشتر مقررات حقوق بشر دوستانه بین المللی، حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان در میان تمام طرفهای درگیری می شود.

این گزارش از سوی دفتر کمشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر مورد بررسی قرار گرفته و همکاری فنی دریافت کرده است.

واژه نامه

حمله هوایی: مهمات قابل شلیک از طیاره بشمول حمایت هوایی (حمایت برای واحد ها و نیروهای داخل تماس که مورد تهدید عاجل قرار گرفته اند) توسط هواپیماهای با بال ثابت، حملات جنگی نزدیک به موقعیت جنگ توسط هلیکوپتر و حملات با استفاده از وسایط جنگی هوایی بدون سرنشین یا طیاره های بدون پیلوت که از راه دور کنترل می شود.

ABP: پولیس سرحدی افغان.

ALP: پولیس محلی افغان.

ANA: اردوی ملی افغان.

ANP: پولیس ملی افغان.

ANSF: نیروهای امنیتی ملی افغان؛ اصطلاحی که شامل پولیس سرحدی، اردوی ملی، پولیس ملی و ریاست امنیت ملی میگردد.

APRP: برنامه صلح و ادغام مجدد در افغانستان.

AXO: مواد انفجاری متروک.

تلفات: شامل کشته شده گان و زخمی ها می گردد و میتوان آن را به دو دسته تقسیم نمود:

• **مستقیم:** تلفاتی که بطور مستقیم از درگیری های نظامی ناشی میشود که شامل تلفات برخاسته از عملیات نظامی انجام شده توسط نیروهای دولتی و نیروهای نظامی بین المللی می گردد، مانند رویداد های محافظت از نیروها، حملات هوایی، عملیات تلاشی و دستگیری، مبارزه با شورشیان یا عملیات ضد تروریسم. این گونه تلفات شامل تلفاتی نیز میگردد که در نتیجه فعالیت عناصر ضد دولتی مانند کشتار هدفمند، مواد منفجره جاسازی شده و یا درگیری مستقیم با نیروهای طرفدار دولت انجام می شود.

• **سایر عوامل که منجر به تلفات می گردد:** تلفاتی که بصورت غیر مستقیم از درگیری ها ناشی می شود، بشمول تلفات ناشی از مواد منفجره باقی مانده از دوران جنگ، مرگ در زندان، مرگ تصادفی ناشی از وضعیت غیر صحی که در جریان عملیات نظامی رخ می دهد و یا زمانی که دسترسی به مراقبت های صحی منع شده یا موجود نباشد. این گونه تلفات می تواند مرگ ناشی از حوادثی را نیز شامل شود که عامل آن را به هیچ وجه نمی توان مشخص ساخت. مانند مرگ یا جراحت های ناشی از تبادل آتش.

اطفال: بر اساس کنوانسیون حقوق طفل، "طفل" به کسی گفته می شود که زیر سن ۱۸ سال (مشمول اطفال بین ۰-۱۷ سال) باشد. اساسنامه روم درباره محکمۀ بین المللی جرایم که در سال ۲۰۰۳ از سوی افغانستان نیز تصویب شده بود، خدمت اجباری یا شامل نمودن اطفال زیر سن ۱۵ سال در نیروهای مسلح دولتی و یا گروه های مسلح غیر دولتی و استفاده از اطفال برای مشارکت مستقیم در خشونت ها را جرم شمرده است. (به جزء (xxvi) فقره (ب) بند ۲) ماده ۸ و جزء (vii) فقره ای بند ۲ ماده ۸ مراجعه شود)

غیرنظامیان و مبارزین محافظت شده: مقررات حقوق بشردوستانه بین المللی تحت نام "غیرنظامیان" کسانی را خطاب می کنند که مبارز نمی باشند (عضو نیروهای نظامی یا شبه نظامی) و یا عضو گروه های مسلح سازمان یافته یکی از طرف های درگیر یا بخشی از شورش کننده گان عمومی^۱ نباشند. در صورتی که افراد ملکی بطور مستقیم در درگیری های نظامی شرکت کنند ممکن است محافظت خویش را از دست دهند. همانند

^۱ اصطلاح قیام یا شورش عمومی که در کنوانسیون سوم ژنیو تذکر یافته: "به مفهوم ساکنین یک سر زمین اشغال نشده، یعنی کسانی که در برخورد با نیروهای مهاجم بی اختیار سلاح در دست می گیرند و در مقابل آنها مقاومت می کنند بدون اینکه وقت داشته باشد تا خود را در واحد های منظم نظامی شامل سازند ولی نشان میدهند که با حمل سلاح قوانین و سنت های جنگ را رعایت می کنند، خطاب می گردد." فقره های (۱) و (۶) ماده ۴.

غیرنظامیان، جنگجویان که از جنگ خارج شده، مثل (مجروح، مریض، اشخاص که کشتی شان متلاشی می شود، توقیف یا تسلیم می گردد) و یا کسانی که مربوط به بخش های صحتی یا دینی نیروهای مسلح باشند، باید در برابر حملات محافظت شوند.

CIP: برنامه محافظت از زیر ساختهای اساسی.

COM-ISAF: فرمانده نیروی های بین المللی آیساف در افغانستان.

EOF Incidents: حادثات مربوط به افزایش تدریجی از زور که تحت عنوان "محافظت از نیروها" نیز یاد شده است: زمانی که افراد در نزدیک شدن به کاروان های نظامی یا سبقت گرفتن از آن به هشدار افراد نظامی توجه نکنند و یا هم در پوسته های تلاشی از دستورالعمل ها سرپیچی نمایند، این حوادث اتفاق می افتد.

ERW: بقایای مواد انفجاری از دوران جنگ که به معنای مواد منفجر ناشده و مواد انفجاری متروک یاد می گردد.

IHL: حقوق بشر دوستانه بین المللی.

IDP: بیجا شدگان داخلی.

ICRC: کمیته بین المللی صلیب سرخ.

IED: وسیله انفجاری تعبیه شده. یعنی بمبی که برخلاف روش معمول نظامی ساخته و یا جاسازی شده باشد. وسیله انفجاری تعبیه شده می تواند بصورت بمب انتحاری؛ یعنی جاسازی شده در بدن، کنترل از راه دور، جاسازی شده در موتر و یا بصورت بمب های جاسازی شده بشقاب مانند که در مقابل فشار عمل می کنند، نمایان گردد.

Incidents: حادثات زمانی صورت می گیرد که افراد ملکی در اثر درگیری های نظامی تلف شود. گزارش تلفات ناشی از فعالیت های جنایی شامل گزارشات تلفات افراد ملکی یوناما نمی شود.

IM Forces: "نیروهای نظامی بین المللی" شامل تمامی سربازان خارجی می گردد که بخشی از نیروهای آیساف و نیروهای امریکایی مستقر در افغانستان (بشمول نیروهای مربوط به عملیات تحکیم آزادی) که تحت فرماندهی فرمانده آیساف قرار دارند را تشکیل می دهد، در ضمن این واژه آنچه از نیروهای را نیز در بر می گیرد که تحت فرماندهی آیساف عمل نکرده و شامل تعداد نیروهای ویژه و نیروهای عملیاتی ویژه میباشد.

Injuries: به معنی جراحات جسمی با میزان شدت متفاوت. میزان شدت جراحت ها در داتابیس بخش حقوق بشر یوناما ثبت نمی شود. جراحت ها، شامل شوک یا صدمه های غیر فزیک و روانی نمی گردد.

ISAF: نیروهای کمکی امنیت بین المللی در افغانستان. آیساف بر اساس فصل ۷ منشور ملل متحد مأموریت تأمین صلح را به عهده دارد. این نیرو ها تحت صلاحیت شورای امنیت ملل متحد اعزام شده است. در اگست ۲۰۰۳، ناتو بر اساس درخواست ملل متحد و دولت افغانستان فرماندهی آیساف را به عهده گرفت. نیروهای آیساف تا ۸ دسامبر ۲۰۱۱ تقریباً شامل ۱۳۰۳۱۳ نفر از ۴۹ کشور مساعدت کننده نیرو می گردید که در شش سلسله فرماندهی منطوقی و مقر عمومی آیساف در کابل مستقر می باشند. از نوامبر ۲۰۰۸ بدین سو، فرمانده آیساف به عنوان فرمانده نیروهای امریکایی در افغانستان نیز خدمت می کند، در حالیکه سلسله فرماندهی هر دو نیرو جداگانه می باشد. قطعنامه ۲۰۱۱ شورای امنیت یکبار دیگر بر قطعنامه های قبلی در مورد تمدید مأموریت آیساف به مدت ۱۲ ماه دیگر الی ۱۳ اکتوبر ۲۰۱۲ تأکید می نماید.

MoI: وزارت امور داخله.

NATO: سازمان پیمان اتلانتیک شمالی. اعضای ناتو عمده ترین کشورهای سهم در آیساف می باشند.

NDS: ریاست امنیت ملی افغانستان؛ استخبارات دولتی افغانستان.

NGO: سازمان غیر دولتی.

گروه های مسلح غیر دولتی، عناصر ضد دولتی: این اصطلاح تمام افراد و گروه های مسلح و یا مخالفین مسلح را که در حال حاضر در درگیری های نظامی علیه دولت افغانستان و یا نیروهای نظامی بین المللی سهم دارند، در بر می گیرد. این اصطلاح همچنین به کسانی اطلاق می شود که به عنوان "طالبان"، افراد و گروه های که در اثر اهداف مختلفی تحریک شده و با مشخصات یا هویت های مختلف مانند شبکه حقانی، حزب اسلامی، جنبش اسلامی ازبکستان، اتحاد جهاد اسلامی، لشکر طیبیه و جیش محمد، فعالیت می نمایند.

Pro-Government Forces (PGF): نیروهای طرفدار دولت

• **نیروهای دولت افغانستان:** تمام نیروهای نظامی و شبه نظامی که در عملیات ضد تروریسم فعالیت میکنند و بطور مستقیم یا غیر مستقیم تحت کنترل دولت افغانستان می باشند. این نیرو ها شامل اردوی ملی، پولیس ملی، پولیس سرحدی، نیروهای ریاست امنیت ملی، پولیس محلی و سایر نیروهای محافظتی محلی میگردد، اما محدود به این ها نمی باشد.

• **نیروهای نظامی بین المللی و نمایندگی های کشور های دیگر (OGAs)**

SOP: طرز العمل معیاری.

کشتار هدفمند: استفاده عمدی، از قبل طراحی شده و بطور قصدی از نیروی کشنده توسط دولت و عناصر دولتی که در زیر چتر قانون فعالیت مینمایند، یا عین کار توسط یک گروه مسلح منظم در منازعه مسلحانه بر علیه فرد مشخصی که آن فرد در تحت توقیف مرتکبین قرار نداشته باشد، را کشتار هدفمند می گویند. هر چند در بسیاری از حالات کشتار هدفمند حق حیات را نقض می کند، اما در شرایط استثنایی جنگ مسلحانه ممکن قانونی باشد. به بخش سوم اجندای گرد همایی چهاردهم شورای حقوق بشر مجمع عمومی سازمان ملل، حاوی گزارش گزارشگر ویژه برای مسایل قتل فرا قضایی، خلاصه اعدام های بدون محاکمه، و گزارش مکمله فلیپ آلستون تحت عنوان "مطالعه کشتارهای هدفمند" شماره A/HRC/14/24/Add.6 مؤرخ ۱۰ می ۲۰۱۰ مراجعه شود.

UNDSS: دفتر امنیت و مصئونیت ملل متحد.

UNAMA: هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان.

UNHCR: کمشنری عالی ملل متحد در امور مهاجرین.

UXO: مواد منفجر ناشده.

فهرست مطالب

i	میتودولوژی یا روش شناسی
ii	مسئولیت های حقوقی طرف های درگیر در مخاصمه مسلحانه
1	خلاصه
8	پیشنهادات
10	عناصر مخالف دولت و محافظت از افراد ملکی
12	اعلامیه های عمومی طالبان در مورد تلفات افراد ملکی
16	حملات توسط مواد انفجاری تعبیه شده
17	حملات انتحاری
19	قتلهای هدفمند افراد ملکی
22	نیروهای طرفدار دولت و محافظت از افراد ملکی
22	اعلامیه های آیساف و رهنمودهای تاکتیکی در مورد محافظت از افراد ملکی
23	حملات هوایی
25	عملیات شبانه
26	تحقیقات آیساف و نیروهای امنیتی افغانستان در مورد تلفات افراد ملکی
28	نیروهای امنیتی ملی افغان و محافظت از افراد ملکی
31	پولیس محلی افغان و محافظت از افراد ملکی
37	تأثیر مخاصمات مسلحانه بر اطفال

میتودولوژی یا روش شناسی

یوناما تا جایی که امکان دارد با اجرای تحقیقات در ساحات و نیز با یک سلسله منابع وسیع و انواع اطلاعاتی که با اطمینان و با اعتبار ارزیابی می گردد، ریزی و مشوره نموده و گزارش ها در مورد تلفات افراد ملکی را تهیه می نماید. در زمان تحقیق و بررسی هر رویداد، یوناما نهایت تلاش های خود را بکار می برد تا اطلاعات ارایه شده از منابع گسترده بشمول شواهد عینی، افراد آسیب دیده، فعالین نظامی (بشمول دولت افغانستان و نیروهای نظامی بین المللی)، مسئولین محلی، روستا و ولایات، رهبران مذهبی و اجتماعی و اطلاعات بدست آمده از طریق بازدید مستقیم، آزمایش فیزیکی اقلام و شواهد جمع آوری شده از محل حادثه، بازدید از شفاخانه و دیگر مراکز صحتی، تصاویر ویدیویی، گزارش بخش امنیت و مصئونیت ملل متحد و دیگر نمایندگی های آن، گفته های منابع دست دوم، گزارش رسانه ها و اطلاعات جمع آوری شده از سوی نهاد های غیر دولتی و طرف های سوم را بررسی مجدد و جمع آوری نماید.

در جای که ممکن باشد، تحقیقات نخست بر اساس شهادت قربانیان، شواهد رویدادها و تحقیقات در محل می باشد. در بعضی موارد، بخصوص جایی که دسترسی به علت محدودیت های امنیتی وجود ندارد، این گونه تحقیقات امکان پذیر نیست. در این گونه موارد، یوناما بر یک سلسله تکنیک ها برای جمع آوری اطلاعات بخصوص از طریق شبکه های معتبر و باز هم از طریق یک سلسله منابع گسترده که اعتبار و واقعیت اش ارزیابی شده، اتکاء می کند.

هرگاه اطلاعات مربوط به یک رویداد برای یوناما قناعت بخش نباشد، در آنصورت گزارش نمی شود. در بعضی موارد، تحقیقات قبل از نتیجه گیری میتواند چندین هفته را در بر گیرد. این مسئله بدین معناست که نتیجه گیری ها در یک گزارش در مورد تلفات ملکی ناشی از یک رویداد میتواند با کسب اطلاعات بیشتر و گنجاندن آن در تحلیل ها دوباره بررسی گردیده و اصلاح گردد. هرگاه اطلاعات واضح و روشن نباشد، در آنصورت تا زمان کسب مدارک قناعت بخش نتیجه گیری صورت نمی گیرد و یا بدون نتیجه گیری قضیه بسته می گردد و نیز در گزارش که از ارقام تذکر به عمل می آید، گنجانیده نمی شود.

در بعضی موارد وضعیت غیر نظامی بودن قربانیان گزارش داده شده را نمی توان بطور قطعی مشخص ساخت و یا مورد اختلاف می باشد. در این گونه موارد، یوناما از معیار های قابل اعمال حقوق بشر دوستانه بین المللی استفاده نموده و فرض نمی کند که مردان که در سن جنگ قرار دارند ملکی اند یا جنگجو، بلکه این گونه ادعا ها بر اساس واقعیت های موجود در مورد یک رویداد مشکوک ارزیابی می شوند. هرگاه وضعیت یک یا چندین قربانی نا مشخص باقی می ماند، در آنصورت مرگ آنها در شمار مجموع تلفات افراد ملکی گنجانیده نمی شود.

یوناما یک داتابیس را در سال ۲۰۰۹ میلادی ایجاد نمود تا تحلیل ها و گزارش های خود در مورد محافظت افراد ملکی در درگیری های نظامی را تقویت کند. این داتابیس بخاطر تسهیل جمع آوری اطلاعات به شکل منظم، تحلیل و ارزیابی منسجم و مؤثر اطلاعات منجمله تفکیک اطلاعات بر اساس سن، جنس، عاملین، تاکتیک بکار برده شده، نوع اسلحه و سایر کتگوری ها، طراحی شده است.

یوناما نهایت تلاش می نماید تا حد امکان طرف مسؤل یک حادثه مشخص را معین نماید، هر چند به علت محدودیت های ناشی از محیط عملیات، مانند ماهیت مشترک بعضی از عملیات نظامی و عدم توانایی منابع اولیه در بسیاری از رویدادها برای تشخیص دقیق یا تفکیک میان فعالین مختلف نظامی، شورشیان یا زمانی که هیچ یک از طرف ها مسئولیت را به عهده نمی گیرند، یوناما مسئولیت آن رویداد را بر اساس طرف درگیر به نیروهای طرفدار دولت و یا به عناصر ضد دولتی نسبت میدهد.

یوناما خاطر نشان می سازد که حصول معلومات دقیق در رابطه با عملیات شب هنگام به خاطر عدم موجودیت شفافیت، تکرر و وسعت چنین عملیات توسط آیساف، اردوی ملی، نیروهای ویژه ملی و بین المللی و نیروهای عملیات ویژه، و سایر بخش های امنیتی و پولیس سرحدی، چه مستقل و چه در مشارکت با هم، دشوار میباشد. به اساس اظهارات آیساف معلومات در باره ارقام عملیات شب هنگام و تلفات ملکی ناشی از آن بطور عموم محرم میباشد. با در نظر داشت محدودیت های محیط عملیات و دسترسی محدود به معلومات، ممکن است یوناما ارقام ناشی از تلفات ملکی را در عملیات شب هنگام کمتر گزارش بدهد.

تعریف های متفاوت از تلفات ملکی

یوناما خاطر نشان میسازد که ممکن است ارقام تلفات ملکی که توسط ادارات مختلف جمع آوری و گزارش داده میشوند، متفاوت باشد. تفاوت های ارقام تلفات و زخمی شده گان افراد ملکی در منازعه بین یوناما و آیساف نتیجه استفاده از میتودهای متفاوت، دسترسی متفاوت به ساحاتی که واقعات تلفات ملکی در آن رخ داده، و پوشش متفاوت جغرافیایی میباشد.

آیساف خاطر نشان می سازد که این تبیین ممکن ناشی از عوامل ذیل باشد:

" ارقام مربوط به تلفات افراد ملکی توسط نیروهای امنیتی افغان توسط آیساف نظارت نمی گردد. گزارش در مورد تلفات افراد ملکی که مسبب اش شورشیان می باشد، مبتنی بر مشاهدات و یا مبتنی بر گزارشات هست که میتواند توسط آیساف تأیید گردد؛ به این دلیل منتج به ارائه یک تصویر ناقص میگردد."²

آیساف اضافه مینماید که یوناما و آیساف از تلفات ملکی تعریف های متفاوتی داشته و در رابطه با تصنیف و عاملینی که سبب تلفات ملکی میگرددند، و اینکه واقعات و ارقام تلفات چگونه تأیید میگردد، از هم متفاوت میباشدند. آیساف اظهار مینماید که آنها صرف افغان های ملکی را شامل احصائیه های خود میسازند نه تمام فرد غیر درگیر را (مانند افراد خارجی مسلح یا غیر مسلح، افغان های غیر مسلح مانند ترجمانان و افراد ملکی خارجی مانند سیاحان). احصائیه آیساف همچنان تمام تلفات ملکی ای را شامل میسازد که مشخص شده باشد که عامل آن صرف آیساف و یا نیروهای امنیتی افغان در صورتیکه با آیساف مشترکاً عملیات نموده، باشد. ارقام دیگری که مربوط به عملیات نیروهای امنیتی ملی افغان میگردد، چه گزارش شده باشد و یا خیر، شامل ارقام آیساف نمیکردند. آیساف میگوید که آنها وقایع و ارقام تلفات ملکی را از طریق طرز العمل معیاری ۳۰۲، دور سوم قرارگاه مرکزی آیساف بعد از تفکیک آن توسط تیم ارزیابی مشترک واقعه (JIAT) تثبیت مینمایند.³

یوناما تلفات و مجروح شدن افراد را که در نتیجه عملیات آیساف، نیروهای امنیتی ملی افغان، و عناصر ضد دولت واقع میشوند، تعقیب نموده و شامل احصائیه خود میسازد. همچنان یوناما بطور پیشگیرانه گزارشات قتل های افراد ملکی توسط طرف های درگیر را به شمول قتل های هدفمند، نظارت و تفکیک مینماید. یوناما بر طیف وسیعی از منابع معلوماتی بخاطر تفکیک و تثبیت تلفات ملکی که در بالا ذکر شد، اتکاء مینماید.

یوناما ادعا مینماید که احصائیه که پیش میگردد کامل باشد؛ ممکن است که یوناما به سبب محدودیت هایی در ساحة کاری خود تلفات ملکی را کمتر گزارش بدهد.⁴

مسئولیت های حقوقی طرف های درگیر در مخاصمه مسلحانه

به نظر یوناما/ کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر، جنگ افغانستان یک نبرد داخلی بوده که در آن دولت افغانستان با حمایت نیروهای نظامی بین المللی (که در این گزارش و در داخل افغانستان به عنوان " نیروهای طرفدار دولت" به آن اشاره می شود) با گروه های مسلح غیر دولتی (که در این گزارش و در داخل افغانستان به عنوان "عناصر ضد دولتی" به آن اشاره می شود که شامل طالبان، شبکه حقانی، حزب اسلامی و غیره میگردد) درگیر جنگ می باشد.

طوریکه شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه ۱۳۲۵ تأکید مینماید، حیاتی است که تمام دول باید نورم های مربوط حقوق بشردوستانه بین المللی و حقوق بشر را بطور کامل در رابطه با زنان و دختران تطبیق نمایند، و

². قرار گاه مرکزی آیساف، گزارش ربع وار تلفات ملکی، خلاص ارقام ربع سوم سال ۲۰۱۱، همچنان به بخش تحقیقات آیساف و نیروهای امنیتی ملی را درباره تلفات ملکی مراجعه شود.

³. گزارش معلوماتی قرار گاه مرکزی آیساف، مقایسه تلفات ملکی حملات هوایی جولای ۲۰۱۱ توسط آیساف و یوناما، توسط گروه ارزیابی افغان و تیم جلوگیری از تلفات ملکی، ۱۹ اکتوبر سال ۲۰۱۱.

⁴. بخاطر مسدود شدن موقتی دفتر یوناما در شهر مزار شریف از ۱ اپریل ۲۰۱۱ تا ۱۹ جون ۲۰۱۱، این گزارش شامل ارقام ماه های مارچ تا جون سال ۲۰۱۱ را مربوط به ساحة شمال افغانستان شامل نمیکردند.

بخاطر تحفظ زنان و دختران از خشونت های مبتنی بر جنسیت در جریان منازعه مسلحانه، اقدامات ویژه ای را روی دست بگیرد.⁵

تمام طرف های درگیر در منازعه مسلحانه – نیروهای مسلح افغان، نیروهای نظامی بین المللی و گروه های مسلح غیر دولتی – به اساس قوانین بین المللی در رابطه با تحفظ افراد ملکی مکلفیت های واضحی دارند.

۱. مکلفیت ها بر اساس قواعد حقوق بشر دوستانه بین المللی

ماده ۳ مشترک در کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنیو، کمترین معیار هایی که طرف های درگیر بشمول دولت و فعالین غیر دولتی درگیر در یک جنگ مسلحانه داخلی باید رعایت کنند را تعیین نموده است.

افغانستان عضو کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنیو و عضو پرتوکول الحاقی دوم سال ۱۹۷۷⁶ می باشد که در آن محافظت غیرنظامیان در درگیری های مسلحانه داخلی مشخص شده است. این پرتوکول حمله علیه افراد غیرنظامی و حمله بر اهدافی که موجودیتش برای نجات جمعیت غیرنظامی ضروری است را منع می نماید.

قواعد متعدد در کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنیو و پرتوکول های الحاقی آن به بخشی از حقوق عرفی بین المللی تبدیل شده اند.⁷ مرتبط ترین اصولی که بر رفتار نیروهای مسلح افغان، نیروهای نظامی بین المللی و گروه های مسلح غیر دولتی به عنوان طرف های درگیر در جنگ داخلی قابل اعمال می باشد، بدین شرح می باشند:

- تفکیک: "جمعیت غیر نظامی و همچنین افراد ملکی نباید مورد هدف قرار گیرند."⁸ [طرف ها] باید در تمام حالات جمعیت ملکی را از جنگجویان و "اهداف ملکی را از اهداف نظامی" تشخیص دهند.⁹

- تناسب: "یک حمله ای که احتمال تلفات اتفاقی افراد ملکی، جراحت به غیرنظامیان، صدمه به اهداف ملکی و یا ترکیبی از آنها وجود داشته باشد، که فراتر از نفع پیش بینی شده، دقیق و مستقیم نظامی باشد آن باشد، منع میباشد."¹⁰

- احتیاط در حمله: "... غیرنظامیان باید در برابر هر گونه خطر ناشی از عملیات نظامی عموماً مصئون باشند."¹¹ در زمان انجام عملیات نظامی، باید همیشه دقت شود تا جمعیت غیر نظامی و اهداف ملکی را تفکیک نمود و از هر گونه احتیاط ممکن کار گرفته شود تا از "هر گونه تلفات اتفاقی افراد ملکی، جراحت به آنها و صدمه به اهداف غیر نظامی جلوگیری شده و یا در بعضی موارد به حداقل رسانده شود."¹²

همه کشور های که در تشکیل نیروهای نظامی بین المللی در افغانستان سهم دارند، بشمول قوت های آیساف، نیروهای ویژه امریکایی در افغانستان، اعضای ائتلاف عملیات تحکیم آزادی و نیروهای عملیات ویژه که خارج از این سلسله فرماندهی قرار دارند، همه امضاء کنندگان کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنیو می باشند. هرچند تمام کشورهای کمک کننده نظامی امضاء کننده پرتوکول الحاقی ۱ و پرتوکول الحاقی ۲ سال ۱۹۷۷ نیستند، اما تمام این نیروها به آن قواعد حقوقی مربوطه که بخشی از حقوق عرفی بین المللی را تشکیل میدهد، مقید می باشند.

⁵ (S/RES1960 (2011)؛ همچنان به (S/RES1820 (2008)، (S/RES1888 (2009)، (S/RES1889 (2009) و S/RES1960 (2011) مراجعه شود.

⁶ افغانستان، پرتوکول الحاقی دوم سال ۱۹۷۷ را به تاریخ ۱۰ نوامبر ۲۰۰۹ که به تاریخ ۲۴ دسامبر ۲۰۰۹ نافذ گردید، تصویب نموده است.

⁷ کمیته بین المللی صلیب سرخ، حقوق عرفی بشر دوستانه بین المللی. جان ماری هینکارتز و لوئیس دوسوالد بک (CU P/ICRC, Cambridge) (2005).

⁸ پرتوکول الحاقی ۲، بند (۲) ماده ۱۳.

⁹ پرتوکول الحاقی ۱، ماده ۴۸. به بند (۲) ماده ۵۱ که در آن مقرر گردیده، افراد ملکی "نباید مورد هدف قرار گیرند" و به بند (۲) ماده ۵۲ که در آن گفته شده "حملات فقط باید مواضع نظامی را هدف قرار دهد" مراجعه شود.

¹⁰ پرتوکول الحاقی ۱، بند (ب) فقره (۵) ماده ۵۱. جهت اطلاعات بیشتر به ماده ۵۷ در مورد احتیاط در حمله مراجعه کنید.

¹¹ پرتوکول الحاقی ۲، بند (۱) ماده ۱۳.

¹² پرتوکول الحاقی ۱، ماده ۵۷، فقره (۱) و بند های (الف) و (ii) فقره ۲.

ii. مکلفیت ها بر اساس قواعد حقوق بشر بین المللی

قواعد حقوق بشر بین المللی هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح قابل اعمال می باشد. قواعد حقوق بشر بین المللی همراه با حقوق بشر دوستانه بین المللی بطور مکمل و حامی یکدیگر مرعی الاجراء میباشد.

افغانستان امضاء کننده ی چندین معاهده بین المللی حقوق بشر¹³، بشمول کنوانسیون بین المللی حقوق سیاسی و مدنی می باشد و این اقدام، دولت افغانستان را متعهد به تأمین محافظت از اصول اولیه حقوق بشر به تمام شهروندانش در داخل سرحدات یا حوزه صلاحیت آن می نماید.

نیروهای طرفدار دولت نیز مسئول نقض معیارهای حقوق بشر بین المللی به خصوص در رابطه با حوادث ناشی از استفاده از نیروی کشنده علیرغم غیر نظامیان در طی عملیات اجرای قانون، مانند عملیات تفتیش و بازداشت و افزایش تدریجی زور هستند.

در حالیکه گروه های غیر دولتی در افغانستان، بشمول گروه های مسلح غیر دولتی، نمی توانند بصورت رسمی طرف معاهدات بین المللی حقوق بشر قرار بگیرند، اصول حقوق بشر دوستانه بین المللی بطور فزاینده حکم مینماید که فعالین غیر دولتی، مانند طالبان، در مناطق تحت کنترل شان مکلف به رعایت مکلفیت های بین المللی حقوق بشری میباشند.¹⁴

iii. مکلفیت ها بر اساس قواعد حقوق جزای بین المللی

افغانستان در سال ۲۰۰۳ میلادی اساسنامه روم در مورد محکمه جزای بین المللی را تصویب و قبول نمود. بنابراین افغانستان در برابر تحقیق و پیگیری جرایم بین المللی یعنی جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و کشتار جمعی در حوزه قضایی دادگاه شان مسئولیت اولیه دارد. در صورتی که افغانستان نمی تواند و یا نمی خواهد این کار را انجام دهد، در آنصورت محکمه جزای بین المللی با توجه به صلاحیت شان می تواند بر قضیه که در افغانستان صورت گرفته رسیده گی نماید.

بالخصوص، دولت ها مکلف اند که تخطی های مواد ۸ (۲) (e) (i) اساسنامه محکمه جزای بین المللی را تحت تحقیق و تعقیب عدلی قرار دهند که حکم مینماید که اجرای حملات "بطور عمدی علیه باشندگان ملکی و یا فرد ملکی که در منازعه سهم ندارد، در جمع جرایم جنگی در منازعات غیر- بین المللی میباشد." دولتهایی که نیروهای نظامی آنها در میان نیروهای نظامی بین المللی درگیر در جنگ در افغانستان هستند و اساسنامه روم در مورد محکمه جزایی بین المللی را تصویب کرده اند، نیز مسئولیت تحقیق و تعقیب جرائم متناسب در چارچوب صلاحیت محکمه که ممکن است به وسیله اتباع شان در افغانستان انجام شود.

iv. مکلفیت ها بر اساس قوانین داخلی

اعضای عناصر مخالف دولت بر اساس قوانین جزای افغانستان می تواند مورد پیگرد قانونی قرار بگیرد. اعضای نیروهای نظامی دولت افغانستان و نیروهای بین المللی نیز در برابر نقض قوانین ملی کشور متبوع شان مسئول شناخته می شوند.

¹³ افغانستان عضو کنوانسیون ها و معاهدات ذیل می باشد: میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی، مصوب ۲۴ اپریل ۱۹۸۳. میثاق بین المللی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، مصوب ۲۴ اپریل ۱۹۸۳. میثاق بین المللی محو هرگونه تبعیض نژادی مصوب ۵ اگست ۱۹۸۳. کنوانسیون منع هر گونه خشونت علیه زنان، مصوب ۵ مارچ ۱۹۸۳. کنوانسیون منع شکنجه و انواع رفتار ظالمانه، برخورد یا مجازات تحقیر آمیز یا غیر انسانی، مصوب ۲۴ جون ۱۹۸۷. کنوانسیون حقوق کودکان مصوب ۲۷ اپریل ۱۹۸۹. پرتوکول اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش، هرزه گری و هرزه نگاری کودکان، مصوب ۱۹ اکتوبر ۲۰۰۲. و همچنین پرتوکول اختیاری بر کنوانسیون حقوق کودک در مورد مشارکت کودک در درگیری های نظامی مصوب ۲۴ سپتمبر ۲۰۰۳. منبع:

http://www.aihrc.org.af/English/Eng_pages/X_pages/conventions_af_z_party.html

¹⁴ در ادامه به گزارش هیئت از کارشناسان سرمنشی عمومی ملل متحد در بخش حسابدگی در سریلانکا، مورخ ۳۱ مارچ ۲۰۱۱، پراگراف ۱۸۸ مراجعه کنید. همچنین به گزارش کمیسیون بین المللی بازرسی سرمنشی عمومی ملل متحد در مورد تحقیق بر تمام تخلفات از مقررات حقوق بشر دوستانه بین المللی در جمهوری عربی لیبیا تحت عنوان A/HRC/17/44 مورخ ۱ جون ۲۰۱۱ مراجعه کنید.

۷. تعریف غیرنظامیان و جنگجویان محافظت شده

یوناما یک تعریف مشخصی از "افراد ملکی" را بکار برده و تطبیق مینماید که در مطابقت با قوانین بین المللی میباشد. سایر عاملین و طرف های منازعه مسلحانه در افغانستان برای اصطلاح "ملکی" تعریف های خاص خود را طرح مینمایند که در بخش بعدی تذکر داده شده است.

یوناما

یوناما تعریف "ملکی" را طوری بکار می برد که بتواند معیارهای حقوق بشردوستانه بین المللی را منعکس نماید. هدف حقوق بشر دوستانه بین المللی از کلمه "ملکی" کسانی می باشند که جنگجو (اعضای نیروهای نظامی یا شبه نظامی) یا عضو گروه های مسلح سازمان یافته ای یک طرف از جناح های درگیر نبوده و در ضمن به اشخاص خطاب می گردد که بخشی از شورشیان عمومی نباشند¹⁵. یک فرد ملکی موقت ملکی بودن خود را زمانی از دست می دهد که در آن زمان بصورت مستقیم در خشونت ها سهم می گیرد.

حقوق بشر دوستانه بین المللی برای طرف های درگیر در یک جنگ ضرورت می دارد تا در زمان اجرای عملیات نظامی شان میان افراد غیرنظامی و جنگجویان تفکیک قایل شوند. کسانی که دیگر شورش نبوده و یا دیگر در خشونت ها سهم نمی گیرند، مورد حفاظت بوده و نباید هدف قرار گیرند. اما در کنار افراد ملکی، جنگجویانی که دیگر از میدان جنگ خارج شده (مانند زخمی، بیمار، آنهای که کشتی شان می شکنند و درحال غرق شدن است و بازداشت یا تسلیم شده اند) یا کسانی که مربوط به پرسونل مذهبی یا کارمندان صحتی نیروهای مسلح اند همه این ها تحت حقوق بشر دوستانه بین المللی در برابر حمله یا هدف قرار گرفتن مصون می باشند.

اما در این ارتباط در افغانستان، این گزارش حملاتی را علیه گروه های مختلف مردمی به ثبت رسانیده که شامل کارمندان ملکی، معلمین، کارمندان مراکز صحتی و کسانی که در ارائه خدمات عامه سهم دارند، شخصیت های سیاسی و کارمندان اداری، کارمندان مؤسسات غیر دولتی، پرسونل پولیس ملکی که وظیفه نظامی ندارند و در عملیات مبارزه با شورشیان سهم ندارند، می گردد¹⁶.

عناصر مخالف دولت/طالبان

طالبان به شکل همگانی اظهار نموده است که یک تعداد افراد خاص که بر اساس نورم های بین المللی در تحت عنوان تعریف "افراد ملکی" قرار می گیرند ممکن مورد حمله قرار بگیرند و این مسئله با حقوق بشر دوستانه بین المللی مغایرت دارد.

در سال ۲۰۱۱، طالبان مسؤلیت تعداد زیادی از کشتارهای هدفمند مقامات ملکی دولتی، بزرگان قوم، کارمندان حکومتی، قراردادکننده گان، موثروانان، مترجمین و سایر افراد ملکی را به عهده گرفتند و همچون افراد را در لیست عمومی که اهداف مشخص گنجانیده می شد و به کشتن و یا دستگیری شان اقدام می گردید، شامل کردند¹⁷. در ماه اکتوبر سال ۲۰۱۱، اعلامیه که در پاسخ به تشکیل لوی جرگه توسط طالبان منتشر گردیده بود، تعداد وسیع از افراد ملکی که در لوی جرگه سهم گرفته بودند و یا به نحوی به حکومت ارتباط داشتند به عنوان اهداف مشروع توسط طالبان تشخیص گردیده بود.

"امارت اسلامی می خواهد که به تمام آنهای که به این لوی جرگه مصطلح می خواهد اشتراک کند، اخطار دهد که همچون خیانتکاران توسط مجاهدین امارت اسلامی در هر گوشه از کشور مورد تعقیب قرار خواهد گرفته و به واکنش شدید مواجه خواهد شد. عالمان امین کشور یک فرمان را در این مورد تصویب نموده که در صورت دستگیری هر یکی از آنهای که در این جرگه شرکت نموده به جرم خیانت مسؤل قلمداد خواهد شد. امارت

¹⁵. با پراگراف ۱ ماده ۵۰ پرتوکول الحاقی ۱ اول به کنوانسیون های ژنیو مقایسه کنید. همچنین به "رهنمود های تفسیری در مورد مفهوم مشارکت مستقیم در خشونت ها بر اساس حقوق بشر دوستانه بین المللی" نوشته نیلز میلز، تاریخ ۱ جولای ۲۰۰۹ مراجعه کنید.

¹⁶. یوناما آنده از افسران پولیس را به عنوان جنگجو می پذیرند که بصورت مستقیم در خشونت ها سهم دارند. این مسئله شامل حال پولیس ملی افغان، پولیس محلی و پولیس سرحدی که بصورت منظم عملیات ضد شورشگری را انجام میدهند نیز می گردد، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. یوناما به عنوان غیر نظامی، آنده از پولیس ترافیک افغان و دیگر افسران پولیس را در نظر دارد که فقط نقش نظم عامه ملکی را انجام میدهد.

¹⁷. به گزارش نیم سال ۲۰۱۱ یوناما در مورد تلفات افراد ملکی مراجعه گردد، پراگراف (iv-vi) دستور العمل طالبان و بیانیه طالبان در ۳۰ اپریل سال ۲۰۱۱ که حملات بهاری شان را اعلام نموده بود، لیست از اشخاص را که مورد هدف قرار می دادند اعضای کابینه حکومت، اعضای پارلمان و شورای صلح را نیز شامل می گردید.

اسلامی هم چنان مجاهدین دلیر و شجاع خویش را مخاطب قرار داده که هر محافظ امنیتی، شخص که در فکر مشارکت در این جلسه هست و دعوت کننده گان براین جلسه را مورد هدف قرار بدهد.¹⁸

هدف قرار دادن و کشتار عمدی اینها و سایر افراد ملکی نقض نورمهای حقوق بشر دوستانه بین المللی بوده که به شکل صریح در این نورمها آمده است که تنها اهداف نظامی اهداف مشروع جهت حمله محسوب می گردد. افراد ملکی اهداف مشروع نظامی نیستند مگر اینکه به شکل مستقیم در جنگ ها سهم بگیرد.

آیساف

آیساف بنا به درخواست یوناما تعریف ملکی را به شرح ذیل ارایه نموده است:

حقوق بشر دوستانه بین المللی کلمه "ملکی" را به اشخاص اطلاق می کند که جنگجو (اعضای نیروهای نظامی یا شبه نظامی) یا عضو گروه های مسلح سازمان یافته ای یک طرف از جناح های درگیر نبوده و در ضمن به اشخاص خطاب می گردد که بخشی از شورشیان عمومی نباشد. یک فرد ملکی موقف ملکی بودن خود را زمانی از دست می دهد که بصورت مستقیم در خشونت ها سهم می گیرد. اما در صورت جراحت، مریضی، توقیف یا تسلیم آن محافظت تعریف شده را دوباره بدست آورده چون به شکل فعال در جنگ سهم نمی گیرد. افراد ملکی جهت تحلیل و تجزیه توسط گروه کاهش تلفات افراد ملکی (Civilian Casualty Mitigation Team) با توجه به وابستگی های شان بیشتر تفکیک می گردد. توضیحات بیشتر در مورد وضعیت افراد ملکی باید به مشاور حقوقی ارجاع گردد.¹⁹

تفکیک بیشتر افراد ملکی با توجه به وابستگی هایشان، و به منظور تحلیل، توسط «گروه کاهش تلفات افراد ملکی» صورت می گیرد.

18. اظهار نظر سخنگوی طالبان در مورد لویه جرگه، ۲۶ اکتوبر سال ۲۰۱۱.
19. مکاتبه ایمیلی یوناما با گروه کاهش تلفات افراد ملکی آیساف، ۹ جنوری ۲۰۱۲.

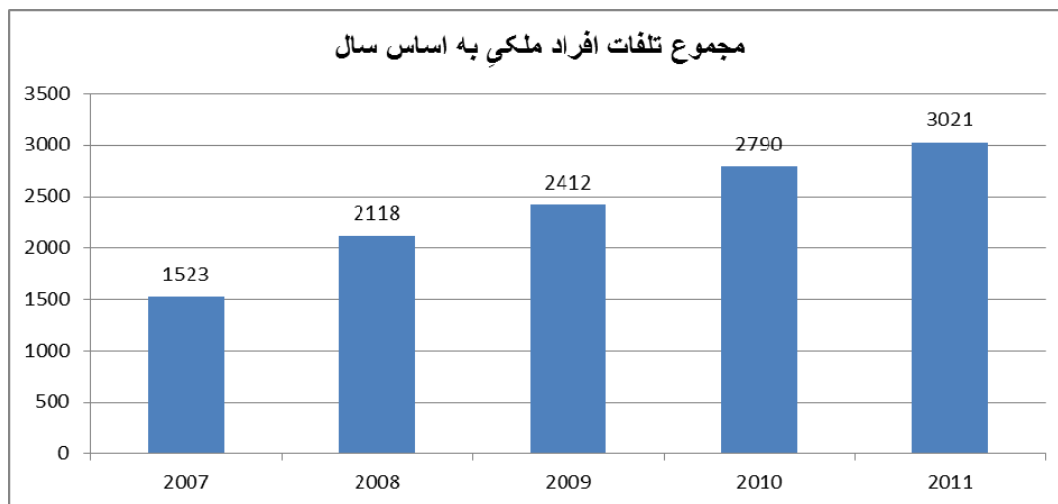
خلاصه

من یک صدای انفجار را در ساعت یازده و چهل و پنج دقیقه قبل از ظهر شنیدم. چند دقیقه بعد خانم به نمبر موبایلیم تماس گرفت. وی بسیار غمگین بود و برایم بسیار مشکل بود که صحبت هایش را بفهمم. وی گفت که پسر ۱۴ ساله ما مصروف خریدن بیخ بود که انفجار صورت گرفت. او بمن گفت که من خون پسر را در جاده دیدم اما در مورد خودش اطلاع ندارم. من در شفاخانه رفتم. در میان مجروحین در جستجوی پسر بودم که جسد بی جان را دریافتیم. یک پارچه ی از مواد انفجاری در سرش فرو رفته بود. من از هوش رفتم و توسط دوستانم به خانه منتقل شده بودم. پسر از بین رفت و رفتن او برای من و خانم مرگ هست. او تنها پسری بود که من داشتم.

— پدر یک قربانی حمله مواد انفجاری تعبیه شده، منطقه دشت شور مزار شریف در ولایت بلخ، ۲۰ جولای سال ۲۰۱۱.²⁰

بعد از یک دهه جنگ، در سال ۲۰۱۱ منازعات مسلحانه در افغانستان بار دیگر موجب تلفات بیشتر افراد ملکی در مقایسه با سالهای قبل گردیده است. به اساس دریافتهای یوناما به تعداد ۳۰۲۱ فرد ملکی در سال ۲۰۱۱ به قتل رسیده است که این رقم نسبت به سال ۲۰۱۰ (با ۲۷۹۰ فرد ملکی کشته شده) ۸ درصد و در مقایسه با سال ۲۰۰۹ (با ۲۴۱۲ فرد ملکی کشته شده) ۲۵ درصد افزایش را نشان می دهد.²¹

برای سال ۲۰۱۲، یوناما برای تمام اطراف درگیر در منازعه افغانستان یعنی عناصر مخالف دولت، نیروهای نظامی افغانستان و قوت های بین المللی ضروری می داند تا تعهداتشان را افزایش داده و تلاش نمایند تا افراد ملکی را محافظت کنند و مسؤلیت های قانونی شان را بطور کامل برآورده ساخته تا رقم کشته شده گان و مجروحین افراد ملکی کاهش بیابد.

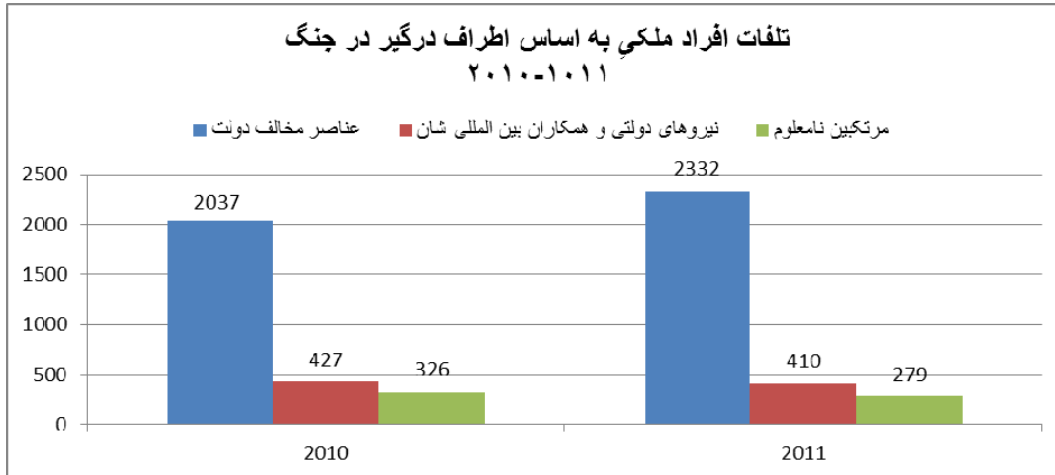


عناصر مخالف دولت به تعداد ۲۳۳۲ فرد ملکی را در سال ۲۰۱۱ به قتل رسانیده که در مقایسه به سال قبل که عناصر مخالف دولت ۲۰۳۸ فرد ملکی را کشته بود، ۱۴ درصد افزایش را نشان می دهد و این رقم ۷۷ درصد از مجموع کشته شده گان که به عناصر مخالف دولت نسبت داده می شود، را تشکیل میدهد.

²⁰ یوناما با مرد ۵۵ ساله که پسرش را در اثر انفجار مواد انفجاری تعبیه شده از دست داده بود مصاحبه نمود. این انفجار در منطقه دشت شور مزار شریف از توابع ولایت بلخ در ۲۰ جولای صورت گرفت که چهار فرد ملکی را به قتل رسانید و ۱۴ نفر دیگر مجروح گردیدند.

²¹ ۲۰۱۱ سال پنجمی است که یوناما در آن ازدیاد ارقام تلفات ملکی را مستند میسازد. از سال ۲۰۰۷ به اینسو ۱۱۸۶۴ نفر فرد ملکی در منازعه مسلحانه کشته شده اند.

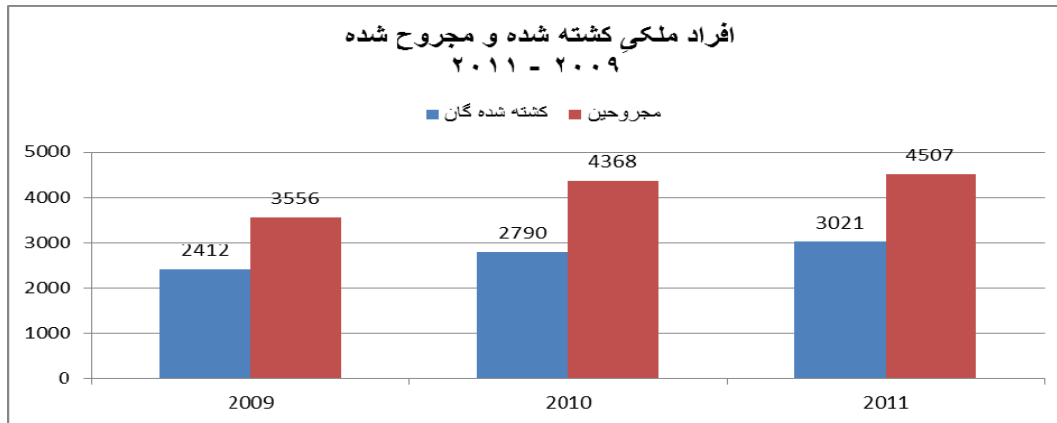
به تعداد ۴۱۰ فردملکی توسط نیروهای طرفدار دولت^{۲۲} به قتل رسیده که ۴ درصد کاهش را نشان می دهد. در سال ۲۰۱۱، ۱۴ درصد از مجموع کشته شده گان افراد ملکی به نیروهای طرفدار دولت نسبت داده می شود. تعداد ۲۷۹ فرد ملکی کشته شده که ۹ درصد تمام کشته شده گان را تشکیل می دهد به هیچ یکی از اطراف معین منازعه نسبت داده نمی شود.



ثبت بی سابقه تلفات اطفال، زنان و مردان افغانستان ناشی از تغییراتی هست که در تاکتیک های جنگی عناصر مخالف دولت و تأثیرات تاکتیک های طرف های منازعه بوجود آمده است. عناصر مخالف دولت از مواد انفجاری تعبیه شده به شکل مکرر و گسترده در سراسر کشور استفاده نموده، با حملات انتحاری بزرگتر و کشتنده تری، قربانیان بیشتری را بجا گذاشته و قتل های هدفمند و غیر قانونی اش را نیز افزایش داده است. با وجود کاهش آمار حملات هوایی افراد ملکی که در اثر حملات هوایی نیروهای طرفدار دولت کشته شده اند، در سال ۲۰۱۱ افزایش یافته است.^{۲۳}

در عین زمان، توزیع جغرافیای تلفات افراد ملکی به شکل قابل ملاحظه بخصوص در نصف دوم سال ۲۰۱۱ تغییر جهت داده است. چنانچه جنگ در جنوب به شدت تقلیل یافته و در ولایات مربوط به جنوب شرق، شرق و شمال کشور شدت گرفته است، تعداد زیادی از افراد ملکی در این ساحات کشته و یا مجروح گردیده که از دید کلی در تمام تلفات افراد ملکی در سراسر کشور را تشکیل میدهد.^{۲۴} طور مثال، در نصف دوم سال ۲۰۱۱ جنگ های جبهه بی بین عناصر ضد دولت و نیروهای طرفدار دولت سبب مرگ ۲۸۹ فرد ملکی شده که در مقایسه با سال ۲۰۱۰، ۳۳ درصد کاهش را نشان میدهد. به استثنای ساحات شرقی، که در آن ۷۲ تن ملکی کشته شده اند و نظر به سال ۲۰۱۰، ۲۹ درصد افزایش را نشان میدهد، تلفات ملکی ازین تاکتیک به سطح کشور تقلیل یافته است.

^{۲۲} نیروهای طرفدار دولت شامل نیروهای ملی افغان و نیروهای بین المللی که در افغانستان فعالیت مینمایند، میباشد.
^{۲۳} در سال ۲۰۱۱، به تعداد ۱۶۷۵ مأموریت حمایت های هوایی با مهمات در افغانستان به ثبت رسیده که شامل ۴۸۹۶ مأموریت هوایی که در آن مهمات شلیک گردیده، می باشد. در مقایسه با سال ۲۰۱۰ که ۱۸۱۶ مأموریت حمایت های هوایی به ثبت رسیده بود و ۵۱۰۱ مأموریت هوایی که در آن مهمات شلیک شده بود را شامل می شد، کاهش یافته است. به انتشار اخبار امور همگانی مرکزی قوت های هوایی امریکا، "آمار ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ فرماندهی بخش هوایی قوت های مرکب"، منتشره ۲ جنوری سال ۲۰۱۲ مراجعه گردد.
^{۲۴} بر اساس دریافت های دفتر امنیت و مصونیت ملل متحد در افغانستان، رویدادهای امنیتی در مقایسه با سال ۲۰۱۰ در سال ۲۰۱۱، ۱۸ درصد افزایش یافته است. ۲۲۹۰۳ حادثه در سال ۲۰۱۱ گزارش شده که در سال ۲۰۱۰، به تعداد ۱۹۴۰۳ و در سال ۲۰۰۹ به تعداد ۱۱۵۲۴ حادثه گزارش شده بود. جنوب و جنوب شرق افغانستان که هر یک ۳۲ درصد حوادث را بخود اختصاص داده است، ۶۴ درصد تمام حوادث در این دو زون اتفاق افتاده است. معدل میزان رشد ماهوار حوادث در این دو زون بالاترین افزایش را تشکیل داده که هر یک در مقایسه با سال ۲۰۱۰، ۳۸ درصد رشد را نشان می دهد. هرچند زون جنوب یک کاهش نزولی را بعد از ماه سپتمبر سال ۲۰۱۱ نشان می دهد که این سطح حوادث پایین، ماه دسمبر را نیز در بر گرفته است، زیرا عملیات نظامی نیروهای طرفدار دولت از ماه سپتمبر به این طرف در زون جنوب شرق و شرق تمرکز یافته است.



عناصر ضد دولت و محافظت افراد ملکی

تاکتیک های عناصر مخالف دولت با نتایج مهلک تر در سال ۲۰۱۱، افراد ملکی در افغانستان را بیشتر به قتل و جرح مواجه ساخته است. مواد انفجاری تعبیه شده به تنهایی بزرگترین عامل کشتار اطفال، زنان و مردان افغانستان در سال ۲۰۱۱ بوده است، که زندگی ۹۶۷ فرد ملکی، یا تقریباً یک سوم یعنی ۳۲ درصد تمام کشته شده گان جنگ را تشکیل می دهد. مواد انفجاری تعبیه شده سبب ۴۱ درصد از مجموع کشته شده گانی گردیده که به عناصر مخالف دولت منسوب میگردند.²⁵

در جریان سال ۲۰۱۱، عناصر مخالف دولت استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده بشقاب مانند که با فشار وزن قربانی منفجر می گردد و مثل ماین های ضد پرسونل عمل کرده و با پا گذاشتن شخص و یا عبور یک عراده از بالای آن منفجر می گردد، را افزایش داده است. این نوع مواد انفجاری تعبیه شده، بین اهداف نظامی و غیر نظامی تشخیص کرده نمی تواند و همینطور از جمله سلاح های غیر قانونی و ممنوع بشمار می رود. هر چند طالبان استفاده از ماین های ضد پرسونل را در سال ۱۹۹۸ ممنوع اعلام نموده و این نوع سلاح را غیر اسلامی و ضد بشری قلمداد نموده بود، اما عناصر مخالف دولت این ماین های ضد پرسونل را در قالب مواد انفجاری تعبیه شده در سال ۲۰۱۱ استفاده نموده که تأثیرات مخرب بالایی افراد ملکی بجا گذاشته است. یوناما یک بار دیگر با تأکید از طالبان و عناصر مخالف دولت می خواهد تا اعضای شان را از استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده ی بشقاب مانند که با فشار وزن منفجر می گردد و تعداد زیاد از افراد ملکی را در سال ۲۰۱۱ کشته و یا مجروح نموده اند، منع نماید.

در سال ۲۰۱۱، کشته شده گان ناشی از حملات انتحاری در افغانستان به شکل چشمگیر افزایش یافته است. در مجموع، ۴۵۰ فرد ملکی در اثر حملات انتحاری به قتل رسیده که در مقایسه با سال ۲۰۱۰، تقریباً ۹۰ درصد افزایش نموده است. حملات انتحاری ۱۵ درصد تمام کشته شده گان افراد ملکی و ۱۹ درصد کشته شده گانی که به عناصر مخالف دولت نسبت داده می شود را تشکیل می دهد. هر چند در تعداد حملات انتحاری در مقایسه با سال ۲۰۱۰ افزایش رخ نداده است، اما ماهیت این حملات تغییر نموده، بسیار پیچیده گردیده، در بعضی مواقع انتحار کننده گان متعددی را در برمی گیرد و طوری طرح می گردد که کشته شده گان و مجروحین بیشتر را بجا میگذارد.

در سال ۲۰۱۱، کشتارهای هدفمند افراد ملکی توسط عناصر مخالف دولت به شدت جریان داشته و در مقایسه با ارقام بلند سال ۲۰۱۰ افزایش نموده است. بر اساس دریافتهای یوناما به تعداد ۴۹۵ فرد ملکی در سراسر افغانستان به شکل هدفمند به قتل رسیده است که ۳ درصد در مقایسه با سال ۲۰۱۰ افزایش یافته است. والی ها، ولسوالها، منسوبین و کارمندان دولت، اعضای شورای صلح و شورا های ولایتی و بزرگان قوم و مردم محل هدف قرار داده شده اند.

²⁵ بخش امنیت و مسئولیت ملل متحد گزارش میدهد که بطور اوسط هر روزه ۲۳ بم مواد تعبیه شده منفجره یا منفجر و یا کشف شده است که به تناسب سال ۲۰۱۰ دو برابر میباشد.

در سال ۲۰۱۱، طالبان اعلامیه‌های متعددی را در مورد محافظت افراد ملکی به نشر رسانید.²⁶ یوناما از پالیسی اعلامیه‌های رسمی طالبان در مورد کاهش تلفات افراد ملکی استقبال می‌نماید، اما اظهار میدارد که همچون دستگیر و قواعد زمانی مفهوم پیدا می‌کند که در ساحة عمل تطبیق گردد. با وجود پیام‌های رو به رشد طالبان در مورد محافظت افراد ملکی در سال ۲۰۱۱، یوناما هیچ‌گونه پیشرفتی را از سوی طالبان که در مطابقت با حقوق بشر دوستانه بین‌المللی باشد و نیز کاهش تلفات افراد ملکی از سوی آنان را مشاهده ننموده است. طالبان مدام به شکل مستقیم افراد ملکی را هدف قرار داده و از سلاح‌های بدون تفکیک مانند مواد انفجاری تعبیه شده بشقاب مانند که با فشار وزن منفجر می‌گردد، استفاده می‌نماید.

یوناما از رهبری طالبان دعوت می‌نماید تا قواعد جنگی را به هدف محافظت از افراد ملکی طوریکه در اعلامیه‌های متعددشان در سال ۲۰۱۱ بیان شده است، در لایحه‌ی خویش بگنجانند و مقرراتی در مورد کاهش تلفات افراد ملکی در مطابقت با حقوق بشر دوستانه بین‌المللی اضافه نمایند و اطمینان حاصل کنند که همچون قواعد بطور کامل توسط جنگجویان طالبان رعایت می‌گردد و نیز در صورت عدم پیروی از قواعد متذکره ضمانت اجرایی وجود داشته باشد.

نیروهای طرفدار دولت و محافظت افراد ملکی

در میان تاکتیک‌های نیروهای طرفدار دولت حملات هوایی باعث قتل بیشترین افراد ملکی در سال ۲۰۱۱ گردیده است.²⁷ در مجموع، ۱۸۷ فرد ملکی توسط حملات هوایی به قتل رسیده است که افزایش ۹ درصدی را در مقایسه با سال ۲۰۱۰ نشان می‌دهد.

افراد ملکی که در عملیات شبانه توسط نیروهای طرفدار دولت به قتل رسیده، به ۶۳ نفر در سال ۲۰۱۱ تنزیل یافته است که در مقایسه با سال ۲۰۱۰، ۲۲ درصد کاهش را نشان می‌دهد.²⁸

در ماه‌های جولای تا دسامبر سال ۲۰۱۱، یوناما به تعداد ۴۱ فرد ملکی را درج نموده است که در جریان عملیات و عکس‌العمل‌های نیروهای امنیتی ملی افغان کشته شده‌اند، که یک افزایش ۱۹۲ درصدی را در مقایسه با ارقام ۶ ماه اخیر سال ۲۰۱۰ نشان می‌دهد. یوناما تغییرات جزئی را در میزان تلفات افراد ملکی در ساحاتی که پروسه انتقال در آن عملی شده است، مستند نموده است.

یوناما به تمام نیروهای مسلح ملی و بین‌المللی تأکید مینماید که در هنگام پلان‌گذاری و تطبیق عملیات نظامی خویش تدابیری اتخاذ نمایند که میزان مرگ و یا مجروح شدن افراد ملکی را کاهش دهد.

تأثیرات منازعه مسلحانه بر زنان و اطفال

در سال ۲۰۱۱، زنان و اطفال یک بار دیگر از ضربه منازعه مسلحانه متأثر گردیده است. تعداد زنان و اطفال که در سال ۲۰۱۱ به قتل رسیده‌اند در مقایسه با سال گذشته بطور مشخص در مقایسه با نیمه دوم سال افزایش یافته است. یوناما کشته شدن ۱۶۶ زن و ۳۰۶ طفل را مستند نموده است که ۳۰ درصد تمام کشته شده‌گان افراد ملکی را بین جولای و دسامبر سال ۲۰۱۱ تشکیل می‌دهد. در مقایسه با عین مدت سال ۲۰۱۰، زنان کشته شده ۲۹ درصد و اطفال کشته شده ۵۱ درصد در نصف دوم سال ۲۰۱۱ افزایش یافته است.

²⁶ اعلامیه شورای رهبری طالبان در مورد آغاز عملیات بهاری، ۳۰ اپریل ۲۰۱۱، پاراگراف ۴: پیام تبریکی رهبر طالبان در مورد فرارسیدن عید فطر، ۲۸ اگست ۲۰۱۱ و پیام تبریکی رهبر طالبان در مورد فرارسیدن عید اضحی، ۵ نوامبر ۲۰۱۱.

http://www.shahamatenglish.com/index.php?option=com_content&view=article&id=6780:statement-of-the-leadership-council-of-the-islamic-emirate-regarding-the-inception-of-the-spring-ope&catid=4:statements&Itemid=4.

²⁷ حملات هوایی: حملات را تشکیل می‌دهد که توسط طیاره‌های نظامی صورت می‌گیرد مانند حملات که مهمات از طیاره‌ها، هلیکوپترها و طیاره‌های بدون سرنشین پرتاب می‌گردد.

²⁸ معلومات دقیق در مورد ارقام عملیات شبانه و تلفات ناشی از آن مشکل هست که جمع‌آوری گردد زیرا همچون اطلاعات بطور عموم محرمانه می‌باشد. اطلاعات در مورد ارقام حملات شبانه که توسط طیف از نیروهای نظامی افغان و بین‌المللی، نیروهای ویژه، نیروهای عملیات ویژه و سایر مأمورین حکومتی انجام می‌گردد و نیز تلفات که در نتیجه همچو عملیات بوجود آمده به شکل همگانی قابل دست‌رس نمی‌باشد. محدودیتها در مورد این عملیات و تلفات ناشی از آن ناشی از محیط عملیاتی و دست‌رسی محدود به اطلاعات می‌باشد. یوناما ممکن تلفات ناشی از حملات شبانه را به طور کامل گزارش نداده باشد.

استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده در منازعه مسلحانه سبب عمده به قتل رسیدن زنان و اطفال می باشد. در نیمه دوم سال ۲۰۱۱، به تعداد ۱۱۲ طفل (۳۶ درصد از تمام کشته شده گان طفل در این دوره) که در مقایسه با سال گذشته ۴۵ درصد افزایش را نشان می دهد، به قتل رسیده است. ۶۹ زن در نتیجه مواد انفجاری تعبیه شده به قتل رسیده (۴۱ درصد از تمام زنان که در نصف دوم سال ۲۰۱۱ به قتل رسیده است) که در مقایسه با نصف دوم سال ۲۰۱۰، ۳۰ درصد افزایش را نشان میدهد. از جولای تا دسامبر سال ۲۰۱۱، حملات انتحاری ۵ زن و ۳۰ طفل را به قتل رسانده که در مقایسه با عین مدت سال ۲۰۱۰ رقم کشته شده گان این تاکتیک بیشتر از دوچند گردیده است.

حملات هوایی توسط نیروهای طرفدار دولت در مقایسه با سال ۲۰۱۰ بطور مشخص در نصف دوم سال ۲۰۱۱ زنان و اطفال را بیشتر به قتل رسانیده اند. بین ماه جولای و دسمبر سال ۲۰۱۱ ارقام زنان و اطفال که توسط حملات هوایی کشته شده اند در مقایسه با عین مدت سال ۲۰۱۰، سه چند گردیده است (۶۶ کشته که شامل ۴۵ طفل و ۲۱ زن می گردد). در نصف دوم سال ۲۰۱۱ حملات هوایی قتل ۱۴ در صد از مجموع زنان و اطفال کشته شده را سبب گردیده است.

تحول جغرافیایی منازعه

در جریان سال، از ولایات زون جنوب که جنگ به شکل تاریخی در آنجا متمرکز شده بود منازعه بیرون شده و در چندین ولایات زون جنوب شرق و شرق شدت گرفت. در نصف دوم سال ۲۰۱۱ هرچند که ولایت کندهار و هلمند بلندترین رقم کشته شده گان افراد ملکی یعنی ۲۹۰ کشته را بخود اختصاص داده است اما این رقم ۳۹ درصد کاهش را نسبت به عین مدت سال ۲۰۱۰ نشان می دهد.

در مقابل ولایات خوست، پکتیکا و غزنی که مربوط به زون جنوب شرق می باشند و ولایات کنر و ننگرهار که مربوط به زون شرق می گردند به طور کلی مجموعاً ۴۴۶ فرد ملکی کشته شده را بخود اختصاص داده که در مقایسه با عین مدت سال ۲۰۱۰، ۳۴ درصد افزایش یافته است. بین ماه جولای و دسمبر سال ۲۰۱۱ آمار کشته شده گان در زون مرکز از ۱۲۸ به ۲۳۰ صعود نموده که در مقایسه با سال گذشته ۸۰ درصد افزایش یافته است. این افزایش در ولایت کابل جاییکه کشته شده گان افراد ملکی از ۲۳ نفر در نصف دوم سال ۲۰۱۰ به ۷۱ نفر در سال ۲۰۱۱ افزایش یافت، برجسته بود. در این مدت ۶۷ نفر از مجموع ۷۱ فرد ملکی کشته شده در نتیجه ۶ حمله انتحاری جداگانه در کابل به قتل رسیده است.

هرچند کشتار هدفمند توسط عناصر مخالف دولت در زون جنوب، مرکز و شمال شرق در سال ۲۰۱۱ کاهش یافته است اما همچون کشتار در سطح کشور ۶ در صد افزایش را نشان میدهد. با بیشترین افزایش زون غرب (۲۵۵ درصد)، زون جنوب شرق (۱۱۴ درصد) و زون شرق (۱۰۷ درصد) افزایش را بخود اختصاص داده است.

در سال ۲۰۱۱، یوناما در منطقه قبایلی در مجاورت با ولایات کنر، ننگرهار و نورستان، کشته شدن به تعداد ۵۴ فرد ملکی (۱۸ کشته و ۳۶ مجروح) را در نتیجه گلوله باری نیروهای نظامی پاکستان در جریان عملیات ضد شورشیان مستند نموده است.^{۲۹} این گلوله های پرتاب شده صدها خانواده را در ننگرهار و کنر بیجا نموده و دارائی افراد ملکی را به شمول خانه ها و مواشی از بین برده است.

پولیس محلی افغان و محافظت افراد ملکی

با آغاز پروسه انتقال در سال ۲۰۱۱، نیروهای امنیتی افغان و بین المللی بالای پولیس محلی افغان اتکاء نمودند، تا که در محلات دور کشور دست خالی امنیتی را پر بسازند.^{۳۰} واحد های پولیس ملی افغان در ولسوالی های

^{۲۹} یوناما در آمار مجموعی تلفات افراد ملکی در سال ۲۰۱۱، آنها را که بر اثر گلوله های سلاح های نیروهای پاکستان به قتل رسیده و یا مجروح گردیده بودند را شامل نکرده اند. آقای صادق سفیر پاکستان در افغانستان میگوید که به وزیر خارجه افغانستان گفته است که: "من برایش گفتم که نیروهای پاکستانی اعضای تحریک طالبان را درین نواحی هدف قرار داده است، نه افراد ملکی را. ولی ما بخاطر تلفات افراد ملکی و زیان های دیگر اظهار تأسف مینمائیم. به اکسپرس تریبیون مراجعه شود:

<http://tribune.com.pk/story/261277/cross-border-shelling-kabul-delivers-rebuke-to-pakistan-envoy/>.

^{۳۰} آیساف و وزارت داخله در سال ۲۰۱۱ پولیس ملی افغان را در چارچوب وزارت داخله ایجاد کردند تا از ولسوالی های بی ثبات حمایت نماید، ساحات دور دست را حفظ نماید، از نفوذ عناصر ضد دولت جلوگیری نماید و برای حکومت داری بهتر و انکشاف زمینه را مساعد سازد. به اساس اظهارات آیساف، پولیس محلی تحت برنامه ثبات قریه ها (Village Stability Operations Programme یا VSO) عمل نموده، (برنامه که برای نیروهای عملیات ویژه ایالات متحده در قریه های خاص به منظور بسیج ساختن مردم در برابر نفوذ عناصر

خاصی ساخته شده است که در آن به تعداد کافی نیروی پولیس ملی افغان و اردوی ملی افغان حضور ندارد تا بتواند امنیت مردم محل را تأمین نماید، و افرادی درین نیرو شامل ساخته شده اند که از بین مردم محل استخدام شده و در یک ساحة جغرافیایی محدود امنیت را تأمین مینمایند. در حالیکه هزینه آن به مراتب نسبت به تربیه پولیس ملی افغان و اردوی ملی کمتر میباشد، شمار پولیس محلی به ۱۱۰۶۶ تن میرسد که در ۵۷ ساحة توظیف شده اند و به وزارت داخله صلاحیت داده شده تا آن را به ۳۰۰۰۰ نفر که در ۹۹ محل توظیف میگردد، بالا ببرد.³¹ به اساس توضیحات نیروهای بین المللی کمکی آیساف، پولیس محلی افغان "بطور ثابت حضور نیروی امنیتی را تأمین نموده که از حمایت مردم محل برخوردار بوده و به سطح ملی مورد اعتماد بوده و از آن نظارت میگردد" و "در جمع تلاش های ضد شورش آیساف - افغان جایگاه اساسی داشته" و "بطور جامع جزء شبکه نیروهای امنیتی افغان می باشد".³²

در سال ۲۰۱۱، یوناما گزارش های متفاوتی در باره کارکرد و مؤثریت پولیس محلی بدست آورده است. در اخیر سال گذشته، مراجع زیادی گفته است که در محلاتی که پولیس محلی توظیف شده است، امنیت بهتر شده است که به معنی اینست که پولیس محلی توانسته است از نفوذ شورشیان در آن ساحات جلوگیری نماید. ولی نگرانی های دیگری تا هنوز موجود است که پولیس محلی در بعضی مناطق افرادی را شامل ساخته که ناقضین شناخته شده حقوق بشر میباشد، همچنان امور بررسی و تزکیه، قومانده و کنترل، نظارت و حسابدهی آنان نیز ناکافی میباشد.³³ یوناما همچنان در بعضی مناطق تأثیرات سوء از طرف زورمندان محل را بالای جذب پولیس محلی و اینکه قوماندانان پولیس محلی در ولایات پکتیکا و کندز بالای مردم محل مالیه غیر قانونی وضع نموده است، در پکتیکا، فراه و ارزگان به شمول کودکان مردم را به جبر شامل پولیس محلی ساخته است، مستند نموده است. همچنان یوناما در ولایات کندز، بغلان و سر پل گزارش های تجاوز جنسی، خشونت و تهدید ها را و در ارزگان و سر پل گزارش های در مورد بیجا شدن اجباری مردم توسط پولیس محلی دریافت نموده است.

بخاطر بهتر شدن کارکرد و نظارت پولیس محلی، آیساف در دسمبر سال ۲۰۱۱ گفته است که با وزارت داخله کار خواهد کرد تا به پولیس محلی در مورد جلوگیری از نقض حقوق بشری آموزش داده و صلاحیت های استفاده از نیروی شان را مشخص نموده، یک افسر ارشد پولیس ملی را در آیساف مقرر نماید تا شمولیت افغان ها را در نظارت و حسابدهی آنها اطمینانی ساخته و در عرصه واکنش ها و تخلفات پولیس محلی پالیسی ها و طرز العمل ها را ایجاد نماید. یوناما ازین اقدامات استقبال نموده و دریافت های این گزارش از تطبیق عاجل و مکمل چنین طرز العمل ها قبل از وسعت دادن پولیس محلی حمایت مینماید.³⁴

تأثیر منازعه مسلحانه بر افغان ها

در جریان سال ۲۰۱۱، مردم عادی افغانستان تعدی های رو به رشد و مزاحمت های را در زندگی روزمره شان بر اثر منازعات مسلحانه در کشورشان تجربه نمودند. جنگ و بی امنیتی به تعداد ۱۸۵۶۳۲ فرد افغان را در سال ۲۰۱۱ بیجا نموده است که در مقایسه با سال ۲۰۱۰، ۴۵ درصد افزایش یافته است.³⁵

ضد دولت زمینه را مساعد مینماید، هدف آن همزمان با نیروهای عملیات ویژه ایالات متحده در بسیج ساختن مردم بخاطر جلوگیری از نفوذ عناصر ضد دولت، با آن ها مساعدت نماید تا حکومت داری و کارهای انگشافی بهبود یابد. بودجه پولیس محلی افغان از طرف دولت ایالات متحده از طریق صندوق وجهی نیروهای امنیتی افغان تمویل میگردد که برای ۳۰۰۰۰ نفر الی سال ۲۰۱۵ در نظر گرفته شده است. آیساف اظهار میدارد که تا اکنون در حدود ۴ میلیون نفوس در ساحاتی بسر میبرند که توسط عملیات ثابت قریه های نیروهای عملیاتی ویژه ایالات متحده و پولیس ملی افغان حفاظت میگردد.

³¹ واحد های پولیس محلی باید تحت ساختار قومانده پولیس ملی فعالیت نماید که به سطح ولسوالی ها به قوماندان پولیس ولسوالی گزارش بدهد که زیر اثر قوماندان امنیه میباشد. به نیروهای پولیس محلی ۲۱ روز آموزش داده میشود که در همکاری و زیر رهنمایی نیروهای عملیات ویژه ایالات متحده تطبیق میگردد که بعداً این مسئولیت به پولیس ملی افغان واگذار میگردد. همچنان حمایت لوژستیک پولیس محلی افغان نیز از طرف نیروهای عملیات ویژه ایالات متحده صورت میگردد.

³² بازدید یوناما با معاون و کارمندان معاونیت عملیاتی رئیس دفتر قرار گاه مرکزی آیساف، کابل، جنوری ۲۰۱۲.

³³ به بخش پولیس محلی افغان در گزارش سال ۲۰۱۰ و گزارش نیم سال ۲۰۱۱ یوناما در مورد محافظت افراد ملکی مراجعه گردد.

³⁴ قرار گاه مرکزی نیروهای امریکایی در افغانستان، اظهارات در مورد ثبت، دریافت ها و سفارشات (AR 15-6-Credibility)

(Assessment of Allegations of Human Rights Violations in a Human Rights Watch Report)، ۶ دسامبر سال

۲۰۱۱.

³⁵ کمشنری عالی ملل متحد برای مهاجرین، احصائیه در مورد بیجا شده گان داخلی به اثر منازعه در سال ۲۰۱۱.

بیشتر از هزارها افغان وسیله معاش و دارائی شان را از دست دادند، آزادی رفت و آمد شان محدود و یا یکی گرفته شد و دسترسی شان به غذا، مراقبتهای صحی و تعلیم در خطر افتاده است. تلفات افراد ملکی به شکل دوام دار همراه با تهدیدات شایع تعداد زیاد از افراد ملکی را به شکل مستقیم و تعداد دیگر را غیر مستقیم با شعله ور ساختن بحران، وحشت و ترس متأثر ساخته است.

با پیگیری تغییرات جغرافیایی جنگ فهمیده می شود که با افزایش گروپهای مربوط به عناصر مخالف و طرفدار دولت، مردم در ساحات متأثر از جنگ بیشتر از پیش آسیب پذیر گردیده است. جاده ها توسط محلات بازرسی بسته شده و یا مواد انفجاری تعبیه شده کاشته میشوند و نیز تهدید و اذیت به شکل زیاد توسط اطراف درگیر مشاهده می گردید.

در آغاز سال ۲۰۱۲، پیشنهادات و نظریاتی که میتواند در پروسه مذاکرات صلح مساعدت نماید، مطرح گردید. یوناما تأکید می نماید که همچون مذاکرات محافظت افراد ملکی را در منازعات مسلحانه به حیث بالاترین اولویت باید در خود جاداده و نتایجی را که منجر به راه حل جنگ باشد به دنبال داشته باشد و نیز در مورد اقدامات مؤثر و محکم در مورد کاهش تلفات افراد ملکی تأکید جدی به عمل آید.

یوناما در این موقع بحرانی برای مردم افغانستان تأکید می نماید که اعتبار و ارزش جریان مذاکره و پیشرفت آن بطرف صلح زمانی مهم تلقی میگردد که با کاهش تلفات افراد ملکی و امنیت بهتر، بخصوص در ساحات متأثر از جنگ، همراه باشد.

پیشنهادات

یوناما به منظور بهتر شدن محافظت افراد ملکی سفارشات ذیل را پیش مینماید:

به عناصر مخالف دولت

- حقوق بشر دوستانه بین المللی را رعایت نمایند، از اصول تشخیص، تناسب و معیارهای احتیاطی حمایت نموده و از حق حیات حفاظت نمایند.
- استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده بشقاب مانند که با فشار وزن منفجر می گردد، متوقف گردد. اعضاء در استفاده از آن منع شده و به شکل همگانی متعهد گردد تا استفاده از این سلاح خالی از تفکیک و غیر قانونی را متوقف نماید.
- هدف قرار دادن افراد ملکی را خاتمه داده و حملات انتحاری بدون تفکیک را که به افراد ملکی، بشمول زنان و اطفال، صدمه میرساند متوقف کنند. تمام اوامر و هدایاتی را که به کشتار و حمله بر افراد ملکی اجازه میدهد، ملغی قرار داده و اصطلاح فرد ملکی باید به طوری تعریف شود که سازگار با حقوق بشر دوستانه بین المللی باشد.
- حملات بر محلات عبادت و مساجد را که به اساس قوانین بین المللی بشر دوستانه ممنوع میباشد، توقف دهد.
- لایحه و رهنمودهای که به اعضاء طالبان هدایت می دهد تا تلفات افراد ملکی را جلوگیری نموده باید اجرا گردد، و آن اعضاء که افراد ملکی را می کشند و مجروح مینمایند مسؤل و پاسخ ده تلقی گردد.

به حکومت افغانستان

- به منظور اینکه واقعات تلفات ملکی از طرف نیروهای امنیتی افغان بطور دقیق و بر وقت نظارت و تعقیب گردد باید یک گروه جهت تحقیق در مورد تلفات افراد ملکی مشابه با گروه کاهش تلفات افراد ملکی آیساف ایجاد گردد تا محافظت افراد ملکی و حساسدهی در مورد آن بهتر گردد.
- اطمینانی سازد که تمام نیروها در استفاده از تاکتیک های ازدیاد تدریجی زور، تخنیک ها و تمام پروسیجرها، بخصوص که در آن از نیروی کشنده کار گرفته میشود، تریننگ گرفته اند. خدمات آگاهی عامه را به منظور بلند بردن آگاهی افراد ملکی در باره طرز العمل های درست پوسته های امنیتی و کاروان های نظامی تطبیق نمایند.
- تمام نیروهای امنیتی افغان (اردوی ملی، پولیس ملی، پولیس سرحدی، پولیس محلی وغیره) در مورد تمام اصول حقوق بشر دوستانه و حقوق بین المللی آموزش داده شود. اطمینان حاصل گردد که همچون آموزش ها الزامی بوده و در برنامه های تعلیمی نیروهای امنیتی افغانستان گنجانیده شود.
- از میکانیزم استخدام، بررسی، نظارت و مسؤلیت پذیری مؤثر پولیس محلی اطمینان حاصل گردد تا از نقض حقوق بشر و جنایتکاری توسط آنها و سایر نیروهای دفاع محلی که در تحت کنترل حکومت افغانستان هستند، جلوگیری به عمل آمده و به آن پاسخ داده شود.

به نیروهای نظامی بین المللی

- تمام طرز العمل ها و رهنمودهای خود را در طرح و انجام تمام عملیات نظامی، به ویژه حملات هوایی، جهت جلوگیری از تلفات تصادفی افراد ملکی و تخریب دارایی های ملکی، بازنگری نماید.
- رهنمود تاکتیکی عملیاتیهای شبانه، منتشره ۱ دسمبر سال ۲۰۱۱ که اراده فرمانده آیساف را در جهت جلوگیری از تلفات افراد ملکی، کاهش مزاحمت به افراد ملکی و محافظت دارائی آنها جنبه عملی می دهد را بطور کامل اجراء نماید. اطلاعات بدست آمده را قبل، در جریان و بعد از عملیات شبانه با ارگان های حکومتی محلی و

افراد ملکی در میان بگذارد. همچنان نیروهای امنیتی افغان را ترغیب نماید که همچون عملیات را رهبری نمایند.

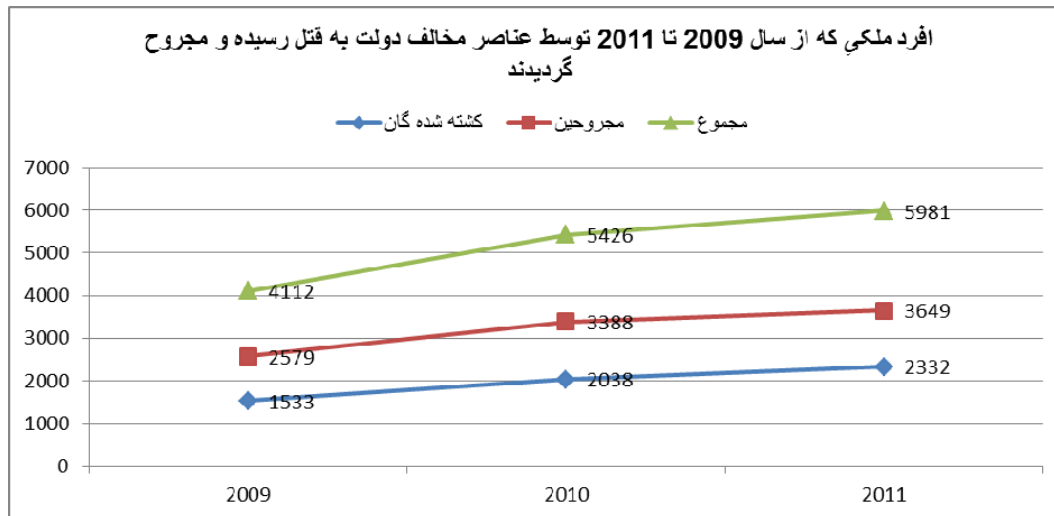
- شفافیت، و حسابدگی را رشد داده، طرز العمل های جبران خساره را بهتر ساخته، و ارتباط بهتر را با افراد ملکی و مردم متأثر شده از طریق انتشار همگانی و عاجل تمام کشفیات گروه مشترک ارزیابی حادثه (JIAT) در رویدادی که افراد ملکی تلف شده است، را تقویت ببخشد.
- با همکاری دولت افغانستان اقداماتی را بطور عاجل بخاطر بهبود عملکرد، نظارت و حسابدگی و نظارت در ساحه پولیس محلی افغان عملی نماید و تمام گروه های را که به عنوان نیروی دفاعی محلی که خارج از کنترول حکومت افغانستان عمل می کند، به زود ترین فرصت منحل نماید.

عناصر مخالف دولت و محافظت از افراد ملکی

انفجار من و بعضی از مسافریں را به بیرون از تاکسی پرتاب نمود. من خون آلود شده بودم اما از هوش نرفتم. داکتران گفتند که قسمت از سرم زخم برداشته است اما در معرض خطر قرار ندارم. من زخم های متعددی در سراسر بدنم دارم که ناشی از ضربت پارچه های آهن می باشد. تاکسی که تنها وسیله معیشتم بود بطور کامل تخریب گردیده است. من نمیدانم که چکنم. ممکن هست تا شخصی مرا کمک کند که تاکسی ام را دوباره ترمیم کنم. من یک خانم و هشت تا طفل دارم که تمام اطفال زیر سن ۱۴ سال قرار دارد و همه نیاز به غذا دارند. من نمی دانم که حالا باید چکنم. در عین زمان من هم چنان ۲۰۰۰۰ افغانی که معادل ۴۴۴۴ دلار می گردد جهت معالجه خودم به مصرف رساندم. من می خواهم به شورشیان بگویم که آنها باید کشتن مردم بی گناه را متوقف نمایند و این کشتار مخالف اصول و ارزش های اسلامی می باشد.³⁶

— مصاحبه با قربانی حمله انتحاری، شهر کنز، ولایت کنز، تاریخ ۱۹ جون سال ۲۰۱۱.

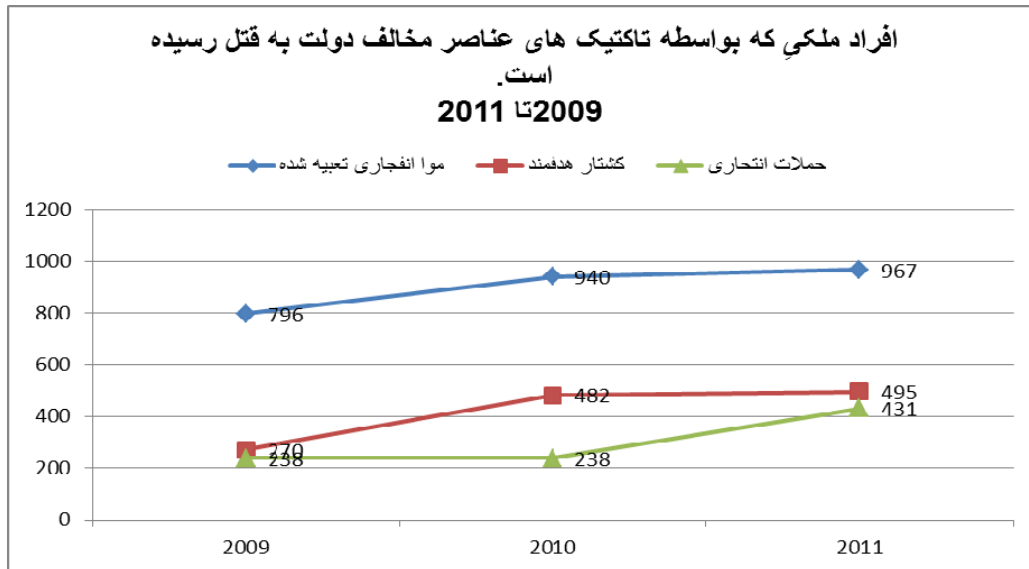
در سال ۲۰۱۱، یوناما به تعداد ۲۳۳۲ فرد ملکی کشته شده و ۳۶۴۹ فرد ملکی مجروح را که به عناصر مخالف دولت نسبت داده می شود را به ثبت رسانیده است. مجموع این کشته شده ها و مجروحین را ۵۹۸۱ فرد ملکی تشکیل می دهد که در مقایسه سال ۲۰۱۰، ۱۰ درصد افزایش در کشته شده گان و مجروحین افراد ملکی که به عناصر مخالف دولت نسبت داده می شود را نشان می دهد.



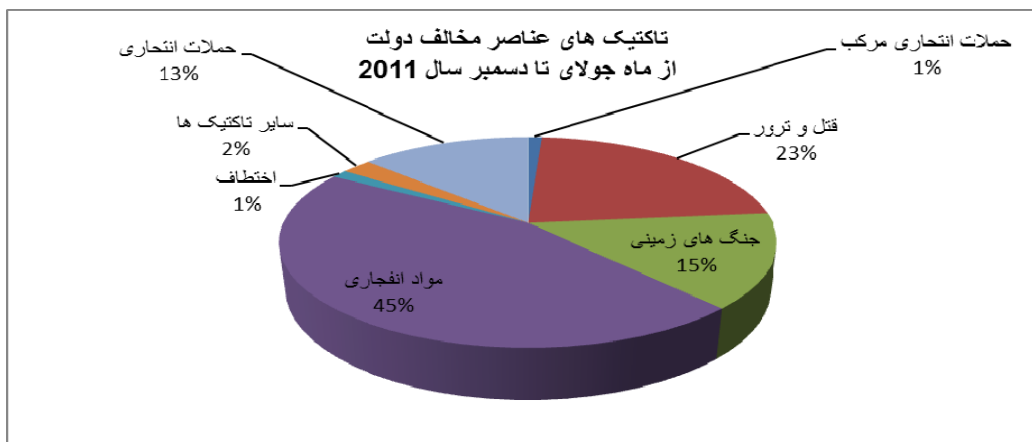
عناصر مخالف دولت استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده و حملات انتحاری علیه اهدافی که به شکل واضح اهداف ملکی هستند را خیلی افزایش داده است. در حادثاتی که اهداف مورد نظر ظاهراً اهداف نظامی بوده اما آنهای که مسؤل کاشتن و انفجار مواد انفجاری بودند هیچ گونه احترامی برای حضور افراد ملکی نداشته و مدرکی دال بر تشخیص میان اهداف ملکی و نظامی دیده نشده است. بنابر این اصول تشخیص، احتیاط و تناسب حقوق بشر دوسانه بین المللی نقض گردیده است.

عناصر مخالف دولت، افراد ملکی که در جنگ ها به شکل مستقیم دخیل نبودند را به شکل عمدی مورد هدف قرار داده و به قتل رسانیده اند. اساساً افرادی که حکومت افغانستان و نیروهای نظامی بین المللی را حمایت می کنند یا اینکه گمان می رود که آنها حمایت کننده هستند را مورد هدف قرار می دهد.

³⁶ یوناما با موتروان تاکسی در شهر کنز به تاریخ ۱۹ جون ۲۰۱۱ مصاحبه نمود. هدف اصلی این حمله یک کاروان آیساف بود که در اثر آن دو فرد ملکی کشته شده و دوازده فرد ملکی مجروح و نیز دو نظامی آیساف زخم برداشته بودند.



علاوه بر کشتارهای هدفمند، عناصر مخالف دولت کمپاین های ارباب و تهدید شان را در قالب مسدود ساختن جاده ها به شکل غیر قانونی، قطع شبکه های تلفون موبایل، پخش شب نامه های تهدید آمیز و ارباب عمومی افراد ملکی که برای حکومت افغانستان یا نیروهای نظامی بین المللی، مؤسسات و شرکت ها کار می کنند یا گمان می رود که حمایت کننده ی آنها هستند را شدت بخشیده است. در بعضی از قضایا این تهدید ها باعث گردیده که افراد تهدید شده خانه ها و شغل های شان را ترک نمایند. مثال های از این نوع تهدید ها، اعلامیه ماه اکتوبر سال ۲۰۱۱ طالبان راجع به لوی جرگه که در کابل برگزار شده بود را شامل می گردد. در این اعلامیه، طالبان به افغان ها اخطار داده بود که به این جرگه شرکت نمایند و آنهای که شرکت می نمایند به واکنش شدید مواجه خواهد شد. بطور مشابه در سطح محلی مثلاً در ولایت کنر طالبان با استفاده از ایستگاه رادیوی متحرک نامهای اشخاصی که اهداف مورد نظر هستند را به شکل همگانی منتشر ساخت.³⁷



³⁷ نظارت یوناما از ایستگاه رادیوی "صدای شریعت" و تهدید ها علیه افراد و گروه ها توسط این رادیو. علاوه قومنندان امنیه ولسوالی به یوناما اطلاع داد که طالبان خانمی را که اسمش در این رادیو منتشر شده بود را به قتل رساند و یوناما این معلومات را با منابع متعددی مورد تأیید قرار داده است.

اعلامیه های عمومی طالبان در مورد تلفات افراد ملکی

در سال ۲۰۱۱، طالبان بیشتر از ۵۷ اعلامیه عمومی را منتشر نمود. برخی از این اعلامیه ها بر موضوعات مرتبط به محافظت افراد ملکی پرداخته بود. علاوه بر بعضی از مقررات مشخص در لایحه³⁸ طالبان که قواعد جنگ را برای تمام جنگجویان طالبان طرح می نماید، این اعلامیه ها واضح ترین طرز گفتار طالبان بود که نظریات شان را در مورد کاهش تلفات افراد ملکی به شکل عمومی بیان داشت.

در اعلامیه طالبان در ۳۰ اپریل سال ۲۰۱۱ در مورد آغاز حملات بهاری یا حمله بدر گفته شده بود که طالبان بر حملات شان بالای اهدافی که ماهیت نظامی دارند تمرکز خواهد کرد. در این حملات از احتیاط کار گرفته خواهد شد و تصریح نموده بود که "با کار روی یک پلان خیلی دقیق نظامی، توجه جدی در جهت محافظت و سلامتی افراد ملکی در جریان عملیات بهاری باید صورت بگیرد."³⁹

در ماه اگست سال ۲۰۱۱، در موقع عید فطر، طالبان اعلامیه ی را صادر نمود که به جنگجویان شان گفته شده بود که دستور العمل یا همان لایحه طالبان را مورد تطبیق قرار بدهد و هم چنان بیان شده بود که "حفظ حیات و مایملک مردم یکی از اهداف اصلی جهاد می باشد."⁴⁰

اعلامیه ماه اگست هم چنان در موضوع مسؤلیت فرماندهی به شکل ذیل تمرکز نموده بود:

خودتان اوامر را بر مردم دستور نداده و نواهی را بر مردم تحمیل نکنید مگر اینکه از سطح رهبری برای انجام یک کار به شما هدایت دهد یا فرماندهان ولایتی برای انجام یک وظیفه به شما اجازه دهند...} به همین نحو، شما دستورات را مورد تطبیق قرار دهید که آن دستورات با مشوره مردم منطقه و عالمان مذهبی محلی صورت گرفته هست.⁴¹

این را خاطر نشان باید ساخت که لایحه طالبان باید به تمام جنگجویان طالبان مواصلت شده باشد و الزامی را بر والیان نام نهاد طالبان گذاشته باشد تا اطمینان حاصل گردد که والیان و تمام جنگجویان تحت فرمان شان از محتویات لایحه مطلع گردیده و بر اساس آن متعهد گردد.⁴²

طالبان یک پیام دیگر را در ۵ نوامبر سال ۲۰۱۱ که همزمان با فرارسیدن عید اضحی⁴³ بود، منتشر ساخت. این پیام نماینده گی از واضح ترین دستورهای عمومی طالبان تا این تاریخ می کرد که بر اعمال طالبان در ارتباط افراد ملکی اعمال می گردید. این اعلامیه پیام را تصریح می کرد که جنگجویان طالبان تلاش نمایند تا تلفات افراد ملکی را کاهش دهد و اظهار گردیده بود که "تمام آن تلفات افراد ملکی که توسط طالبان صورت گرفته یا گمان می رود که طالبان عامل آن بوده، باید به مافوق گزارش داده شود."

³⁸ لایحه یا دستور العمل ۳۰ ماه می سال ۲۰۱۰ در ۱۴ بخش تقسیم می گردد. بخش هفتم این لایحه (مواد ۴۰ - ۵۸) بر موضوعات داخلی که شامل سلسله فرماندهی، تشکیل گروپهای جنگی، مشورت در مورد حمله بر دشمن، قاعده حملات انتحاری و راه حل منازعه می شود، تمرکز نموده است. بخش یازدهم (مواد ۶۲-۶۶) بر موضوعات مرتبط بر مردم ارتباط می گیرد که بر محافظت مردم عادی تمرکز یافته است.

³⁹ اعلامیه رهبری طالبان در مورد آغاز عملیات بهاری، ۳۰ اپریل سال ۲۰۱۱. به پاراگراف چهارم در آدرس ذیل مراجعه گردد:
at http://www.shahamatenglish.com/index.php?option=com_content&view=article&id=6780:statement-of-the-leadership-council-of-the-islamic-emirate-regarding-the-inception-of-the-spring-op&catid=4:statements&Itemid=4.

⁴⁰ پیام رهبر طالبان در مورد فرارسیدن عید فطر، ۵ نوامبر سال ۲۰۱۱.

⁴¹ ماخذ بالا.

⁴² ماخذ بالا، "کتابهای دستور العمل لایحه ی مجاهدین در تمام ولایات و سنگرها رسیده است. بنابر این تمام والی ها این را باید متوجه گردید که مجاهدین تحت فرماندهی شان بطور کامل محتویات کتاب را فرا گرفته و بدان متعهد باشند.

⁴³ به پیام رهبر طالبان که با فرارسیدن عید اضحی به تاریخ ۴ نوامبر سال ۲۰۱۱ منتشر شده بود، به آدرس زیر مراجعه گردد:

http://shahamat-english.com/index.php?option=com_content&view=article&id=12530:message-of-felicitation-of-the-esteemed-amir-ul-momineen-on-the-occasion-of-eid-ul-odha&catid=4:statements&Itemid=4.

بنابر قول ملا عمر که می گوید تلفات افراد ملکی ناشی از مواد انفجاری تعبیه شده، حملات انتحاری و سایر عملیات جاییکه عملیات کننده گان طالبان از شمولیت در یک حادثه انکار می نماید اما شواهد طوری دیگری نشان می دهد، مظنونین قضیه باید تحقیق شوند و اگر شخصی مسامحه کار تلقی گردید، آن شخص باید مجازات گردد. در قضیه که عملیات کننده گان" بر غفلت کاری شان در مورد تلفات افراد ملکی پافشاری می کنند" مجازات بیشتری بر آنها حکم گردد و علاوه بر مرتکب از وظیفه برکنار گردد. اعلامیه هم چنان تأکید می نماید که مقامات اطلاعاتی را از منابع مختلف و از جاییکه تلفات افراد ملکی توسط جنگجویان طالبان صورت گرفته، باید جمع آوری کند.

اعلامیه ماه نوامبر والی های نام نهاد طالبان را مخاطب قرار داده تا تحقیقات روزانه را در ساحات تحت کنترل شان انجام دهد. هم چنان در این اعلامیه گفته شده بود که عالمان مذهبی باید استخدام گردد تا جنگجویان را در مورد حفظ حیات افراد ملکی موعظه نماید.

هرچند اعلامیه ماه نوامبر و سایر اعلامیه ها که بر محافظت افراد ملکی تأکید می نماید، تشویق کننده هست. اما این اعلامیه ماه نوامبر تصدیق شمولیت طالبان در انفجار مواد انفجاری تعبیه شده و حملات انتحاری که تعداد زیادی از افراد ملکی را در سال ۲۰۱۱ به قتل رسانیده هست را انعکاس میدهد.

علاوه این، چنانچه در گزارش شش ماه اول سال ۲۰۱۱ یوناما در مورد محافظت افراد ملکی برجسته شده بود، اعلامیه ۳۰ اپریل طالبان مسولیت محافظت افراد ملکی را بر مردم ملکی گذاشته بود، نه بر اطراف درگیر در منازعه. اعلامیه ماه اپریل افراد ملکی را هدایت می دهد که از محل تجمع کاروانها و مراکز دشمن دوری جویند و در این صورت آنها در جریان حمله مجاهدین علیه دشمن ضرر نخواهد دید.⁴⁴

به همین نحو در بیانیه عید اضحی در ماه نومبر، طالبان اظهار نمودند:

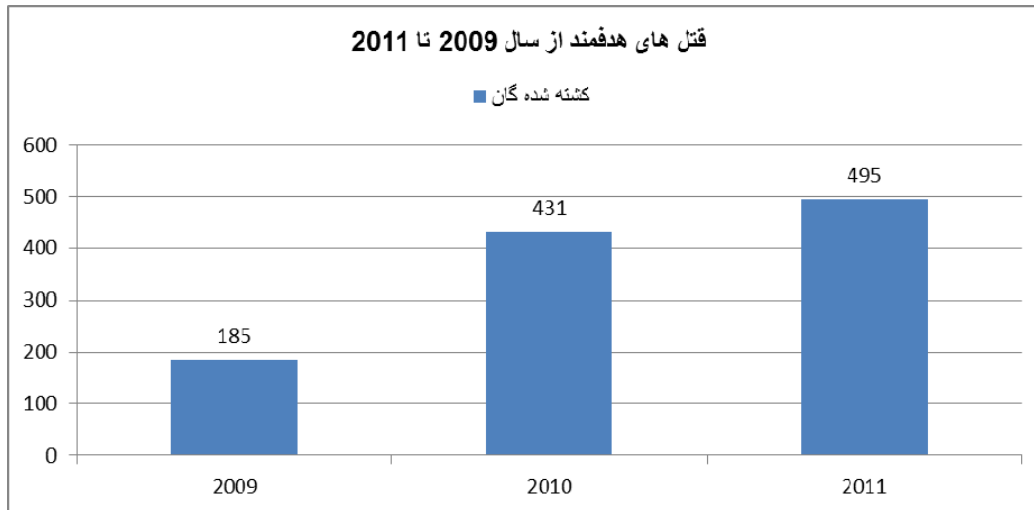
"مردم عادی باید جهت رفع تلفات و رنج های افراد ملکی به مجاهدین کمک نمایند. آنها از حرکت کردن در مجاورت امریکایی ها که در قریه جات و روستاها گشت زنی می نمایند، باید اجتناب نموده و اقدامات احتیاطی را که توسط مجاهدین اعلان گردیده است را فعالانه عملی نمایند و در این صورت در جریان حملات متجاوزین هیچ ضرری متوجه آنها نخواهد شد."⁴⁵

⁴⁴ اعلامیه شورای رهبری امارت اسلامی در مورد آغاز عملیتهای بهاری، ۳۰ اپریل سال ۲۰۱۱، پاراگراف ۷: تمام مردم افغانستان باید این را به خاطر بسپارد که از محل تجمع کاروانها و مراکز دشمن دوری جویند و در این صورت آنها در جریان حمله مجاهدین علیه دشمن ضرر نخواهد دید. بالا طوریکه معمول هست به تعقیب عملیات مجاهدین در صورت رعایت موضوعات متذکره از سوی افراد ملکی، ممکن نیست که دشمن انتقام بگیرد. جهت معلومات بیشتر به آدرس زیر مراجعه گردد:

http://www.shahamatenglish.com/index.php?option=com_content&view=article&id=6780:statement-of-the-leadership-council-of-the-islamic-emirate-regarding-the-inception-of-the-spring-ope&catid=4:statements&Itemid=4.

⁴⁵ پیام رهبر طالبان با فرارسیدن عید فطر، ۵ سپتمبر سال ۲۰۱۱. جهت معلومات بیشتر به آدرس زیر مراجعه گردد:

http://shahamatenglish.com/index.php?option=com_content&view=article&id=10604:message-of-felicitation-of-the-esteemed-amir-ul-momineen-on-the-occasion-of-eid-ul-fitre&catid=4:statements&Itemid=4.



یوناما خاطر نشان می سازد که محافظت افراد ملکی یک مسؤلیت جدی تمام اطراف درگیر در منازعه می باشد. آنها مسؤلیت دارند تا به شکل خیلی جدی این اطمینان را حاصل نمایند که افراد ملکی در جریان عملیات نظامی آسیب نمی بیند. این مسؤلیت افراد ملکی افغانستان نیستند تا خود شان را از تأثیرات جنگ محفوظ نگه دارند. اعلامیه های ماه اپریل و نوامبر مسؤلیت محافظت را بدوش افراد ملکی گذاشته که این مخالف روح و اصول حقوق بشر دوستانه بین المللی می باشد.

فعالیت عناصر مخالف دولت و طالبان

میزان بالای تلفات افراد ملکی توسط عناصر مخالف دولت به شکل دوام دار، نشان دهنده ی اینست که بیانیته ها و اعلامیه ها به تنهای نه منتج به تقویت محافظت افراد ملکی و نه تلفات افراد ملکی را کاهش داده می تواند. بی اعتنایی مشهود در مقابل وضعیت محافظت شده ی افراد ملکی منجر به این شد که ارقام بیشتر تلفات افراد ملکی در مقایسه با سال قبل به طالبان و سایر عناصر مخالف دولت نسبت داده شود.

بطور مثال، نظارت حقوق بشر یوناما نشان می دهد که به تعقیب اعلامیه طالبان به تاریخ ۴ نومبر، تلفات افراد ملکی که به عناصر مخالف دولت در ماه نوامبر و دسمبر نسبت داده می شود به تعداد ۳۳۲ کشته و ۶۸۴ مجروح می رسد که این رقم مشابه به ماههای قبل از انتشار اعلامیه می باشد. دو روز بعد از اعلامیه ماه نوامبر طالبان یعنی به تاریخ ۶ نومبر یک حمله کننده انتحاری در میان عبادت کننده گان که در حال ترک یک مسجد در جریان عید اضحی در یک قریه ولایت بغلان بودند، خود را منفجر نمود که به تعداد سه کشته و ۱۸ مجروح بجا گذاشت.⁴⁶ هرچند که طالبان مسؤلیت حمله را بدوش نگرفت اما نظارت یوناما نشان می دهد که این حمله با نمونه های حملات قبلی طالبان مشابه بود. این حمله علیه افراد ملکی در عبادتگاه بوقوع پیوست. درحالیکه عبادتگاه یک محل محافظت شده هست، اما رهبری طالبان به شکل عمومی این حمله را محکوم نکرد. با وصف اینکه این حادثه خیلی زود بعد از اعلامیه ماه نوامبر طالبان که یکی از قوی ترین اعلامیه طالبان در مورد محافظت افراد ملکی بود، بوقوع پیوست. یوناما خاطر نشان می سازد که هرچند طالبان حمله انتحاری تاریخ ۶ دسمبر را که در یک مسجد در کابل بوقوع پیوست و به تعداد ۵۶ فرد ملکی را کشت و ۱۹۵ فرد دیگر را مجروح نمود، به شکل عمومی محکوم کرد، اما یک گروپ شورشی پاکستانی که با طالبان یک ارتباط تاریخی دارد مسؤلیت حمله را به عهده گرفت و سپس تلاش نمود که از دست داشتن درحمله خود شان را کنار بکشد.⁴⁷

⁴⁶ نظارت یوناما نشان می دهد که حادثه در ۶ نومبر بوقوع پیوست که در نتیجه دو افسر پولیس کشته شد.

⁴⁷ طالبان در یک اعلامیه ی شمولیت در این حمله را انکار کرد. بعد از محکوم نمودن این حمله به تمام مجاهدین هدایت داد تا به اضافه ی سایر وظایف در جهت جلوگیری از بوقوع پیوستن همچون حادثات توجه جدی نماید. یک گروپ تروریستی معروف به لشکر جنگوی که در پاکستان موقعیت دارد و با طالبان پیوند تاریخی دارد مسؤلیت حمله را در اعلامیه که به تاریخ ۸ ماه دسمبر به نشر سپرد، به عهده گرفت.

علاوئاً در تعداد زیادی از حوادث که منجر به تلفات افراد ملکی گردیده بود، طالبان در مغایرت با تعریفی که بر اساس حقوق بشر دوستانه بین المللی⁴⁸ از فرد ملکی صورت گرفته، افراد ملکی را به حیث اهداف مشروع و قانونی معرفی نموده است. کشتن و هدف قرار دادن افراد ملکی بر اساس حقوق بشر دوستانه بین المللی یک جنایت جنگی محسوب می گردد. در جریان سال ۲۰۱۱، طالبان مسؤلیت کشتن تعداد بیشماری از رهبران مردم و مقامات حکومتی که به عنوان دست نشانده گان حکومت خطاب می شدند را به شکل عمومی به عهده گرفت. بر اساس حقوق بشر دوستانه بین المللی همچون افراد به عنوان اهداف مشروع محسوب نشده و به حیث افراد ملکی وضعیت محفوظ دارد.

تحقیقات طالبان در مورد تلفات افراد ملکی

از زمان نشر اعلامیه چهارم ماه نوامبر و قبل از آن، یوناما در مورد هیچ قضیه ی اطلاع ندارد که بر اساس آن طالبان راجع به تلفات افراد ملکی که به جنگجویان آنها نسبت داده می شود، تحقیق نموده باشد. نشر یافته ها به شکل عمومی در مورد هر تحقیق که صورت میگیرد همراه با مجازات مرتکبین که با خلاف کاری های شان مجرم تلقی می گردد، تعهدات در قبال عموم مردم را تقویت می بخشد. یوناما خاطر نشان می سازد که هرچند طالبان اظهار نموده که قضایا را تحقیق و جنگجویان مسامحه کار شان را مجازات می نماید اما هیچ میکانیزم فراهم نشده تا افراد ملکی بدون ترس از انتقام و بدون هیچ گونه احساس خطر شکایت نمایند.

نتیجه گیری

با وجود اعلامیه های طالبان با پیام های مکرر در مورد محافظت افراد ملکی در سال ۲۰۱۱، مطابقت با حقوق بشر دوستانه بین المللی از سوی طالبان تقویت نیافته و کاهش تلفات افراد ملکی نظر به رشد حملات طالبان را یوناما به ثبت نرسانیده است. طالبان بطور مستقیم مدام افراد ملکی را هدف قرار داده، حملات انتحاری بدون تفکیک را انجام داده و از سلاح های بدون تفکیک مانند مواد انفجاری تعبیه شده ی بشقاب مانند، استفاده نموده است.

اگر طالبان در مورد جلوگیری تلفات افراد ملکی جدی می باشد، یگانه گام خیلی بزرگی را که رهبری طالبان می تواند بردارد اینست که اعضای شان را از استفاده ماین های زمینی مانند مواد انفجاری تعبیه شده ی بشقاب مانند، سلاحهای که ذاتاً بدون تفکیک هست و سلاح های که بر اساس حکم تحریم ماین های زمینی توسط ملا عمر در سال ۱۹۹۸ غیر قانونی اعلام شد، تحریم نماید.⁴⁹

قواعد جنگی زمانی با ارزش تلقی می گردد که در ساحه ی جنگ مورد تطبیق قرار بیگیرد. اعلامیه های طالبان که میتواند قواعد رو به رشد جنگی را پیشکش کند، در لایحه ی طالبان انعکاس نیافته است. پس این معلوم نیست که چطور بطور کامل رهبری طالبان قواعد را به تمام طالبان رسانده و از تطبیق آن توسط تمام عملیات کننده گان طالبان در سراسر کشور اطمینان حاصل می کند.

یوناما از رهبری طالبان دعوت به عمل می آورد تا قواعد جنگی را همان طوریکه در اعلامیه های سال ۲۰۱۱ به نشر سپرده شده بود در داخل لایحه ی شان، به هدف محافظت افراد ملکی داخل نماید و اطمینان حاصل گردد که هریکی از مقررات لایحه⁵⁰ که هدفش محافظت افراد ملکی می باشد مطابق به حقوق بشر دوستانه بین المللی

⁴⁸ بر اساس حقوق بشر دوستانه بین المللی، فرد ملکی به شخصی گفته می شود که در جنگها به شکل مستقیم سهم نگرفته و این شخص محفوظ تلقی می گردد. تعریف طالبان از فرد ملکی در مطابقت با حقوق بشر دوستانه بین المللی نیست. هم چنان به بخش مسؤلیت های قانونی این گزارش مراجعه گردد.

⁴⁹ کنوانسیون منع استفاده، ذخیره، تولید و انتقال ماین های زمینی و تخریب آنها، مصوبه ۱۸ سپتمبر ۱۹۹۸ بیان میدارد که استفاده، تولید، انتقال و ذخیره کردن ماین های ضد نفر که با فشار وزن قربانی منفجر می گردد بر اساس معاهده تحریم ماین، منع شده است. مواد انفجاری تعبیه شده ی بشقاب مانند بین اهداف نظامی و غیر نظامی تشخیص داده نمی تواند و هم چنان یک سلاح غیر قانونی و ممنوعه و وسایل جنگی ممنوعه بشمار می آید. در سال ۱۹۹۸ طالبان استفاده، تولید، تجارت و ذخیره کردن ماین های ضد نفر را تحریم کرد. به اعلامیه امارت اسلامی افغانستان در مورد مشکلات ماین های زمینی منتشره ی ۶ اکتوبر سال ۱۹۹۸ مراجعه گردد.

⁵⁰ ماده ۶۵ لایحه یا همان دستور العمل طالبان منتشره ۳۰ ماه می سال ۲۰۱۰ از تمام جنگجویان دعوت به عمل می آورد که: "مواظب زندگی مردم عادی و مایملک شان باشد." هرچند به حملات انتحاری به عنوان تنها ضرورت جهت جلوگیری از تلفات افراد ملکی اشاره شده است (ماده ۵۷ و اجزای آن بیان می دارد که: "چهار موضوع ذیل در زمان حملات استشهادی باید خاطر نشان گردد: اول اینکه حمله کننده گان استشهادی قبل از انجام حملات به شکل درست آموزش داده شود. دوم حملات انتحاری باید علیه اهداف مهم و بزرگ

بوده و این مطابقت تعریف فرد ملکی را نیز شامل گردد. و نیز اطمینان حاصل گردد که این دستور العمل با همان لایحه به تمام جنگجویان طالبان در میدان جنگ توزیع گردیده و ضمانت اجرای در قبال آنها که از این لایحه پیروی نمی نمایند، وجود داشته باشد.

حملات توسط مواد انفجاری تعبیه شده

"میدانی که چه اتفاق افتاد؟ من آن روز بطرف کار ناوقت رفتم و نتوانستم در وسیله نقلیه دفتر با همکارانم یکجا به کار بروم. یک بمب اتوبوس آنها را هدف قرار داده و آنها را کشت. آنها فقط همکارانم نبودند بلکه دوستانم بودند. این مشکل هست که به حیث یک خانم به عنوان افسر پولیس ایفای وظیفه نمائی. آن خانم هابی که کشته شدند دوستانم بودند. ما با هم کار می کردیم، باهم غذا می خوردیم و همدیگر را حمایت می کردیم. حالا آنها مرده اند و من تنهاییم. دخترم ۹ ساله هست و هر روز قبل از اینکه خانه را به مقصد کار ترک نمایم، گریه می کند و می گوید "مادر کار نرو. من ضرورت به خوردن ندارم."⁵¹

— مصاحبه با بازرس خانم که مربوط پولیس سرحدی افغانستان در میدان هوایی هرات می گردد، ۲۹ سپتمبر سال ۲۰۱۱.

استفاده گسترده از مواد انفجاری تعبیه شده باعث شده که این تاکتیک به عنوان بزرگترین عامل قتل و جرح افراد ملکی در افغانستان در سال ۲۰۱۱ شناسایی گردد. از اول جنوری تا ۳۱ دسمبر سال ۲۰۱۱، مواد انفجاری تعبیه شده به تعداد ۹۶۷ فرد ملکی را کشته و ۱۵۸۶ فرد ملکی را مجروح ساخته است. این رقم ۳۲ درصد مجموع تلفات افراد ملکی را در سال ۲۰۱۱ نشان می دهد.

اکثریت مواد انفجاری تعبیه شده که باعث قتل افراد ملکی در افغانستان شده است همانا مواد انفجاری تعبیه شده ی بشقاب مانند ی هست که با فشار وزن قربانی منفجر می گردد. یوناما براین نظر هست که این مواد انفجاری تعبیه شده به حیث ماین های ضد نفر کار می کند و به عنوان سلاح بدون تبعیض تلقی می گردد. چون اینها بین اهداف ملکی و نظامی تشخیص داده نمی تواند و نیز استفاده از آنها بر اساس حقوق بشر دوستانه بین المللی غیر قانونی می باشد. بر اساس گفته های آیساف چنین مواد انفجاری تعبیه شده ی که با فشار وزن قربانی منفجر می گردد تقریباً دو سوم از مجموع مواد انفجاری را که آیساف در افغانستان همراه سروکار دارد نشان می دهد. این نوع مواد انفجاری، مواد انفجاری تعبیه شده ی که با فشار وزن قربانی منفجر می گردد، مواد انفجاری تعبیه شده ی بشقاب مانند و سایر انواع مواد انفجاری که با فشار وزن قربانی منفجر می گردد را شامل می شود و تمام انواع اینها از جمله سلاح های بدون تبعیض محسوب می گردد.⁵²

مواد انفجاری تعبیه شده ی بشقاب مانند در افغانستان طوری تنظیم شده است که زمانی با وزن بین ۱۰ الی ۱۰۰ کیلوگرام شخصی بالایش قدم می گذارد و یا موتری از بالایش عبور نماید، منفجر می گردد. حد اکثر این بمب ها در افغانستان در حدود ۲۰ کیلوگرام مواد انفجاری دارد که بیشتر از دو برابر مواد انفجاری که در ساخت یک ماین معیاری ضد تانک استفاده می گردد را دارا می باشد و درحالیکه با همان وزن ماین ضد نفر منفجر می گردد. این بدین معناست که هر مواد انفجاری تعبیه شده ی بشقاب مانند به حیث یک ماین بزرگ زمینی ضد نفر

صورت بگیرد. این اعضای دلیر امت اسلامی نباید علیه اهداف بی ارزش و کوچک استفاده گردد. سوم اینکه بیشترین تلاش صورت بگیرد تا در انجام حملات استشهادی از تلفات افراد ملکی جلوگیری به عمل آید. چهارم اینکه غیر از آن مجاهدین که توسط فرمانده با یک برنامه ویژه تفویض صلاحیت می گردد و برایش اجازه داده می شود، تمام مجاهدین ملزم هستند که از فرمانده ولایتی در انجام حملات استشهادی اجازه گرفته و هدایت شوند. "بنابر این، لایحه عملیات را بر اهداف مشروع نظامی محدود نمی کند و ممکن کشتار هدفمند افراد ملکی را اجازه دهد.

⁵¹ مصاحبه یوناما به تاریخ ۵ اکتوبر سال ۲۰۱۱ با یک خانمی که به عنوان محافظ امنیت در میدان هوایی ولایت هرات کار می کرد. در ۲۹ سپتمبر سال ۲۰۱۱ در ولایت هرات، در پل کاریر در شهر هرات، عناصر مخالف دولت یک موتر پولیس سرحدی افغانستان را که کارمندان پولیس را به طرف میدان هوایی هرات انتقال میداد، مورد هدف قرار داد. آنها به عنوان پولیس بازرس استخدام شده بودند و فقط وظایف پولیس ملکی را انجام میدادند. این حمله سه فرد ملکی را بشمول دو خانم کشتند و ده نفر دیگر بشمول یک طفل، شش خانم و سه مرد به شدت مجروح گردید.

⁵² مکاتبه الکترونیکی یوناما با دفتر ضد مواد انفجاری تعبیه شده ی آیساف به تاریخ ۲۳ جنوری سال ۲۰۱۰.

عمل نموده که توان تخریب یک تانک را دارا می باشد. افراد ملکی که بالای این مواد انفجاری قدم بگذارد یا موتری از بالایش عبور نماید هیچ دفاعی در مقابل آن نداشته و چانس اندکی برای نجات دارد.⁵³

با استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده به حیث یک تاکتیک جنگی توسط عناصر مخالف دولت، در سال ۲۰۱۱ نسبت به سال ۲۰۱۰، ۶ درصد در انفجار مواد انفجاری تعبیه شده افزایش رخ داده است. بر اساس ثبت اداره امنیت و مصونیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۱ هر روز به طور میانگین ۲۳ عدد مواد انفجاری تعبیه شده منفجر و یا کشف می گردد که نسبت به میانگین روزهای سال ۲۰۱۰، دوبرابر را نشان می دهد.

در سال ۲۰۱۱، مواد انفجاری تعبیه شده در ساحات عمومی معمولاً زمانی که افراد ملکی در جایی تجمع می نمودند، مثلاً در بازارها، در اطراف مکاتب، دکان ها، ایستگاه های بس و دفاتر حکومتی منفجر می گردید. مشخصاً آن مواد انفجاری تعبیه شده ی بشقاب مانند که با فشار وزن منفجر می گردد در جاده های که حد فاصل بین پیاده روها و شاهراهها را تشکیل میدهد، کاشته می شد و افراد ملکی را که با پای پیاده، بایسکل، بس ها، تاکسی ها و موترهای شخصی عبور می کردند، کشته و یا مجروح می نمودند. مثال های همچون حادثات در سال ۲۰۱۱ قرار ذیل می باشند:

- در ۷ دسمبر، یک مواد انفجاری تعبیه شده علیه یک مینی بوس در ولایت هلمند منفجر گردید که حد اقل ۲۰ فرد ملکی را که شامل پنج طفل و هفت خانم می شدند، کشت.
- در ۱۶ ماه اگست در بازار اصلی ولایت ارزگان مواد انفجاری تعبیه شده که در یک موترسایکل جاسازی شده بود، منفجر گردیده که به تعداد ۵ فرد ملکی را به قتل رسانیده و ۱۷ نفر دیگر را مجروح نمود.
- در ۲۳ ماه سپتمبر در ولایت کندهار یک مواد انفجاری تعبیه شده علیه یک مینی بوس منفجر گردید که ۷ فرد ملکی بشمول ۲ طفل را کشته و چهار نفر دیگر را مجروح نمود.
- در ۳۰ ماه می در شهر هرات یک مواد انفجاری تعبیه شده در یک ایستگاه بس که مملو از جمعیت بود، منفجر گردید که به تعداد ۴ فرد ملکی را کشت و بیشتر از ۳۰ نفر دیگر مجروح گردیدند. یک سخنگوی طالبان مسولیت حادثه را به عهده گرفت.
- در ۲۰ ماه سپتمبر یک مواد انفجاری تعبیه شده در یک مکتب ابتداییه در پل علم مرکز ولایت لوگر جاسازی شده بود و منفجر گردید که در اثر آن ۲ پسر بچه به قتل رسیدند و دو نفر دیگر مجروح گردیدند.
- در ۱۵ ماه نومبر مواد انفجاری که در یک مرکب جاسازی شده بود در ولسوالی غورماچ ولایت فاریاب منفجر گردید که در اثر آن ۴ فرد ملکی بشمول یک پسر بچه ۱۵ ساله و ۲ مرد ۶۰ ساله به قتل رسیده و ۱۷ فرد ملکی دیگر بشمول ۴ طفل مجروح گردیدند.

حملات انتحاری

افراد ملکی که در حملات انتحاری به قتل رسیده اند بطور چشمگیر در سال ۲۰۱۱ نسبت به سال ۲۰۱۰ افزایش یافته است. ۴۳۱ فرد ملکی در اثر این نوع حملات به قتل رسیده اند که در مقایسه سال ۲۰۱۰، ۸۱ درصد افزایش را نشان می دهد. بطور مثال افراد ملکی که در اثر حملات انتحاری در ولایت کندز از بین رفته اند از ۸۳ نفر در سال ۲۰۱۰ به ۱۴۵ نفر در سال ۲۰۱۱ صعود نموده است.

حملات انتحاری ۱۴ درصد از مجموع افراد ملکی کشته شده و ۱۸ درصد از مجموع کشته شده گان که به عناصر مخالف دولت نسبت داده می شود را تشکیل می دهد. انواع حملات انتحاری که صورت گرفته است شامل آن حملات می شود که اشخاص به شکل انفرادی جلیقه های انتحاری پوشیده یا موتر مملو از مواد انفجاری را منفجر نموده است و یا هم انتحار کننده گان به شکل جمعی حملات انتحاری مرکب را که جنگجویان متعددی شامل می شدند را انجام داده اند.

⁵³. یوناما با دفتر ضد مواد انفجاری تعبیه شده ی آیساف در ماه جون سال ۲۰۱۱ مصاحبه نمود.

موضوع اصلی که برای تمام انواع حملات انتحاری وجه مشترک می دهد همانا بی اعتنایی آشکار علیه حضور افراد ملکی در مکان که حمله کننده انتحاری مواد انفجاری شان را منفجر می کند، می باشد. در تعداد زیادی از مناطق که حمله انتحاری صورت گرفته است بطور واضح ساحات افراد ملکی بوده و هیچ گونه هدف نظامی وجود نداشته است. مانند فروشگاههای مملو از جمعیت، محل تجمع بزرگان قوم و دفاتر حکومتی یا مکان هایی که براساس حقوق بشر دوستانه بین المللی محفوظ تلقی می گردد که شفاخانه ها و مکانهای برای اجرای مراسم مذهبی مانند زیارتگاه ها و مساجد را شامل می گردد.

به تاریخ ۶ ماه دسمبر یک حمله کننده انتحاری با منفجر نموده مواد انفجاری خودش افراد ملکی را در دروازه ورودی مسجد ابوالفضل در شهر کابل مورد هدف قرار داد که به تعداد ۵۶ فرد ملکی را کشته و ۱۹۵ فرد ملکی را مجروح نمود. این حادثه مهلک ترین حمله انتحاری از سال ۲۰۰۸ بدین طرف بشمار می آید. یک گروه شورش که در پاکستان موقعیت داشته و با طالبان پیوند تاریخ دارد مسؤلیت حمله را به عهده گرفت و بعداً تلاش نمود که از دست داشتن در حمله خود شان را کنار بکشد.⁵⁴

حادثات ذیل نمونه هایی از حملات انتحاری در سال ۲۰۱۱ می باشد:

- در ۲۱ ماه فیروزی یک حمله کننده ی انتحاری واسکت اش را در داخل اداره احصائیه مرکزی در ولسوالی امام صاحب منفجر نمود که به تعداد ۲۸ نفر را کشته و ۳۶ نفر را مجروح نمود.
- در ۱۹ ماه فیروزی اعضای طالبان بر کابل بانک در جلال آباد ولایت ننگرهار حمله نمودند. این حمله با فیرهای سلاح خفیه شروع شده و وقتیکه اعضای طالبان در داخل بانک راه یافتند بر افراد ملکی فیر نمودند و سپس واسکت های انفجاری شان را منفجر نمودند. در مجموع به تعداد ۱۹ فرد ملکی کشته شده و ۹۱ نفر دیگر مجروح گردیدند. یک سخنگوی طالبان مسؤلیت حمله را به عهده گرفته و اظهار نمود "بیشتر از ۱۰۰ پولیس و عناصر امنیت ملی در عملیات جلال آباد زمانی که دست نشانده گان می رفتند تا معاش شان را بگیرند، به قتل رسیده یا زخمی شده اند."⁵⁵
- در ۲۸ ماه جولای حمله کننده گان متعدد در قالب حمله انتحاری مرکب علیه دفاتر حکومتی در ترینکوت ولایت ارزگان حمله نمودند که در اثر آن ۱۹ فرد ملکی بشمول ۱۰ طفل و سه خانم کشته شده و ۳۵ نفر دیگر مجروح گردیدند. طالبان مسؤلیت حمله را به عهده گرفت.
- در ۹ دسمبر یک حمله کننده ی انتحاری در حیاط یک مسجد در قریه نیشاگم ولایت کنر داخل گردیده و قومندان امنیه ولسوالی را که بعد از نماز جمعه با سایر عبادت کننده گان مسجد را ترک می کرد، مورد حمله قرار داد. قومندان امنیه با دو پولیس و سه فرد ملکی به قتل رسیده و پنج نفر دیگر مجروح گردیدند. یکی از مجروحین به یوناما گفت که "من یک جمعیت بزرگی از مردم را دیدم که از مسجد به بیرون می آمدند. من یک انفجار عظیمی را بخاطر دارم و بعد خودم را مجروح دریافتم و چهره ام خون آلود بود."⁵⁶ طالبان مسؤلیت حمله را به عهده گرفته و اظهار نمود که در این حمله ۱۰ افسر پولیس به قتل رسیدند.⁵⁷

⁵⁴ اعلامیه لشکر جنگوی، ۸ دسمبر سال ۲۰۱۱.

⁵⁵ امارت اسلامی افغانستان "بیشتر از ۱۰۰ پولیس و عناصر امنیت ملی در عملیات جلال آباد زمان که دست نشانده گان می رفتند تا معاش شان را بگیرند، به قتل رسیده یا زخمی شده اند." تاریخ ۱۹ فیروزی سال ۲۰۱۱. جهت معلومات بیشتر به آدرس زیر مراجعه گردد:

http://alemara1.com/english/index.php?option=com_content&view=article&id=5186:more-than-100-policemen-and-agents-of-nds-killed-or-wounded-in-jalalabad-operation&catid=1:news&Itemid=2.

⁵⁶ یوناما با قربانیان این حمله در شفاخانه عمومی اسد آباد ولایت کنر به تاریخ ۱۰ دسمبر سال ۲۰۱۱ مصاحبه نمود.

⁵⁷ منابع متعدد از رسانه ها مسؤلیت حمله را دریافت نموده و به شکل همگانی گزارش دادند. آنها می گفتند که سخنگوی طالبان بنام ذبیح الله مجاهد مسؤلیت حمله را با فرستادن یک پیام مختصر به عهده گرفته است.

قتل‌های هدفمند افراد ملکی

"من بیگانه فرزند که داشتیم را در بالای پُل دیدیم. من به او گفتم که بیا در خانه اما او با یک فرد بیگانه ی صحبت می کرد. من بطرف آنها رفتم و از آن شخص ناشناخته سوال کردم که در این منطقه چه می کند. او بمن گفت که منتظر یک نفر هست. من خانه رفتم و بعد از پانزده دقیقه صدای انفجار را شنیدیم. بطرف کوچه دویدیم و موتر تخریب شده ی را دیدیم که جسد مرده ی فرزندم نیز در کنار آن افتاده بود. آن فرد ناشناخته ای که قبل از حمله با فرزندم صحبت می کرد، فرد انتحاری بود. او منتظر آمدن آمر امنیت ملی بود تا او را به قتل برساند."⁵⁸

— صحبت های پدر پسر بچه ی هشت ساله ی که در یک حمله انتحاری در شهر میمنه ولایت فاریاب به تاریخ ۱۷ اکتوبر سال ۲۰۱۱ کشته شد.

تاکتیک های طرح شده ی عناصر مخالف دولت همانا کشتارهای هدفمند افراد ملکی هست که هدف این کشتارها ارباب مردم ملکی و ضعیف ساختن حضور حکومت در مناطق مشخص می باشد. کمپاین کشتارهای هدفمند علیه مقامات و کارمندان ملکی حکومتی که در سال ۲۰۱۰ مشاهده می گردید، بدون کدام کاهشی در سال ۲۰۱۱ دوام یافته است. بر اساس کشفیات یوناما به تعداد ۴۹۵ فرد ملکی به شکل هدفمند در سال ۲۰۱۱ به قتل رسیده و نسبت به سال ۲۰۱۰، ۳ درصد افزایش را نشان می دهد.

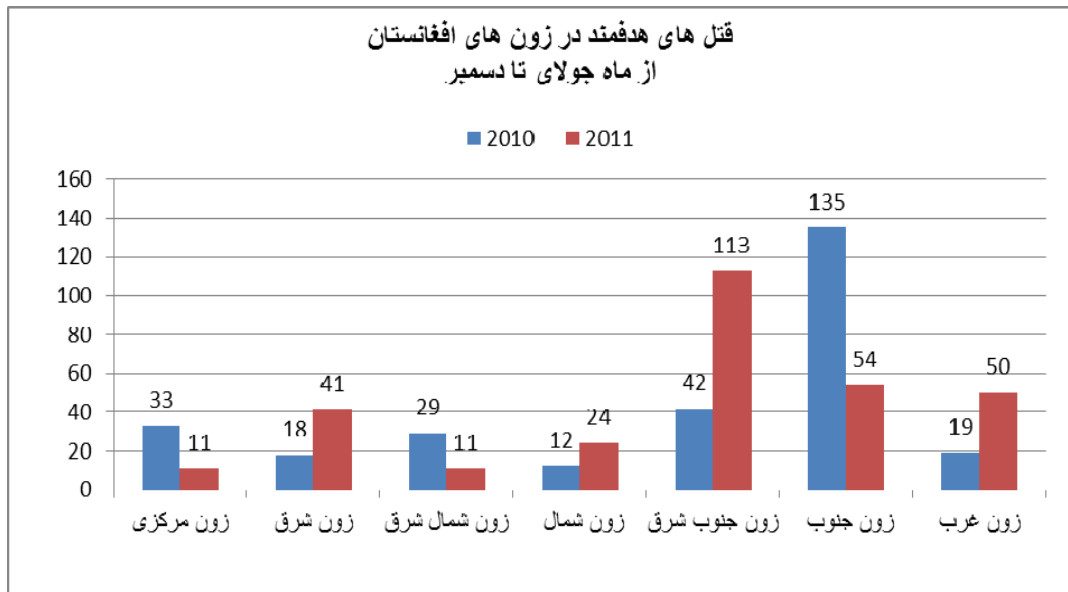
کشتار هدفمند افراد ملکی در زون های جنوب، مرکزی و شمال شرق کاهش یافته اما در سایر بخش های کشور خیلی زیاد افزایش یافته است. مثلاً در زون غرب ۲۵۵ درصد، ۱۱۴ درصد در زون جنوب شرق و ۱۰۷ درصد در زون شرق افزایش را نشان می دهد.

در زون غرب، کشتار هدفمند سه چند گردیده چون از ۲۴ نفر در سال ۲۰۱۰ به ۸۱ نفر در سال ۲۰۱۱ صعود نموده است. بیشترین این کشتار در ولسوالیهای دوردستی چون پرچمن، بکوا و گلستان ولایت فراه جایکه طالبان یک مقدار دسترسی و کنترل دارد، صورت گرفته است. بیشتر این قربانیان را کارمندان مؤسسات غیر دولتی، بزرگان محل، قرارداد کننده گان امنیتی خصوصی یا مستخدمین جدید پولیس ملی افغانستان تشکیل می دادند. این افزایش چشمگیر ممکن به دلیل تغییر مکان شورشیان از جنوب به جنوب شرق و شرق و نیز افزایش قابل توجه عملیات ضد شورشی در آن ساحات باشد.

این نوسان هم چنان نشان می دهد که کشتار غیر قانونی افراد ملکی به عنوان یک تاکتیک کلیدی عناصر مخالف دولت باقی مانده است. همسان با سایر زون ها، بیشتر افراد ملکی که از طرف عناصر مخالف دولت مورد هدف قرار می گیرند، متهم هستند که برای حکومت و نیروهای امنیتی افغانستان جاسوسی و یا کمک می نمایند.

در سراسر کشور اهداف اصلی مدام افرادی هستند که برای حکومت افغانستان کار می نمایند و یا احساس می گردد که آنها حمایت کننده ی حکومت افغانستان هستند. کارکنان ملکی در تمام سطوح، بزرگان مذهبی و قومی، اعضای جامعه مدنی، چهره های سیاسی و افراد که به برنامه صلح و استقرار مجدد می پیوندند و اقارب شان و اعضای فامیل آن عناصر مخالف دولت که در جستجوی یک جا شدن با مردم هستند، مورد هدف قرار می گیرند.

⁵⁸. یوناما با پدر فرد قربانی در شهر میمنه ولایت فاریاب به تاریخ ۲۸ اکتوبر سال ۲۰۱۱ مصاحبه نمود. آمر امنیت ملی از جرح که در این حادثه ور داشته بود، بعد از یک هفته از دنیا رفت. حمله کننده کشته شد و هفت نفر دیگر بشمول دو طفل در این حمله مجروح گردید.



کشتار هدفمند با روش های گوناگون صورت گرفته که شامل ترور، قتل های غیر قانونی، انفجار مواد انفجاری تعبیه شده و حملات انتحاری می باشد. قتل هدفمند در یک سطح خیلی بالا زمانی اتفاق افتاد که رئیس جمهور سابق افغانستان و رئیس شورای عالی صلح پرفیسور ربانی در ۲۰ سپتمبر سال ۲۰۱۱ توسط حمله کننده ی انتحاری که مواد انفجاری را در عمامه اش پنهان کرده بود، به قتل رسید. سایر حوادثی که بیانگر این نوع حملات می باشد، قرار ذیل هست:

- در ۲۱ ماه اگست در ولایت هلمند دو مرد موتور سائیکل سوار رئیس سارنوالی ولسوالی گرشک را زمانی کشت که موصوف خانه اش را به مقصد دفتر ترک کرد.
- در ۱۱ ماه اکتوبر در شهر مهترلام ولایت لغمان یک کارمند اداره ولایتی وزارت آب و انرژی با مواد انفجاری تعبیه شده ی که از راه دور کنترل می شد، به قتل رسید. طالبان مسؤلیت حمله را به عهده گرفته و اظهار داشت که آن شخص به این خاطر کشته شد که برای نیروهای نظامی بین المللی جاسوسی می کرد.
- در ۱۹ ماه نوامبر عناصر مخالف دولت یک خانم را در ولسوالی مروره ولایت کنر به اتهام اینکه خانم برای نیروهای نظامی بین المللی جاسوسی می کند، به قتل رساند.
- در ۲۸ اکتوبر در ولسوالی قیسار ولایت فاریاب چهار مرد مسلح بالای دو مرد و یک دختر که بر موتور سائیکل سوار بودند و قرار بود که دختر را به یک شفاخانه ساحوی انتقال دهد فیر نمود. یک مرد و دختر متذکره کشته شدند و مرد دوم مجروح گردید. مردی که نجات یافته بود به یوناما گفت که " آنها اول به سوی من فیر نمود و من به زمین افتادم. سپس آنها بالای دختر فیر نموده و آن را به قتل رساند. کاکایم تلاش نمود که فرار کند اما آنها بالای فیر نموده و او را نیز به قتل رسانید. سپس حمله کننده گان باهم صحبت می کرد و زمانی که آنها مطمئن شدند که ما همه کشته شده ایم، ساحه را ترک گفتند. دختر کاکایم پنج ساله بود.⁵⁹ شخص نجات یافته به یوناما گفت که براین عقیده می باشد که آنها به آن خاطر مورد هدف قرار گرفتند که با یک فرمانده طالب که تلاش کرده بود به برنامه صلح بی پیوند ارتباط داشت.⁶⁰

⁵⁹ مصاحبه یوناما با مرد مجروح در شفاخانه قیسار ولایت فاریاب به تاریخ ۱ نوامبر سال ۲۰۱۱.

⁶⁰ ماخذ بالا

- در ۲۷ دسمبر دو مرد موتور سائیکل سوار بر موتوری که حامل یکی از بزرگان برجسته ی مردم بود فیر نمود که در اثر این حادثه فرد موصوف با پسر و نوه اش به قتل رسید.
- در ۸ ماه می پنج عضو یک گروه که به برنامه صلح پیوسته بودند به شمول فرمانده این گروه توسط یکی از محافظین این فرمانده در قریه کلباد ولسوالی امام صاحب ولایت کندز به قتل رسیدند. این گروه در ماه دسمبر سال ۲۰۱۰ به برنامه صلح پیوسته بود.
- در ۲ ماه می یک قوماندان معروف به عبد الناصر خان زدران که به برنامه صلح پیوسته بود توسط طالبان در ولسوالی ایشکمیش ولایت تخار به قتل رسید. بنابر گزارش این مرد تهدیدهای را از طرف طالبان دریافت کرده بود و در ماه فبروری سال ۲۰۱۱ با ده جنگجوی دیگر به برنامه صلح پیوسته بود.

قتل های غیر قانونی در غرب افغانستان: قتل‌های که در یک نظام عدلی موازی صورت می گیرد

در نیمه دوم سال ۲۰۱۱، یوناما افزایش قتل‌هایی را که در محضر عام به تعقیب محاکمه‌ی شبه رسمی توسط عناصر مخالف دولت بخصوص طالبان صورت می گرفت را مشاهده نموده است.

مردم این منطقه به یوناما گفتند که آنها خیلی زیاد به میکانیزم عدلی طالبان یا عناصر مخالف دولت اعتماد دارد. چون آنها تصامیم را سریع گرفته و آن را تطبیق می نماید که در صورت مقایسه میتوان گفت که در محاکم افغانستان تأخیر، بی کفایتی و فساد گسترده وجود دارد.

از ماه اگست سال ۲۰۱۱، یوناما پنج رویداد از مجازات هایی که در یک نظامی عدلی موازی صورت گرفته است را به ثبت رسانیده که این روش تحقق عدالت، مقررات بین المللی و قوانین افغانستان را نقض می کند.

- در ۷ اگست، اعضای طالبان چهار فرد ملکی را بعد از آنکه آنها به راهزنی متهم گردیده بودند در ولسوالی بالابلوک ولایت فراه سر بریدند.
- در ۲۲ ماه نومبر، یک فرد ملکی که به قتل برادرش متهم گردیده بود، در ولسوالی پسابند ولایت غور توسط عناصر مخالف دولت در محضر عموم به قتل رسید.
- در ۲۳ نومبر، عناصر مخالف دولت دست و پای یک فردی که به راهزنی متهم شده بود را در ولسوالی پسابند ولایت غور قطع نمود.
- در ۳۱ اگست در هرات شورای رهبری عناصر مخالف دولت یک مرد قاتل را به مرگ محکوم نمود و در محضر عموم موصوف را به قتل رساند.

هرچند یوناما کشتارهای بیشتری از این نوع را در غرب افغانستان تصدیق می کند. یوناما بر این نظر نیست که قتل های نظام عدلی موازی به میزان بالایی در مقایسه سایر زون ها در زون متذکره اتفاق افتاده است. حضور ساحوی یوناما در ولایت غور، بادغیس و فراه این توانایی را می دهد که در یک حوزه وسیع قضایا را نظارت نموده و بررسی نماید. همچون قضایا در جاهای دیگر نیز به ثبت رسیده است. بطور مثال یوناما گزارش های بیشمار و مشابهی را از بزرگان محل و شوراهای ولسوالی دره پیچ ولایت کنر دریافت کرده است که عناصر مخالف دولت مردم محل را مجبور می سازند تا از محاکم طالبان استفاده نمایند.

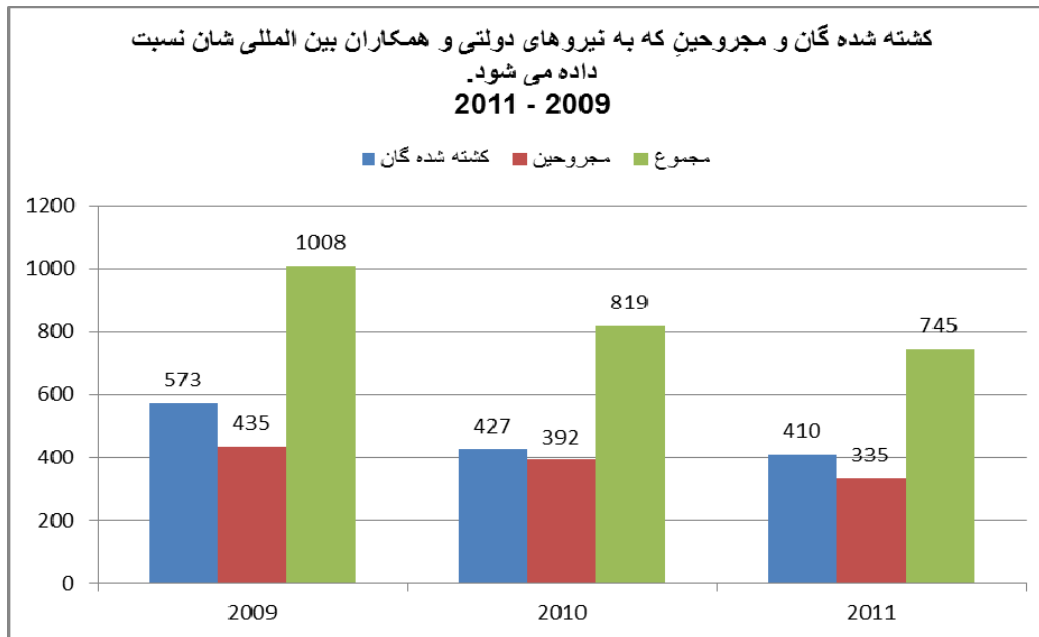
توانایی عناصر مخالف دولت در انجام دادن این جرایم با توجه به موجودیت معافیت از مجازات، قدرت رو به رشد این گروه ها را در ساحات دور دست باعث شده و شکاف در توانایی حکومت جهت محافظت افراد ملکی، حاکمیت قانون و حکومت داری برای افراد ملکی این مناطق را تشدید می بخشد.

نیروهای طرفدار دولت و محافظت از افراد ملکی

در سال ۲۰۱۱ به تعداد ۴۱۰ فرد ملکی توسط نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان به قتل رسیده است که در مقایسه سال ۲۰۱۰، ۴ درصد کاهش را نشان میدهد. در سال ۲۰۱۱، به تعداد ۱۴ درصد از مجموع کشته شده گان افراد ملکی را به نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان میتوان نسبت داد که در مقایسه سال ۲۰۱۰، یک درصد کاهش یافته است. ۳۳۵ فرد ملکی در نتیجه عملیات نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان مجروح گردیده اند که در مقایسه سال ۲۰۱۰، ۱۶ درصد کاهش نموده است.

در سال ۲۰۱۱ حملات هوایی به عنوان یکی از تاکتیک های منسوب به نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان مشابه با سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ باعث کشته شدن بیشترین افراد ملکی گردیده است. ۱۸۷ فرد ملکی توسط این تاکتیک به قتل رسیده که ۴۴ درصد از مجموع کشته شده گان که منسوب به این نیروها هست را تشکیل می دهد. ولایت کنر که در زون شرق قرار دارد، یک سوم کشته شده گان ناشی از حملات هوایی را تشکیل می دهد که این رقم تغییر موقعیت جنگ را از لحاظ جغرافیایی در سال ۲۰۱۱ نشان می دهد.

در سال ۲۰۱۱، حوادث مربوط به عکس العمل تدریجی نیروهای نظامی در مقابل یک پدیده مظنون منجر به کشته شدن ۳۸ فرد ملکی شده و حملات شبانه ۶۳ فرد ملکی را به قتل رسانیده است. جنگ های زمینی و سایر تاکتیکهای منسوب به نیروهای متذکره نیز قتل یک عده از افراد ملکی را به دنبال داشته است.



اعلامیه های آیساف و رهنمودهای تاکتیکی در مورد محافظت از افراد ملکی

یوناما از توجه جدی آیساف جهت کاهش تلفات افراد ملکی با توجه به منابعی که برای گروه کاهش تلفات افراد ملکی فراهم نموده بود، معیارهای را که جهت بازنگری و تجدید نظر در رهنمود های تاکتیکی مد نظر گرفته و نیروهای شان را مطابق به آن آموزش می دادند، استقبال می کند.

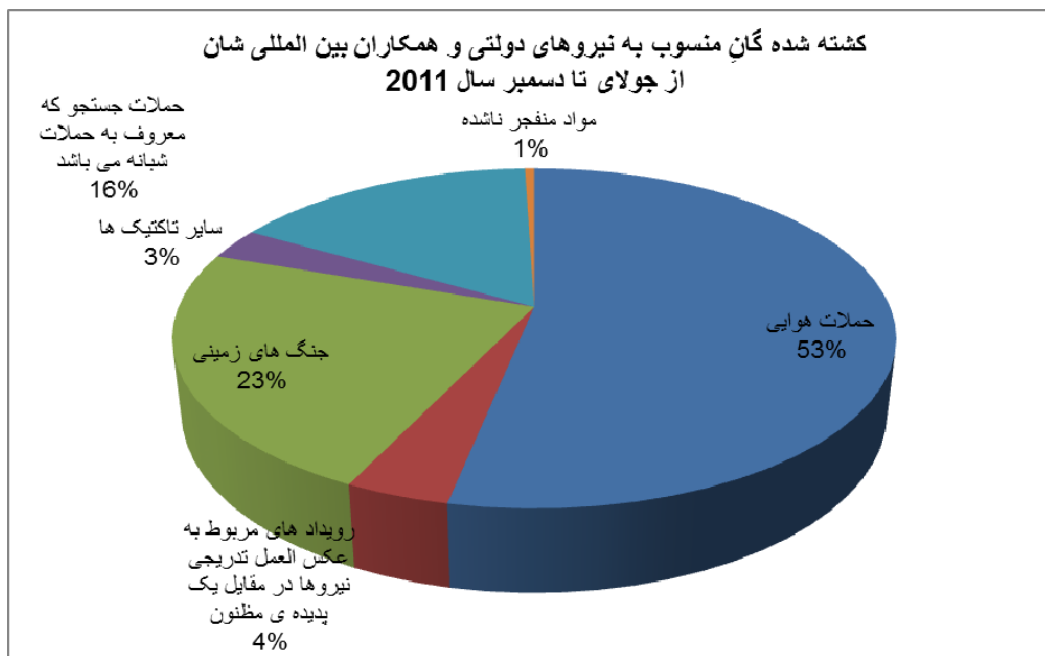
به تعقیب انتشار دو اعلامیه فرماندهی آیساف در شش ماه اول سال ۲۰۱۱ در مورد تلفات افراد ملکی⁶¹، فرمانده جدید آیساف معروف به جنرال جان آلن دو رهنمود تاکتیکی که به تلفات افراد ملکی (۳۰ نومبر سال ۲۰۱۱) و

⁶¹ در ۱۲ ماه می سال ۲۰۱۱، فرمانده آیساف معروف به جنرال پتر یوس یک مکتوب را به تمام کشورهای مساعدت کننده ی نیروی نظامی که حاوی پیشنهادات در مورد آموزش نیروها قبل از مستقر شدن شان جهت کاهش تلفات افراد ملکی بود، ارسال نمود. در ۱۵ ماه می یک مکتوب تحت عنوان دستور العمل فرماندهی آیساف در ارتباط به تلفات افراد ملکی را به تمام اعضای آیساف در افغانستان فرستاد. به گزارش شش ماهه سال ۲۰۱۱ در مورد محافظت افراد ملکی مراجعه گردد.

انجام عملیات شبانه (۱ دسمبر سال ۲۰۱۱) ارتباط می گرفت را به شکل همگانی منتشر ساخت. آیساف به یوناما اطلاع داد که دو رهنمود تاکتیکی داخلی را که به محافظت کاروان ها و داخل شدن به تأسیسات طبی ارتباط می گیرد را نیز صادر کرده است.

همسان با رهنمودهای تاکتیکی قبلی فرماندهی آیساف، رهنمود ۳۰ نوامبر سال ۲۰۱۱ در مورد تلفات افراد ملکی بر این تأکید نموده است که "هدف فرماندهی آیساف اینست که تلفات افراد ملکی که به آیساف نسبت داده می شود را در سراسر افغانستان محو نماید و تلفات افراد ملکی در تمام ساحات که عملیات صورت می گیرد را با کاهش ظهور شان در معرض عموم و خنثی نمودن عملیات شورشیان، کاهش دهد.

با توجه به افزایش کشته شده گان افراد ملکی توسط حملات هوایی در سال ۲۰۱۱، یوناما تأکید می نماید که آیساف معیارهای بیشتر جهت کاهش تلفات افراد ملکی توسط حملات هوایی را مد نظر بگیرد. و نیز اطمینان حاصل گردد که بطور عاجل با اقدامات مفید و مناسب تحقیقات صورت گرفته و یافته های تحقیق و اقدامات که صورت می گیرد به دست رس عموم قرار بگیرد.

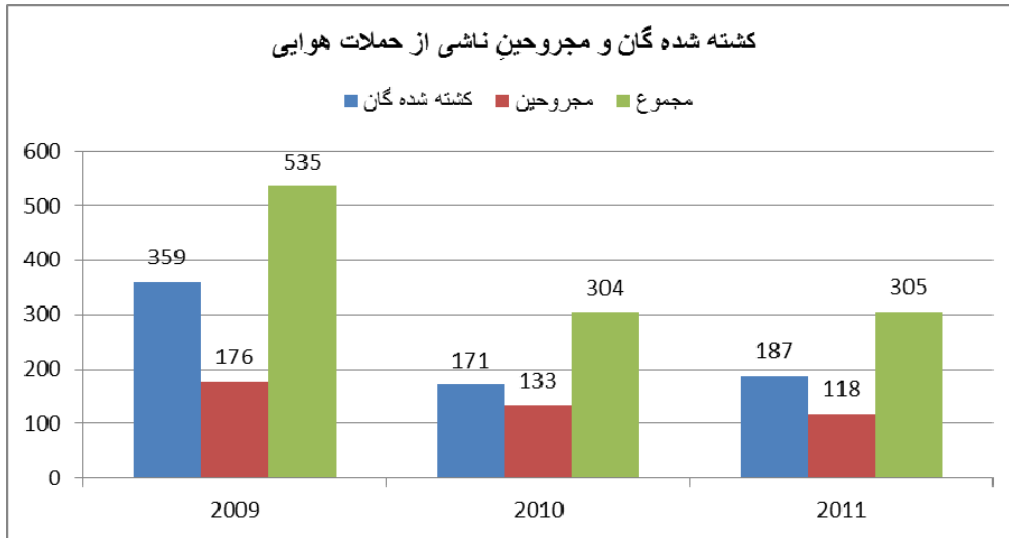


حملات هوایی

"من یک معلم هستم و قریه را به مقصد رفتن بطرف مرکز ولسوالی جهت اخذ معاش ترک گفتم. زمانی که بر می گشتم جنگ بین ارتش ملی، نیروهای آیساف و طالبان دوام داشت. یک طیاره جت در محل جنگ رسید و موقعیت طالبان را بمبارد نمود اما آنها دو خانه را نیز مورد هدف قرار داد. من بخاطریکه نزدیک یک خانه بودم مجروح گردیدم و ۱۳ نفر دیگر را دیدم که در خانه مجروح گردیده بودند. مردم، مرا در مرکز ولسوالی اسمار و بعد در شفاخانه ی در اسد آباد انتقال داد." — صحبت های فرد ملکی، ولسوالی غازی آباد ولایت کنر، تاریخ ۲۰ اکتوبر سال ۲۰۱۱

در سال ۲۰۱۱، حملات هوایی به عنوان یکی از تاکتیک های منسوب به نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان بیشترین افراد ملکی را در مقایسه سایر تاکتیک های منسوب به نیروهای متذکره از بین برده اند. ۱۸۷ فرد ملکی در حملات هوایی به قتل رسیده که در مقایسه سال ۲۰۱۰ با ۱۷۱ فرد ملکی کشته شده، ۹ درصد افزایش را نشان می دهد. این افزایش در کشته شده گان افراد ملکی ناشی از حملات هوایی برعکس آن کاهشی هست که در سال ۲۰۱۰ دیده شده بود و ۴۴ درصد از مجموع کشته شده گانی که به نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان نسبت داده می شود را در سال ۲۰۱۱ تشکیل می دهد. باوجود کاهش در رقم حملات هوایی توسط

آیساف با عملیات تحکیم آزادی با استفاده از هواپیماهای با بالهای ثابت و چرخشی که (از ۱۸۱۶ در سال ۲۰۱۰ به ۱۶۷۵ در سال ۲۰۱۱ کاهش یافته است) در رقم کشته شده گان افراد ملکی افزایش صورت گرفته است.⁶²



برخلاف سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ زمان که زون غرب تلفات زیادی را در اثر حملات هوایی تجربه می کرد، زون شرق بیشترین آمار قتل افراد ملکی را در اثر حملات هوایی بخصوص در نیمه دوم سال ۲۰۱۱ با ۳۶ فرد ملکی کشته شده مشاهده نموده است. آمار قتل افراد ملکی در اثر این تاکتیک در زون جنوب شرق در نیمه دوم سال ۲۰۱۱ به ۲۴ فرد ملکی رسیده که در مقایسه عین مدت سال ۲۰۱۰ رقم مقتولین دوچند گردیده است.

آمار کشته شده گان در اثر حملات هوایی در زون جنوب در نیمه دوم سال ۲۰۱۱ با ۲۰ کشته و ۱۴ مجروح کاهش را نشان می دهد چون در عین مدت سال ۲۰۱۰ به تعداد ۳۸ فرد ملکی کشته و ۲۷ فرد ملکی مجروح گردیده بود. در سال ۲۰۱۰، ۸۶ درصد ۳۸ فرد ملکی که توسط حملات هوایی کشته شده بود در ولایت هلمند اتفاق افتاده بود. در سال ۲۰۱۱، ۸۱ درصد ۱۱ فرد ملکی کشته شده توسط حملات هوایی در زون جنوب هم چنان در ولایت هلمند اتفاق افتاده بود.

تغییر جنگ از جنوب به زون شرق و جنوب شرق ممکن ناشی از امنیت بهتر در زون جنوب بنابر نوسان نیروهای نظامی در آنجاست و نیز قوی شدن امنیت سرحد ممکن عناصر مخالف دولت را مجبور نموده باشد که در سایر ساحات برود. بطور ویژه ولایت کنر به تعقیب خارج شدن نیروهای آیساف از سه پایگاه شان در سال گذشته به یک مکان مهم برای عبور عناصر مخالف دولت در داخل افغانستان مبدل شده بود.

در نتیجه، در سال ۲۰۱۱ در آمار قتلها که توسط حملات هوایی بخصوص در ولایت کنر و نورستان صورت گرفته بود، افزایش بوجود آمده است. عناصر مخالف دولت تمرکز شان را در این ساحات افزایش داده که منجر به افزایش عملیات آیساف یا عملیات تحکیم آزادی و نیز منجر به جنگهای مسلحانه ی بیشتر در جاهاییکه از حملات هوایی استفاده می شد و تلفات افراد ملکی را در پی داشت، گردید.

یوناما نگران هست که اعتماد بیشتر بر حملات هوایی در زون های سرحدی نآرام در فقدان نیروهای زمینی که با عناصر مخالف دولت جنگ نماید، میتواند سبب افزایش تلفات افراد ملکی گردد. حوادثی که بیانگر این رویداد هاست قرار ذیل می باشد:

⁶² در سال ۲۰۱۱، به تعداد ۱۶۷۵ مأموریت حمایت های هوایی نزدیک با سلاح های طیاره های با بال های ثابت و چرخشی در افغانستان به ثبت رسیده که شامل ۴۸۹۶ مأموریت هوایی که در آن مهمات شلیک گردیده، می باشد. در مقایسه با سال ۲۰۱۰ که ۱۸۱۶ مأموریت حمایت های هوایی به ثبت رسیده بود و ۵۱۰۱ مأموریت هوایی که در آن مهمات شلیک شده بود را شامل می شد، کاهش یافته است. به انتشار اخبار امور همگانی مرکزی قوت های هوایی امریکا، "آمار ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ فرماندهی بخش هوایی قوت های مرکب"، منتشره ۲ جنوری سال ۲۰۱۲ مراجعه گردد.

- در ۵ جولای ۲۰۱۱ در ولسوالی شمل ولایت خوست در اثر یک حمله هوایی سه خانم و هشت طفل به قتل رسیدند که یکی از مقتولین یک طفل پنج روزه بود.
- در ۱۵ اگست در ولسوالی نارنگ ولایت کنر در پاسخ به یک حمله ی عناصر مخالف دولت با سلاحهای سنگین و خفیف علیه پاسگاه اردوی ملی، آیساف با مأموریت حمایت هوایی نزدیک پاسخ داد. بعضی از گلوله ها به هدف مورد نظر اصابت نموده و به دو اقامتگاه افراد ملکی برخورد نمود که ۱۲ فرد ملکی را بشمول ۸ طفل از طبقه اناث و دو طفل از طبقه ذکور را مجروح نمودند.
- در ۲۵ اگست، در ولسوالی برکی برک ولایت لوگر، اردوی ملی حمایت هوایی نزدیکی آیساف را در جریان یک عملیات علیه کمپ یک عضو شورا که فرمانده طالبان و چهار عضو طالبان را میزبانی می کرد، درخواست نمود. این حمله هوایی یک خانم و چهار تا طفل موصوف را به قتل رسانید.

عملیات شبانه

"ساعت دوازده شب بود، بر اساس نوبت من باید محصولات را آبیاری می کردم. من آماده شدم تا در بیرون رفته و کاکایم و بچه هایش را در انجام کار کمک کنم. یک چراغ دستی و بیل را با خود گرفتم. بمجرد که دروازه خانه را باز کردم مورد حمله قرار گرفتم. من نمیدانستم که کی و چرا بالایم فیر می نماید. من چهره هیچ کسی را ندیدم و از پشت سرم مرمی در رانم اصابت نمود. مرمی استخوان را شکستاند و من در زمین افتادم. من فقط صدای فیر را شنیدم."
 — یک دهقان ۲۵ ساله، ۱۳ جولای، در جریان عملیات شبانه در یک کمپ افراد ملکی در ولسوالی ماتون ولایت خوست.⁶³

افراد ملکی که در نتیجه عملیات جستجو و توقیف شبانه یا حملات شبانه به قتل رسیده است، توسط یوناما به ثبت رسیده و در مقایسه ی سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ روند نزولی داشته است.⁶⁴ در سال ۲۰۱۱، ۶۳ فرد ملکی در اثر این نوع تاکتیک کشته شده که در مقایسه ی سال ۲۰۱۰، ۲۲ درصد کاهش را نشان می دهد.

با وجود اینکه افراد ملکی در اثر این تاکتیک کمتر کشته شده است اما حملات شبانه به شکل مداوم باعث کشمکش و خشم در میان افغان ها در سراسر کشور شده است. هرچند فرماندهی آیساف همیشه بیان داشته است که عملیات شبانه نتایج تاکتیکی را بجا می گذارد که توسط ابزارهای دیگر بدست آوردنی نیست، حکومت افغانستان مدت طولانی نگران اینست که انجام عملیات شبانه توسط نیروهای نظامی بین المللی بطور مشخص حرمت خانه ها را نقض کرده، نقض حاکمیت ملی افغانستان تلقی گردیده و به موضوعات فرهنگی احترام نمی گردد.

یوناما در یافته است که تعداد زیادی از عملیات شبانه باعث تلفات افراد ملکی نشده است. اما نگرانی های وجود دارد زیرا که بعضی از عملیتهای شبانه مبتنی بر اطلاعات ضعیف صورت می گیرد. نیروهایی که در عملیات شامل می باشد نمی تواند که بردباری تاکتیکی شان را حفظ نموده و رهنمودهای تاکتیکی و طرزالعمل قابل اعمال را تعقیب نماید که این منجر به متضرر شدن افراد ملکی می گردد.

آیساف قدم هایی را جهت کاهش تأثیر عملیات شبانه بر افراد ملکی به شکل مداوم برداشته است. طرزالعمل عملیاتی که در رهنمود تاکتیکی ۱ دسمبر سال ۲۰۱۱ و برای عملیات شبانه آیساف طرح شده است هدف فرماندهی آیساف از عملیات شبانه را مفصل بیان داشته تا اطمینان حاصل گردد که آیساف و نیروهای امنیتی افغان عملیتهای شبانه را به شکل مشترک طوری انجام می دهد که "مزاحمت برای زندگی روز مره ی افراد ملکی را کاهش داده و مایملک افراد ملکی را محافظت نماید. از تلفات افراد ملکی جلوگیری به عمل آورده و تا

⁶³ مصاحبه یوناما با فرد قربانی در گردیز به تاریخ ۲۴ اگست سال ۲۰۱۱.

⁶⁴ بدست آوردن اطلاعات دقیق در مورد عملیات شبانه و تلفات افراد ملکی ناشی از آن مشکل هست زیرا همچون معلومات معمولاً محرمانه می باشد. معلومات درمورد ارقام مجموعی حملات شبانه که توسط نیروهای نظامی داخلی و بین المللی، نیروهای ویژه، نیروهای عملیات ویژه و سایر عناصر حکومتی به شکل مشترک و مستقل انجام می گیرد و هر گونه تلفات افراد ملکی ناشی از همچون عملیات به شکل همگانی قابل دسترس نیست. محدودیت های ناشی از محیط عملیاتی و محدودیت در دسترسی به اطلاعات مربوطه باعث می گردد تا یوناما تلفات افراد ملکی ناشی از حملات شبانه را ممکن کم گزارش داده باشد.

حد امکان بیشترین اطلاعات را با رهبری محلی و افراد ملکی قبل، در جریان و بعد از عملیات در میان بگذارد.⁶⁵ رهنمود متذکره، نیروهای امنیتی افغان را تشویق می نماید که رهبری عملیات را به عهده گرفته و ایجاب می کند که والی و یا نماینده منتخب شان قبل از آغاز عملیات مطلع گردد. و نیز اطلاع تحریری در مورد افراد که تحت توقیف قرار می گیرند در ظرف ۲۴ ساعت تا حد که ممکن هست تهیه شده و در زمان داخل شدن در خانه ها باید دروازه را با ملایمت تک تک کند و نیروهای افغانی با زبان محلی خود شان صدا نماید.⁶⁵

یوناما گزارش های زیادی را از مردم عادی از سراسر کشور بخصوص از زون جنوب شرق افغانستان در یافت نموده و دلالت بر این دارد که معیار عملیات مشترک در حملات شبانه غالباً رعایت نمی گردد.⁶⁶

بر اساس دریافت های یوناما ارتباط آیساف و نیروهای امنیتی افغان با مردم محلی متأثر از عملیات شبانه بعد از عملیاتها می توانست بهبود یابد. عدم اطلاع مردم از دلایل و نتایج عملیات شبانه بدگمانی، ترس و مخالفت با نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان و حکومت را پرورش داده است. یوناما پیشنهاد می نماید که نیروهای افغانی و آیساف به شکل کامل و به طور عاجل مردم را بعد از هر حمله ی شبانه معلومات دهد. که این معلومات افشای مدرک بدست آمده از حمله و توقیف افراد که دستگیر شده است را شامل می گردد.

نمونه های از عملیات شبانه که منجر به تلفات افراد ملکی گردیده است، قرار ذیل می باشد:

- در ۱۳ جولای، در ولسوالی خوست ماتون ولایت خوست، در اثر یک حمله شبانه شش فرد ملکی بشمول دو طفل به قتل رسیده و دو نفر دیگر مجروح گردیدند.
- در ۱۴ جولای سال ۲۰۱۱ در جریان عملیات شبانه توسط آیساف در منطقه سید آباد ولسوالی نادعلی ولایت هلمند چهار فرد ملکی بشمول یک طفل به قتل رسیدند.
- در ۱۹ ماه جولای در قریه شال ولسوالی اسمار ولایت کنر نیروهای ویژه آیساف و نیروهای کماندوی اردوی ملی افغانستان یک حمله ی را بر خانه ی فرد ملکی انجام داد که در اثر آن دو متعلم را به قتل رسانید و یکی دیگر را مجروح نمود.

تحقیقات آیساف و نیروهای امنیتی افغانستان در مورد تلفات افراد ملکی

آیساف گام هایی را جهت کاهش تلفات افراد ملکی که توسط نیروهای ائتلاف صورت می گیرد را به شکل مداوم بر داشته است. این اقدامات تلاشهای گروه کاهش تلفات افراد ملکی در آیساف را نیز شامل میگردند زیرا آنها تمام حوادث تلفات افراد ملکی که به نیروهای آیساف نسبت داده می شود را تعقیب می نماید. در قالب گروه کاهش تلفات افراد ملکی یک مرکز تعقیب تلفات افراد ملکی وجود دارد که ۲۴ ساعت در هفت روز هفته کار نموده و حوادث را در بانک معلومات یا همان دتابیس شان دنبال می نماید و نیز نیروهای آیساف را در تحقیق بر حوادث تلفات افراد ملکی کمک نموده و درس های آموخته شده را برای سلسله فرماندهی آیساف فراهم می نماید. هم چنان جان آلن فرمانده آیساف در مورد تلفات افراد ملکی روزمره گزارش داده می شود.

گروه های مشترک ارزیابی حوادث

در سال ۲۰۰۹، آیساف یک ساختار تحقیقاتی را بنام گروه مشترک ارزیابی حادثه ایجاد نمود. که این گروه در جاییکه حادثات منجر به تلفات افراد ملکی رخ میداد، اعزام می شد. این یک گروهی هست که از آیساف و نیروهای امنیتی افغانستان تشکیل یافته و توانایی این را دارد که در مقابل قضایا به زودی پاسخ دهد. در ساختار نیروهای امنیتی افغان که در این گروه شامل میگردد، نماینده گانی از وزارت دفاع و داخله وجود دارد.

ادعاهای که در مورد تلفات افراد ملکی توسط آیساف دریافت میگردد، بواسطه فرمانده ساحوی در محل قضیه به شکل ابتدایی مورد ارزیابی قرار می گیرد. به تعقیب ارزیابی مقدماتی، فرماندهی مشترک آیساف ممکن به گروه مشترک ارزیابی حادثه وظیفه دهد تا از ساحه دیدن نموده، حادثه را ارزیابی نموده و یافته های شان را

⁶⁵ جنرال جان آلن فرمانده نیروهای آیساف و نیروهای امریکای در افغانستان، رهنمود تاکتیکی عملیات شبانه ی فرماندهی آیساف، ۱ دسمبر سال ۲۰۱۱.

⁶⁶ مصاحبه یوناما از ماه جولای تا دسمبر سال ۲۰۱۱.

گزارش دهد. این معمولاً زمانی اتفاق می افتد که فرمانده محلی در ساحه ارزیابی های عاجل خود را انجام داده و با بزرگان محلی صحبت کرده باشد.

یک گروه مشترک ارزیابی حادثه از یک رئیس گروه که حد اقل یک جنرال یک ستاره باشد، یک افسر اجرائی، یک افسر امور رسانه، یک افسر حقوقی، یک مشاور طبی و سایر متخصصین مانند خلبان هلیکوپتر آپاچی، خلبانهای طیاره های جت تند رو یا سایر متخصصین، تشکیل می گردد. آیساف خاطر نشان می سازد که گروه مشترک ارزیابی حادثه حقیقت یابی جامع را انجام می دهد که مصاحبه، تحلیل مدت و دیوهای قبل از عملیات و دیوهای که با سیستم مهمات در طیاره یا هلیکوپتر که در جنگ علیه موقعیت شورشیان سهم دارند مجهز هستند را شامل می گردد.⁶⁷

هرچند گروه های مشترک ارزیابی حادثه یک قدم جدی بطرف رشد تحقیقات در مورد حادثات منجر به تلفات افراد ملکی می باشد، اما گروه های مشترک ارزیابی حادثات بیشتر یک حقیقت یاب هست تا یک میکانیزم تحقیقاتی و فقط برای حادثه مشخص بطور مثال برای حادثات با رقم بالای از تلفات افراد ملکی یا آن موضوعات که جنبه سیاسی دارند، اعزام می گردد. یوناما خاطر نشان می سازد که گروه های مشترک ارزیابی حادثه میتواند جانب دارانه عمل نماید و بی طرف معلوم نمی شود زیرا تمام اعضای گروه حقیقت یاب ها را آیساف و نیروهای امنیتی افغان تشکیل میدهد چون افراد مستقل در این گروه وجود ندارد و نظارت مستقل هم توسط افراد مستقل صورت نمی گیرد. این مشکل در عدم موجودیت شفافیت در مورد یافته ها و تعقیب آن توسط گروه مشترک ارزیابی حادثه بدتر می گردد.

یوناما خاطر نشان می سازد که نه گروه مشترک ارزیابی حادثه و نه سایر اعضای تحقیقاتی آیساف در مورد نتایج تحقیقات گزارش های همگانی را منتشر ساخته اند. انتشار سریع و همگانی یافته های تحقیقات، شفافیت، حساب دهی و ارتباط بهتر با افراد ملکی متضرر و مردم را تقویت می بخشد. یوناما پیشنهاد می نماید که آیساف و نیروهای امنیتی افغان یک گروه دایمی و مسلکی که تمام وقت شان بر تحقیقات و پی گیری حادثات تلفات افراد ملکی سپری گردد را ایجاد نماید.

جبران خسارت

در ماه جون سال ۲۰۱۱، ناتو رهنمودهای غیر الزامی را در مورد قضایای که تلفات افراد ملکی از منازعات مسلحانه ناشی می گردد را مورد تصویب قرار داد. این رهنمودها بر موضوعات ذیل متمرکز شده بود: تأیید سریع تلفات افراد ملکی یا تأیید تخریب مایملک آنها در قضایایی که مربوط به منازعات مسلحانه می شود، ایجاد تحقیقات روی قضایای احتمالی تلفات افراد ملکی یا تخریب مایملک آنها و فراهم نمودن اطلاعات ضروری به گروه کاهش تلفات افراد ملکی در آیساف. رهنمود ها تصریح کرده بود که با هماهنگی بزرگان قریه یا یک نهاد قبیلوی بدیل و هم چنین با هماهنگی مقامات حکومتی در سطح ولسوالی پیشنهاد مساعدت باید صورت بگیرد. سیستمی که پرداخت ها در آن مشخص گردیده و صورت می گیرد تا حد امکان باید ساده، عاجل و شفاف باشد و نیز افراد متضرر تا حد امکان در تمام این دوره ها باید دخیل باشد.⁶⁸

هرچند که این سیستم عملی شد اما تعداد زیادی از افراد ملکی افغان به شکل مداوم اطلاعات محدودی را در مورد چگونگی تعقیب ادعای شان برای جبران خسارت از حکومت افغانستان و آیساف دریافت می نماید. بخصوص زمانی که نیروها در صحنه حادثه ای که منجر به تلفات افراد ملکی گردیده فورم های مناسبی را تهیه نکنند. در فقدان یک میکانیزم متحد الشکل جهت جبران خسارت و محدودیت اطلاعات همگانی در مورد اینکه این پروسه چگونه کار می نماید، نا امید و خشم افراد ملکی را جهت تلفات افراد ملکی و تخریب مایملک آنها توسط نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان افزایش می دهد.

⁶⁷ اعلامیه لیونینانت کلونیل ونهام، فرماندهی مشترک آیساف، تحت عنوان " ارزیابی تلفات افراد ملکی در افغانستان" منتشره ۲۷ جون سال ۲۰۱۱.

⁶⁸ آیساف، رهنمودهای غیر الزامی برای پرداخت ها در قبال قضایای تلفات افراد ملکی ناشی از جنگ یا پرداخت ها جهت تخریب مایملک افراد ملکی. جون ۲۰۱۰.

نیروهای امنیتی ملی افغان و محافظت از افراد ملکی

"برادرم بمن گفت که اردوی ملی بالای موترش بیشتر از ۲۰۰ مرمی فیر نموده است. قبل از آنکه برادرم بتواند در عقب یک دیوار که در مجاورت قرار داشت خودش را برساند، یک مرمی در داخل موتر نفوذ نموده و دخترش را کشته بود. آن دختر فقط پنج سال داشت. سرنشینان موتر را فقط برادرم و شش تا طفل تشکیل میداد که تمام اطفال زیر سن هفت سال قرار داشتند. من نمیدانم که چرا آنها بر موتر فیر نموده اند چون آنها موتر را چند لحظه قبل تلاشی نموده بودند. هیچ دلیلی برای فیر کردن وجود نداشت. سپس نیروهای اردوی ملی به موتر نزدیک شده و برادرم را مورد اهانت قرار دادند. برادرم مسلح نبود اما افسر اردوی ملی به او نزدیک شده، از جمپرش گرفته و بالایش فریاد کشیده بود که چرا چنان کرده است. بعد افسر مذکور به یکی از عساکرش دستور داده بود که بر برادرم فیر نماید اما آن عسکر بالای برادرم فیر نکرده بود. ما خشمناک هستیم. اگر همچو اشخاص مجازات نگردند، اتفاقات ناگواری رخ خواهد داد."⁶⁹

— پدر یک دختر پنج ساله ی که در پوسته اردوی ملی کشته شد، گردیز ولایت پکتیا، ۱۳ نوامبر سال ۲۰۱۱

ماهیت مشترک بعضی از عملیات نظامی و مشکلات در تشخیص نیروها مشخصاً در ساحات دوردست باعث شده که ارقام تلفات افراد ملکی که توسط یوناما جمع آوری گردیده و منسوب به نیروهای امنیتی افغان و نیروهای بین المللی می گردد را در تحت عنوان تلفات مربوط به نیروهای حکومتی و همکاران بین المللی شان جمع آوری نماید. با انتقال مسئولیت های امنیتی از نیروهای بین المللی به نیروهای افغانستان⁷⁰، نظارت یوناما بر تلفات افراد ملکی منسوب به نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان بخصوص در نیمه دوم سال ۲۰۱۱ بیشتر بر اعمال نیروهای امنیتی افغانستان تمرکز یافته است.

به اضافه ی اردوی ملی، نیروهای امنیتی افغانستان زمانی که بطور مستقیم در جنگ ها سهم می گیرد شامل پولیس ملی، امنیت ملی، پولیس سرحدی، پولیس حفظ امنیت عامه و پولیس محلی می شود. بر اساس یافته های یوناما بین ماه جولای و دسمبر سال ۲۰۱۱ به تعداد ۴۱ فرد ملکی بر اثر عملیات و اعمال نیروهای امنیتی افغان کشته شده و ۱۳۳ فرد ملکی نیز مجروح گردیده اند. این رقم در مقایسه سال ۲۰۱۰ (که یوناما به تعداد ۱۴ کشته و ۴۹ مجروح را در نیمه دوم سال ۲۰۱۰ به ثبت رسانیده بود) به تعداد ۱۹۲ درصد در کشته شده گان و ۵۵ درصد در مجروحین افزایش را نشان میدهد.

در سال ۲۰۱۱، یوناما حد اقل افزایش و کاهش را در تلفات افراد ملکی که بطور مستقیم توسط نیروهای امنیتی افغان در ساحات انتقال امنیتی صورت گرفته بود را به ثبت رسانیده است.

مسئولیت پذیری در قبال تلفات افراد ملکی توسط نیروهای امنیتی افغان

بیشترین رقم تلفات افراد ملکی که به نیروهای امنیتی افغان نسبت داده می شود زمانی اتفاق افتاده است که جنگ های زمینی به تعقیب حملات عناصر مخالف دولت بر پاسگاه ها یا موترهای نیروهای امنیتی افغان شروع گردیده است، یا اینکه حوادث مربوط به عکس العمل تدریجی نیروها در مقابل یک پدیده مظنون باعث تلفات افراد ملکی گردیده است. یوناما قضایای متعددی را نظارت نموده که در آن بطور مشهود نقض جدی حقوق بشر صورت گرفته است.

بطور مثال، به تاریخ ۷ نوامبر سال ۲۰۱۱ در شهر گردیز ولایت پکتیا اردوی ملی افغانستان یک موتری را که یک داکتر راننده گی می کرد و شش طفل زیر سن هفت سال نیز همراهش در موتر بود، تلاشی نمود. بعد از آنکه موتر پاسگاه را ترک نمود، نیروهای اردوی ملی بالای موتر فیر نمودند و یک طفل پنج ساله را که در صندلی عقب موتر نشسته بود را به قتل رساند. بنابر قول موتروان به تعقیب حادثه در جریان درگیری لفظی،

⁶⁹ یوناما در گردیز ولایت پکتیا با پدر دختر پنج ساله ی که به قتل رسیده بود، در ۱۳ نوامبر مصاحبه نموده است.

⁷⁰ مرحله اول انتقال امنیت از نیروهای بین المللی به نیروهای امنیتی افغان در ماه جولای سال ۲۰۱۱ شروع گردید. که بر اساس آن انتقال در دو ولایت، چهار بخش و تمام ولسوالی های کابل به استثنای ولسوالی سروبی صورت گرفت. مرحله دوم انتقال در نوامبر سال ۲۰۱۱ آغاز شد که بر اساس آن انتقال در هفت ولایت و ده ولسوالی صورت گرفت و هم اکنون نیروهای امنیتی افغان تقریباً مسئولیت امنیت ۵۰ درصد کشور را به عهده دارد.

فرمانده اردوی ملی به عساکر اردوی ملی دستور داد که موتروان را با مرمی بزند که چنین نشد. سه تا عسکر و فرمانده آنها دستگیر گردیده است. بر اساس صحبت های دفتر مدعی العموم نیروهای اردوی ملی در پکتیا، تحقیق ختم گردیده و دوسیه آماده انتقال به محکمه می باشد.⁷¹ هرچند حالات که باعث آغاز فیر شده باشد برای فامیل قربانی و یوناما معلوم نیست. و این نیز واضح نیست که آیا این حادثه اقداماتی را مانند بازنگری طرز العمل، تحقیقات داخلی و آموزش های که چنین حوادث را جلوگیری نماید سرعت بخشیده است.

حادثات ذیل مثال هایی از قضایایی هست که به نیروهای امنیتی افغانستان نسبت داده می شود:

- به تاریخ ۵ جولای در ولسوالی کامدیش ولایت نورستان عناصر مخالف دولت با سلاح های سنگین و خفیف بر پاسگاه پولیس سرحدی افغانستان حمله نمودند. در نتیجه فیرهای متقابل، ۱۰ فرد ملکی بشمول دو خانم و سه طفل به قتل رسیدند.
- در ۳ دسمبر عناصر مخالف دولت بر کاروان اردوی ملی افغانستان که از اسد آباد بطرف ولسوالی منوگی میرفتند، فیر نمودند. اردوی ملی در مقابل حمله آنها واکنش نشان داد. در اثر فیرهای متقابل یک طفل از طبقه اناث کشته شد و یک طفل دیگر مجروح گردید.
- به تاریخ ۲۹ ماه می در شهر لشکرگاه ولایت هلمند یک افسر اردوی ملی بالای یک موتر بعد از آنکه نتوانست در پاسگاه ایستاد کند، فیر نمود. در نتیجه موتروان به قتل رسیده و یک نفر دیگر مجروح گردید.

در مورد روند تحقیق اردوی ملی بر حادثات تلفات افراد ملکی، کدام بخش دایمی که تلفات افراد ملکی را تعقیب و تحقیق نماید، وجود ندارد. مسئولیت کار در مورد تلفات افراد ملکی بدوش رئیس بخش حقوق وزارت دفاع می باشد و گروه های تحقیقاتی ویژه جهت تحقیق بر تلفات افراد ملکی منسوب به اردوی ملی ایجاد می گردد. نتایج این تحقیقات به طور عموم در دسترس عموم قرار نمی گیرد.

روش تحقیق حادثات در قالب طرز العملهای موجوده اردوی ملی می باشد. قول اردوی ساحوی اردوی ملی⁷² تمام حادثات امنیتی را روزانه گزارش می دهد. تلفات افراد ملکی که در زونهای مربوطه ی متذکره در عملیات تحت قیادت وزارت دفاع اتفاق می افتد، نیز شامل حادثات می گردد که روزانه گزارش داده می شود. ریاست عملیات، حادثاتی را که اردوی ملی سبب تلفات افراد ملکی گردیده را به ریاست حقوق محول می کند. ریاست حقوق هر قضیه را بررسی کرده و مشخص می سازد که کدام حادثه نیازمند تحقیق می باشد. این حادثات به قول اردوهای ساحوی مربوطه که مدعی العموم نظامی در آنجا کار می نماید، جهت تحقیق ارسال می گردد. اگر تحقیق مدعی العموم دلالت بر خلاف کاری نماید بعد قضیه به محکمه نظامی محول گردیده و مطابق به قانون افغانستان تعقیب عدلی صورت می گیرد.⁷³ طرز العمل مشابه در وزارت داخله نیز وجود دارد.

در ۱۲ دسمبر یوناما با رئیس بخش حقوق در وزارت دفاع ملاقات نمود و در مورد پنج حادثه ی که افراد ملکی توسط اردوی ملی متضرر شده بود، از ایشان تقاضای معلومات نمود. بر اساس صحبت های رئیس بخش حقوق در وزارت دفاع، اردوی ملی یک عده ی از قضایا را تحقیق نموده و مرتکب قضایا متهم قلمداد شده اند. یوناما معلومات مفصل در مورد نتایج تحقیقات و تعقیب پنج حادثه متذکره و اینکه آیا اردوی ملی در ارتباط تلفات افراد ملکی که به نیروهای امنیتی افغانستان نسبت داده می شود، گزارش سالانه تهیه کرده میتواند را تقاضا نمود.⁷⁴ رئیس بخش حقوق در وزارت دفاع به یوناما اطلاع داد که بین ماه مارچ سال ۲۰۱۰ تا ماه اگست سال ۲۰۱۱، ۱۳۲۵ فرد محکوم گردیده است که این رقم شامل ۱۳۰ افسر اردوی ملی، ۴۰۴ فرمانده، ۷۸۳ عسکر اردوی ملی و ۸ کارمند ملکی می گردد. ۶۶ درصد از این قضایا را غیبت از وظیفه، ۱۱ درصد نقض مقررات ترافیکی که منجر به قتل، جرح و تخریب اموال شده بود، ۱۵ درصد تملک غیر قانونی سلاح، ۴۵ درصد مفقودی

⁷¹ جلسه یوناما با افسر ریاست حقوق وزارت دفاع، کابل، ۲۲ جنوری سال ۲۰۱۲.

⁷² اردوی ملی افغانستان دارای هفت لشکر (قول اردو) ساحوی ذیل می باشد: قول اردوی ۲۰۱ کابل، قول اردوی ۲۰۳ گردیز، قول

اردوی ۲۰۵ کندهار، قول اردوی ۲۰۷ هرات، قول اردوی ۲۰۹ مزارشریف و قول اردوی ۲۱۵ لشکرگاه.

⁷³ جلسه یوناما با رئیس بخش حقوق وزارت دفاع، تاریخ ۲ و ۱۲ دسمبر ۲۰۱۱، کابل

⁷⁴ ماخذ بالا.

سلاحها، ۲ درصد قتل عمدی و متباقی ۱۵ درصد سایر تخطی‌ها را تشکیل می‌داد.⁷⁵ یوناما خاطر نشان می‌سازد که این معلوم نیست که کدام یکی از این قضایا حادثات مربوط به تلفات افراد ملکی را شامل می‌گردد.

هرچند طرزالعملی که توسط وزارت دفاع و داخله انجام می‌پذیرند، مطابق به قوانین مربوطه می‌باشد، اما معیارهای مشخص جهت پیگرد تلفات افراد ملکی میتواند نظارت و پاسخ دهی را تقویت نموده و کاهش تلفات افراد ملکی را توسط شیوه‌های عملی تقویت بخشد. یوناما پیشنهاد می‌نماید که اردوی ملی یک ساختار بی طرف را که از افراد متخصص تشکیل شده باشد، جهت تحقیق و ثبت تلفات افراد ملکی ایجاد نموده و از موجودیت یک ساختار قانونی جهت مراجعه در آن و اقدامات مفید چنانچه ضرورت می‌شود، اطمینان حاصل گردد. در حالیکه بعضی از قضایای خلاف کاری مورد بررسی قرار گرفته اما یوناما خاطر نشان می‌سازد که در مرحله اول و به تعقیب یک حادثه مظنون غالباً دستگیر می‌گردد، ولی در تعداد زیادی از قضایا نتیجه واضح نگردیده یا مظنون آزاد می‌گردد و نیز از یافته‌های تحقیق قربانیان و فامیلین آنها مطلع نمی‌گردد.

ایجاد یک میکانیزم جهت تعقیب تلفات افراد ملکی در اردوی ملی با وصفی که پاسخ دهی را تقویت می‌نماید، تشخیص الگوها، ساحاتی که نیازمند رشد هستند، تمرکز بر موضوعات معین جهت آموزش اردوی ملی و ایجاد شفافیت و اعتماد را تقویت می‌نماید.

جبران خسارت

بر اساس کشفیات یوناما یک میکانیزم منظم جبران خسارت جهت مرفوع نمودن شکایات افراد ملکی در اردوی ملی وجود ندارد. معمولاً مساعدت‌ها از طریق وجوه وزارت دفاع صورت می‌گیرد. در بعضی از حادثات جبران خسارت از طریق وجوه احتیاطی نمبر ۹۹ ریاست جمهوری غالباً در قضایای ویژه پرداخت می‌گردد. بر اساس گفته‌های رئیس بخش حقوق بشر در وزارت داخله در قضایایی که افراد ملکی توسط افسران پولیس ملی کشته شده می‌شود، کدام میکانیزم جبران خسارت وجود ندارد.

همانطوریکه انتقال مسئولیت امنیت به نیروهای امنیتی افغانستان در سال ۲۰۱۲ ادامه دارد، این بسیار مهم می‌باشد که نیروهای امنیتی افغانستان یک سیستم منظم را برای جبران خسارت ایجاد نماید. این سیستم، تحقیقات بر تمام حادثات تلفات افراد ملکی و تخریب مایملک آنها را شامل گردد. آیساف می‌تواند به نیروهای امنیتی افغانستان در مورد اینکه چطور این میکانیزم به شکل عملی ایجاد و تطبیق گردد، رهنمایی نموده و کمک نماید.

گلوله باری خاک افغانستان از طرف نیروهای نظامی پاکستان

در سال ۲۰۱۱، یوناما تلفات افراد ملکی را که ناشی از عملیات ضد شورشی نیروهای نظامی پاکستان در ساحات قبایلی اداره فدرالی صورت می‌گرفت را به ثبت رسانیده است. این مناطق با ولایت کنر، ننگرهار و نورستان افغانستان هم سرحد می‌باشد. مقامات ولایتی تأیید نموده که در اثر این حملات ۱۸ فرد ملکی به قتل رسیده و ۳۶ فرد ملکی تماماً در داخل افغانستان مجروح گردیده اند و صدها نفر در ولایت کنر و نورستان بیجا شده است.

تمام قضایای تأیید شده بین ماه جون و دسمبر سال ۲۰۱۱ اتفاق افتاده است. در ۱۳ دسمبر نیروهای نظامی پاکستان در حدود ۳۰ مرمی توپ و گلوله‌های پیکا را بطرف موقعیت‌های مظنون شورشیان که در پاکستان موقعیت دارند را فیر نمود که بنابر گزارش آن گلوله‌ها از سرحد گذشته و در داخل خاک افغانستان برخورد نمودند.⁷⁶ دو گلوله توپ در دو محل مسکونی در منطقه دابه و لسوالی کامدیش ولایت نورستان اصابت نموده بود. یک گلوله توپ در یک مسکن ملکی اصابت نموده که منجر به کشته شدن یک خانم، مجروح شدن یک خانم دیگر و چهار طفل گردید. گلوله دومی نیز در یک مسکن ملکی اصابت نمود که باعث تخریب محل مسکونی و

⁷⁵ جلسه یوناما با جنرال نورستانی رئیس بخش حقوق در وزارت دفاع، کابل، ۲۵ جنوری سال ۲۰۱۲.

⁷⁶ یوناما آن تعداد از کشته شده گان و مجروحینی را که از اثر گلوله‌های نیروهای نظامی پاکستان متأثر شده بود را در ارقام مجموعی تلفات افراد ملکی داخل نموده است. به آقای صادق سفیر پاکستان در افغانستان گزارش داده شده بود که به وزارت خارجه افغانستان گفته شده است که "نیروهای نظامی پاکستان جنگجویان تحریک طالبان پاکستان را مورد هدف قرار داده است نه افراد ملکی افغانستان را. هرچند که از بین رفتن افراد ملکی و مایملک آنها قابل تأسف می‌باشد. به Express Tribune در آدرس ذیل مراجعه گردد: <http://tribune.com.pk/story/261277/cross-border-shelling-kabul-delivers-rebuke-to-pakistan-envoy/>.

از بین رفتن ۱۴ حیوان اهلی گردید. برای یوناما تلفات افراد ملکی ناشی از حادثه دومی گزارش داده شده بود اما در زمان نوشتن این گزارش آن را تأیید کرده نمی‌تواند. نیروهای دولتی و همکاران بین‌المللی شان نیز در عملیاتی که علیه شورشیان در افغانستان انجام می‌دهد باعث تلفات افراد ملکی در خاک پاکستان شده است.

پولیس محلی افغان و محافظت از افراد ملکی

طرح کلی

در سال گذشته حکومت و آیساف بیشتر بر استخدام پولیس محلی و سایر نهادهای دفاع محلی جهت تأمین امنیت در مناطق دور دست یا روستائی اعتماد کرده بود.⁷⁷ پولیس محلی در زونهای مشخص یعنی جاهاییکه اردوی ملی و پولیس ملی به تعداد کافی حضور نداشتند تا امنیت مردم محلی را به شکل مناسب تأمین نماید، تشکیل گردید.⁷⁸

پولیس محلی متشکل از اشخاصی است که از بین مردم محل جهت تأمین امنیت در ساحات جغرافیای محدود استخدام می‌گردد. برای استخدام و حفظ این نوع نیروها هزینه‌های کمتری در مقایسه اردوی ملی و پولیس ملی ضرورت هست چون پولیس محلی هم آموزش کمتر و هم معاش کمتری دریافت می‌کند. پولیس محلی باوجود نام که بالایش گذاشته شده هیچ نقش و صلاحیتی را در اجرائی قانون ندارد و نیز صلاحیت ندارد که یک شخص را دستگیر کند هرچند برای شان اجازه داده شده که افراد را به شکل موقتی نگه دارند.

براساس گفته‌های آیساف پولیس محلی از نهاد های امنیتی قبلی مانند پولیس کمکی ملی افغان و برنامه محافظت عامه متفاوت هست زیرا فقط بر تأمین امنیت تمرکز می‌نماید. آیساف خاطر نشان می‌سازد که هدف پولیس محلی که در تحت برنامه عملیات جهت تحکیم ثبات در قریه جات عمل می‌کند و گروههای عملیات ویژه نیروهای امریکایی را در قریه های کلیدی و ساحات دور دست جهت بسیج مردم علیه عناصر مخالف دولت احاطه می‌نماید، اینست که مردم را بسیج نماید. در این جریان توجه همزمان توسط گروههای از نیروهای عملیات ویژه نیروهای امریکایی صورت میگیرد و نیز نیروها را حمایت کرده و امنیت، حکومت داری و پیشرفت را تقویت نماید.⁷⁹

آیساف اظهار می‌دارد که هدف این رویکرد اینست که امنیت بهتر را در سطح محلی فراهم نموده که این مهم پیشرفت و ثبات را در جهت رفاه اجتماعی و مدنی بوجود می‌آورد. این تأثیرات محلی در مناطق روستائی افغانستان بعداً توسط مقامات حکومتی مانند والیان، ولسوال ها و قومندان های امنیه ولسوالی و ولایتی می‌تواند به کابل وصل گردد و دسترسی حکومت و نفوذش را در مناطق روستائی تقویت بخشد. آیساف می‌گوید که با حضور اینها به شکل فزینی امنیت دوام دار را فراهم می‌نماید چون اینها با حمایت مردم محل، تأیید در سطح ملی و تحت نظارت عمل می‌نماید. این نیروها یک عنصر کلیدی در تلاش های جامع و مشترک افغان- آیساف علیه شورش گری می‌باشد و بخشی از شبکه ی امنیتی وسیع افغان- آیساف تلقی می‌گردد.⁸⁰

یوناما بطور منظم پیشرفت های پولیس محلی را از زمان که حامد کرزی ایجادش را در اگست سال ۲۰۱۰ اعلام نمود، در سراسر افغانستان مشاهده نموده است.⁸¹ در آخر سال ۲۰۱۱ بیشترین صحبت کننده گان به یوناما گزارش دادند که در ساحاتی که پولیس محلی فعالیت دارد وضعیت امنیت بهبود یافته است. این بدین معناست که آنها شورشیان را از مناطق تحت پوشش شان دور نگه داشته است.

⁷⁷ بر اساس معلومات که در ۳ جنوری سال ۲۰۱۲ توسط معاون رئیس ارتش عملیاتی در دفتر مرکزی آیساف در کابل ارائه شد، آیساف چهار نوع از نیروهای دفاع محلی را که خارج از کنترل حکومت افغانستان عملیات می‌کند را معرفی نمود. این نیروها که راه حل های امنیتی برخاسته از بین مردم را نشان می‌دهد، شامل " نیروهای برنامه محافظت زیرساخت های اساسی، امنیت متوسط برای زیرساخت های اساسی، برنامه محافظت عامه و نیروهای امنیتی محلی" می‌گردد. نوع آخری این نیروها، نیروهای امنیتی شرکت های خصوصی که جواز ندارد، ملیشیا و اربکی های که هنوز فعالیت می‌کنند را نیز شامل می‌گردد. در معلومات که توسط آیساف ارائه شد، گفته می‌شد که تمام همچون گروپ ها یا در حال منحل شدن هست و یا پلان بر اینست که منحل گردد. یا اینکه در تحت کنترل حکومت انتقال گردد و یا هم به پولیس محلی مدغم می‌گردد.

⁷⁸ در سراسر افغانستان تعداد زیادی از مردم کلمه معمول اربکی را برای پولیس محلی و سایر نهاد های دفاع محلی بکار می‌برند.

⁷⁹ جلسات یوناما با معاون رئیس ارتش در دفتر مرکزی آیساف، کابل، جنوری سال ۲۰۱۲.

⁸⁰ ماخذ بالا.

⁸¹ به بخش پولیس محلی در گزارش سالانه ی ۲۰۱۰ حقوق بشر یوناما در مورد محافظت افراد ملکی مراجعه گردد.

نگرانی‌های مداوم در مورد تأثیر کوتاه مدت و دراز مدت پولیس محلی و اینکه آیا این نیروها در دراز مدت محافظت افراد ملکی را افزایش میدهد یا کاهش، وجود دارد.

آیساف و فرماندهی قطعه عملیات ویژه نیروهای مختلط در افغانستان بیان می‌دارد که براساس ارزیابی آنها، پولیس محلی دست آورد قابل توجهی را با توجه به مهارت‌های تخنیکی و تاکتیکی که دارند در نبرد علیه شورشیان بدست می‌آورد و این دست آورد با حمایت لوجیستیکی کافی و آموزش مداوم آنها توسط نیروهای عملیاتی ویژه یا نیروهای امنیتی افغان، قابل حفظ هست.⁸² یوناما خاطر نشان می‌سازد که سوالی مطرح می‌گردد که آیا دست آورد این نیروها با توجه به فروکش و بازگشت احتمالی نیروهای بین‌المللی بشمول نیروهای عملیات ویژه امریکای و کاهش یا آموزش ناکافی از طرف نیروهای امنیتی افغان، قابل حفظ هست.

بر اساس گفته‌های آیساف در مورد طرح طویل‌المدت برای پولیس محلی تا هنوز تصمیم گرفته نشده است. و اینکه آیا این نیروها در داخل پولیس ملی مدغم گردد یا سایر نیروهای حکومتی یا اینکه در قالب نیروهای امنیتی افغان به حیث یک برنامه در سطح ولسوالی حفظ گردد، مشخص نگردیده است.⁸³ در جریان سال ۲۰۱۱، یوناما ضعف‌های را در استخدام، بررسی، آموزش و نظم پولیس محلی مشاهده نموده است. چنانچه مردم محلی در بعضی از مناطق گزارش داده‌اند که پولیس محلی در اقدامات مجرمانه و نقض جدی حقوق بشر ذیدخل بوده و اینها باعث شده تا افراد ملکی منطقه‌ی شان را ترک بگویند و نیز در اختطاف افراد ملکی، بدرفتاریهای جسمی و سوء استفاده‌های جنسی و اخاذی دست داشته‌اند. یوناما اظهار می‌نماید که ساختار فرماندهی و کنترل اینها میتوانست تقویت شود، البته از یک منطقه تا منطقه دیگر فرق دارد، و این باعث عدم پاسخ‌دهی و عدم نظارت از بعضی عملیات پولیس محلی شده است.

علاوئاً با وجود روند بررسی افراد که لزوماً توسط شوراهای محل صورت می‌گیرد، یوناما در بعضی از مناطق مشاهده نموده است که بعضی از افراد در تحت نفوذ قدرمندان محلی جهت استخدام در پولیس محلی نامزد شده و به حیث پولیس محلی تأیید گردیده است. بعضی از این افراد که به نقض حقوق بشر متهم هستند نیز شامل پولیس محلی شده است. در بعضی از قضایا، در استخدام پولیس محلی ظاهراً توازن قومی مد نظر گرفته نشده و در ساحاتی که این نیروها فعالیت می‌کنند، کشمکش‌ها را در بین مردم افزایش داده‌اند. در بعضی از مناطق گروپ‌های مسلح غیرقانونی سابقه در پولیس محلی جذب گردیده و نگرانیهای را در بین مردم محلی بوجود آورده است. براس نظریات مردم محل نهاد پولیس محلی افراد و اعمال گروپ‌های مسلح غیرقانونی سابقه را قانونی می‌سازد.

تشکیل پولیس محلی افغان

در ماه اگست سال ۲۰۱۰، آیساف و حکومت افغانستان پولیس محلی را به حیث یک میکانیسم در قالب وزارت داخله جهت حمایت ولسوالی‌های بی‌ثبات، محافظت مناطق دور دست روستائی، ممانعت از نفوذ گروپ‌های مخالف مسلح و به جهت ایجاد یک محیط مناسب برای پیشرفت و حکومت‌داری خوب، ایجاد نمود. تا تاریخ ۲۶ جنوری سال ۲۰۱۲ در ۵۷ ولسوالی به تعداد تقریباً ۱۱۰۶۶ پولیس محلی فعالیت می‌کرد. وزارت داخله استخدام ۳۰۰۰۰ پولیس محلی را که در ۹۹ ولسوالی در سراسر کشور خدمت نماید را تصویب نمود. پولیس محلی توسط حکومت امریکا از طریق وجوه نیروهای امنیتی افغانستان برای ۳۰۰۰۰ پولیس محلی تا سال ۲۰۱۵ تمویل می‌گردد. آیساف اظهار می‌دارد که هم‌اکنون تا سقف چهار میلیون افغان ساکن در ساحاتی زندگی می‌کنند که تا حدودی توسط نیروهای عملیات ویژه‌ی نیروهای مربوط به عملیات ثبات قریه جات یا پادگان‌های پولیس محلی محافظت می‌گردد.⁸⁴

واحدهای پولیس محلی نیازمند اینست که در تحت تشکیلات فرماندهی پولیس ملی در ساحه فعالیت کنند. اینها در تحت سرپرستی قومندان امنیه ولایتی، مستقیم به فرمانده پولیس ملی در سطح ولسوالی گزارش میدهد. اعضای پولیس محلی ۲۱ روز را آموزش می‌بینند که این آموزش نیازمند اینست تا با پروژه‌های تربیوی تکمیل گردد. در تعداد زیاد از مناطق نیروهای عملیات امریکا ویژه نقش ارشادی را قبل از سپردن این نقش به نیروهای عادی امنیتی افغانستان، برای پولیس محلی بازی می‌کند. بغیر از رهنمودهای عمومی که برای پولیس محلی در

⁸² . ماخذ بالا.

⁸³ . ماخذ بالا.

⁸⁴ . ماخذ بالا.

طرز العمل ایجاد پولیس محلی در اگست ۲۰۱۰ بیان شده بود و در جنوری سال ۲۰۱۲ تعدیل گردید، هیچ چهارچوب واضح دیگری که عملیات ویژه یا قواعد جنگی آنها را تنظیم کند، وجود ندارد.

برای واحدهای پولیس محلی ضروری است که فقط در آن ساحاتی که مسئولیت شان ایجاب می نماید، فعالیت نمایند. به آنها اجازه داده نشده اند که در سراسر ولسوالی گشت و گزار نموده و سلاح خود را در ساحاتی که تحت پوشش آنها نیست، با خود حمل نماید و یا اینکه در عملیات های تهاجمی سهم بگیرد. به استثنائی حالاتی که توسط پولیس ملی تقاضا می گردد، پولیس محلی اجازه ندارد که در اجرائی قانون بشمول دستگیری مظنونین جنایی سهم بگیرد. آنها تا آنجا صلاحیت دارد که افرادی را که در جریان جنگ دستگیر شده اند یا اعضای مظنون عناصر مخالف دولت هستند را توقیف نماید (به شکل مؤقتی افراد مورد نظر را نگه دارد).⁸⁵ این نقش که پولیس محلی می تواند جنگجویان و شورشیان مظنون را توقیف نماید، به شکل واضح تعریف نشده است. دستور العملی وجود ندارد که چگونه افراد تحت توقیف را به پولیس ملی، اردوی ملی یا امنیت ملی تسلیم نماید تا از اوضاع مناسب در جریان توقیف، معلومات از حقوق فرد تحت توقیف یا رفتار مناسب با افراد که تحت توقیف آنها هستند، اطمینان حاصل گردد.

بررسی و استخدام پولیس محلی

بر مبنای طرز العمل متذکره، لازم هست که شورای ولسوالی تا پولیس محلی را جهت استخدام نامزد نماید و توجه لازم مبذول داشته تا اطمینان حاصل گردد که قبایل و گروه های نژادی به شکل عادلانه در این پروسه نماینده گی می کند. وزارت داخله گروه های را دارند که تمام افراد پولیس محلی را به شکل بایومتریک در بانک اطلاعات یا دتاییس وزارت داخله نام نویسی می کند. این افراد از لحاظ سن باید بین ۱۸ الی ۵۴ سالگی قرار داشته باشند و از هر کدام آزمایش ادرار گرفته می شود و در صورت معتاد با مواد مخدر از شامل شدن در این پروسه محروم می گردد. مقامات ولسوالی و ولایتی بشمول پولیس ملی از طریق رئیس پولیس ساحوی و امنیت ملی مسئولیت دارند تا مناسب بودن هر یکی از کاندیدان پولیس محلی را در این پروسه مشخص نمایند اما آنها مسئولیت ندارند تا آن پولیس محلی را که عملاً در این پروسه شامل شده اند را بخاطر جنایتکاری و سوء رفتارهای مرتبط به جنگ برکنار نمایند.

یوناما عملاً مشاهده نموده است که این چارچوب جهت استخدام پولیس محلی به شکل دقیق اعمال نگردیده و بعضی از شوراهای ولسوالی تسلیم قدرتمندان محلی جهت استخدام کاندیدان پولیس محلی شده اند. یوناما خاطر نشان می سازد که در تعداد زیادی از ولسوالی هیچ یکی از افراد از خدمت در پولیس محلی در جریان پروسه استخدام محروم نگردیده اند.⁸⁶ در تعداد زیادی از ولسوالی ها مردم محل گزارش داده اند که پروسه استخدام منجر شده تا گروه های ملیشیا و وفادار به قدرتمندان محلی دوباره مسلح گردیده و بسیج گردد.

بطور مثال، یوناما مشاهده نموده است که مقامات ولسوالی جنگجویان طرفدار حکومت را در ولسوالی شیندند ولایت هرات، ولسوالی قیسار ولایت فاریاب و ولسوالی صیاد ولایت سرپول به واحد های پولیس محلی تبدیل نموده اند. در تمام سه قضیه فوق، مردم محلی این ولسوالیها گفته اند که این گروه های جنگجو به جنایتکاری یا نقض حقوق بشر دست دارند. تا هنوز هیچ یکی از اعضای این گروه ها در پروسه استخدام محروم نگردیده اند.

یوناما در یافته است که در سایر ولسوالی ها مانند ولسوالی گوشته ولایت ننگرهار و ولسوالی صیاد ولایت سری پول بعضی از نیروهای پولیس محلی جنگجویان سابق بودند که قبلاً خلع سلاح شده بودند و بر اساس پروژه های (خلع سلاح، در هم شکستن گروه های مسلح و استقرار مجدد) و (انحلال گروه های مسلح غیر قانونی) از بین رفته بودند.

یوناما گزارشهای را دریافت نموده است که فرماندهان پولیس محلی بالای مردم محل فشار وارد می نماید تا به در تشکیل نیروهای پولیس محلی شان سهم بگیرند. هم چنان یوناما ادعاهایی را دریافت نموده است که فرماندهان پولیس محلی در ولسوالی خاص ارزگان و سایر ولسوالی های ولایت ارزگان تلاش نموده اند تا باشندگان قریه ها را مجبور نمایند که داخل خدمت در پولیس محلی گردد. در ولسوالی شاه ولی کوت باشندگان سه قریه به یوناما گفته اند که فرمانده پولیس محلی معروف به بادشاه از هر فامیل تقاضا نموده که یک بچه اش را در واحد

⁸⁵ طرز العمل تشکیل پولیس محلی که در اگست سال ۲۰۱۰ به تصویب رسید و در جنوری سال ۲۰۱۲ مورد تعدیل قرار گرفت.

⁸⁶ بر اساس کشفیات یوناما فقط در ولسوالی خاک سفید و قلعه کاه ولایت فاریاب مقامات ولسوالی و ولایتی افراد را که از آزمایش مواد مخدر کامیاب بیرون نیامده بودند، از شامل شدن در پولیس محلی محروم نموده بودند.

های پولیس محلی داخل کند.⁸⁷ این موضوع باعث بیجا شدن مردم شده چون تعداد زیادی از فامیل ها از خانه های شان فرار نموده تا در پولیس محلی استخدام نگردند.

یوناما همچنان مشاهده نموده است که تلاش هایی صورت گرفته تا اطفال را به شکل جبری در پولیس محلی استخدام نمایند. بزرگان قومی از ولایت پکتیکا به یوناما گزارش داده است که یک فرمانده ساحوی پولیس محلی به شکل اجباری بچه های مکتب را در ولسوالی ارگون، برمل و خیرکوت به حیث پولیس محلی استخدام نموده اند. بعد از مداخلات مقامات ولسوالی و ولایتی تمام اطفال در مکتب هایش بازگشتند و در حال حاضر اطفال در واحدهای پولیس محلی در ولایت پکتیکا خدمت نمی نمایند. یوناما گزارش مشابهی را در مورد استخدام جبری اطفال در ولسوالی شیندند ولایت هرات و ولسوالی قادیس ولایت فراه دریافت نموده، هرچند در تعداد زیادی از ولسوالی ها مقامات مربوط به وزارت داخله در جریان پروسه بازرسی، اطفال را از استخدام شدن در پولیس محلی منع نموده اند.

کنترل و فرماندهی پولیس محلی

هرچند قومندان امنیه ولسوالی از طریق قومندان امنیه ولایت جهت فرماندهی پولیس محلی در سطح ولسوالی مسؤلیت دارد اما در عمل کنترل و فرماندهی این نیروها تا حد زیادی متفاوت می باشد. همانطور پولیس محلی در ساحاتی مستقر می گردد که نیروهای امنیتی معمولی در آنجا حضور ندارند و یا هم در آنجا تمرکز ضعیف دارند، واحد های پولیس محلی به شکل روزمره با نظارت، اداره و فرماندهی محدود توسط تشکیلات امنیتی مرکزی عملیات می کنند. روی هم رفته با توجه به آموزش مختصر پولیس محلی، ظرفیت فرماندهان شان تأثیر عمده ی را در مؤثریت واحدهای پولیس محلی و نظم کلی این نیرو دارند. یوناما دریافته است که در موارد اندکی فرماندهان ولسوالی و ولایتی پولیس محلی فرماندهی و کنترل مؤثر روی واحد های پولیس محلی را داشته اند. در بعضی از ولسوالیها مانند ولسوالی کندز ولایت کندز نیروهای ویژه امریکای نقش مربی گری شان را در قسمت فراهم نمودن رهبری مؤثر و یا تقویت سلسله ی فرماندهی پولیس ملی بر پولیس محلی را انجام داده اند. در بسیاری از موارد فرمانده پولیس محلی به شکل کامل کنترل واحدهای پولیس محلی را در حضور نیروهای اندکی از پولیس ملی حفظ نموده است.

در بعضی از ساحات در نتیجه تلاش پولیس ملی سلسله ی فرماندهی شان را به روش های مختلف جهت کنترل عملیاتیهای پولیس محلی تقویت بخشیده است. بطور مثال در زون شمال شرق، افسران دوم رتبه ی پولیس ملی برای اینکه باید در داخل واحد های پولیس محلی کار نماید، در ولسوالیها و حومه های مراکز ولایت کار می کنند. این افسران پولیس ملی اطمینان حاصل می نمایند که خطوط ارتباطی بین پولیس محلی در آن ولسوالیها و رؤسای پولیس ولایتی و معاونین شان باز بماند. در ولسوالیهای خیلی دور دست یک زون، پولیس محلی از طریق سلسله ی فرماندهی معمول شان به قومندان های امنیه ولسوالی گزارش می دهند. نیروهای ویژه امریکایی به شکل فعال جهت تقویت این سلسله ی فرماندهی در ولایت کندز کار می کنند تا اطمینان حاصل گردد که تصمیمیم، تخصیص منابع، عملیاتها و غیره از طریق پولیس ملی صورت می گیرد. فرماندهان پولیس برای نظارت بر پولیس محلی و حفظ این سلسله ی فرماندهی با دیدارهای منظم از پوسته های پولیس محلی، توزیع دستی معاشات و حضور در جلسات پولیس محلی مسؤلیت دارند.

یوناما مثال هایی را مشاهده نموده است که عدم فرماندهی مؤثر منجر به در هم شکستن اتحاد نیروهای پولیس محلی گردیده است. مشخصاً آن نیروهایی که از عناصر مخالف دولت یا گروه های مسلح غیر قانونی که به تازه گی دست از جنگ بر داشته و از طریق پروسه های برنامه صلح و استقرار مجدد یا انحلال گروه های غیر قانونی به صلح پیوسته بودند، تشکیل شده اند. در بعضی از ساحات باشندگان محل گفته اند که اعضای پولیس محلی تماس خیلی نزدیک با عناصر مخالف دولت دارند و بعضاً به آنها کمک می کنند یا حتا تغییر جهت داده و دوباره به مخالفین می پیوندند.⁸⁸ در ماه اگست سال ۲۰۱۱ در ولسوالی ارزگان خاص ولایت ارزگان چندین پولیس محلی بعد از آنکه فرمانده شان را به قتل رسانید به طالبان پیوستند. این افراد در ابتدا از جمله شورشیان بودند و بعد به پروسه صلح پیوستند. یوناما ادعاهایی را دریافت نموده است که فرمانده کشته شده تعداد زیادی از این پولیس محلی فراری را جبراً استخدام نموده بود و بیشترشان از قوم پشتون بودند. این وضعیت نگرانی هایی را نه تنها در

⁸⁷ مصاحبه یوناما با بزرگان مردم و اعضای شورا در ماه نوامبر سال ۲۰۱۱ و ماه جنوری سال ۲۰۱۲.

⁸⁸ از ولسوالی شیندند ولایت هرات یوناما شکایاتی را دریافت نموده است که گویا پولیس محلی عناصر مخالف دولت را در انتقال مواد انفجاری تعبیه شده کمک می نماید.

تشکیلاتی فرماندهی پولیس محلی بلکه هم چنان نگرانی های در پروسه بررسی و استخدام و ضعف نظارت پولیس ملی از پولیس محلی را مطرح می سازد.

نظارت و پاسخگویی پولیس محلی

یوناما مشاهده نموده است که پولیس محلی پویایی قدرت موجوده را در بین مردم محل مستحکم ساخته است. این پویایی قدرت در نبود تشکیلات فعال حکومت، نظارت مؤثر و میکانیزم پاسخ دهی در بعضی از ساحات، جاییکه پولیس محلی یک فضای معافیت از مجازات را عملاً ایجاد نموده است، همراه می گردد. یوناما گزارش هایی را در مورد بدرفتاری های جدی پولیس محلی مانند ادعاهای مبنی بر قتل، تجاوز جنسی، یورش، اختطاف، ازدواج های اجباری، تهدیدها، اخاذی و دزدی توسط پولیس محلی را دریافت نموده است.⁸⁹

یوناما گزارش های را دریافت نموده است که پولیس محلی از مقام شان سوء استفاده نموده و پوسته های غیر قانونی را ایجاد می کند تا از مردم به زور پول بگیرند، مردم را مجبور می سازد تا به فرمانده شان مالیات بپردازد و سایر سوء استفاده های از این قبیل درج گردیده است.⁹⁰ در آخر سال ۲۰۱۱ یوناما از ولسوالی ارگون ولایت پکتیکا گزارش های متعددی را دریافت نمود که پولیس محلی از مردم محل تقاضا کرده است که ۱۰ درصد از مالیات شان را به آنها بپردازد. باشندگان محل این تقاضا را رد کرده و شکایات شان را به یوناما تسلیم نموده بودند. بعد از مطلع شدن از این شکایات قومندان امنیه ولسوالی ادعاهای روستاییان را رد نمود. قومندان امنیه در ولایت بغلان گفت که افسران شان تعداد زیادی از شکایات شفاهی مبنی بر اینکه پولیس محلی از باشندگان محل مالیات مطالبه نموده است را اخذ کرده است، اما پولیس ملی گفته است که آنها مشکلاتی راجع به اثبات همچون قضایا دارند.

بر اساس گفته های آیساف میکانیزم های نظارتی برای استخدام پولیس محلی از وزارت داخله از طریق قومندان های امنیه ولسوالی و ولایت، بزرگان قوم، شورا یعنی میکانیزم های حکومت داری سنتی افغان ها، و نیروهای عملیات ویژه امریکایی از طریق عملیات جهت تحکیم ثبات در قریه ها تشکیل می گردد.⁹¹ یوناما خاطر نشان می سازد که طرز العمل نظارتی موجود میکانیزم های رسمی قانونی را جهت تحقیق، تأدیب و اخراج پولیس محلی، دربر نمی گیرد. باوجود مسئولیت های نظارتی پولیس ملی، در تعداد زیادی از ولسوالیها پولیس ملی قادر نیست و یا هم تمایل ندارد که نقض های حقوق بشر یا جنایتهای که توسط پولیس محلی ارتکاب میابد را رفع نماید، زیرا قدرتمندان محلی نفوذ لازم داشته، گمان های وجود دارد که گروپ های مشخص پولیس محلی تحت حمایت آیساف می باشد یا هم ضعف موجود در نهادهای وزارت داخله جهت پاسخ دهی برای بد رفتاری های که توسط پولیس افغانستان یا نیروهای امنیتی انجام می گیرد باعث این دلسردی گردیده است.⁹² در بسیاری از قضایا این طور معلوم می گردد که تحقیق و نظارت از اعضای پولیس محلی و واحدهای شان مورد به مورد و زمان که شکایات علیه فرد درج گردد، صورت می گیرد.⁹³

در بعضی از قضایای جدی مانند تجاوز جنسی و قتل، مقامات اقدامات جزائی را علیه اعضای پولیس محلی آغاز کرده است اما این قضایا ندرتاً به محکومیت و مجازات منجر شده اند. بطور مثال در ولایت کندز مقامات حکومتی یک فرمانده پولیس محلی را که متهم به اقدام تجاوز جنسی علیه یک طفل در جون ۲۰۱۱ شده بود، دستگیر و تعقیب عدلی صورت گرفت، اما محکمه ابتداییه بخاطر نبود مدرک از قضیه منصرف شد.

قومندانی امنیه ولایت بغلان در ولایت بغلان شکایاتی را در مورد بد رفتاری یا رفتار جنائی پولیس محلی بشمول قتل، اختطاف و تصرف غیر قانونی زمین اخذ نموده است. این شکایات انگیزه های قومی و سیاسی بخود گرفته و آیساف و مقامات ولایتی را وا داشتند تا بین پولیس محلی و فرماندهان پولیس ملی یا باشندگان وساطت نمایند.

⁸⁹ یوناما ادعاهای مبنی بر بد رفتاری های پولیس محلی را تقریباً از تمام بخش های افغانستان که پولیس محلی در آنجا فعال هست را دریافت نموده است.

⁹⁰ از تلاش های پولیس محلی جهت وضع مالیات یا اخاذی از مردم محلی مشخصاً در ساحات شکایات درج گردیده است که در آن مناطق جنگجویان طرفدار حکومت یعنی ماخذ بالا ملیشیا در داخل پولیس محلی جذب گردیده است.

⁹¹ مصاحبه یوناما با معاون رئیس عملیات در دفتر مرکزی آیساف، کابل، جنوری سال ۲۰۱۰.

⁹² یوناما مشاهده نموده است که پولیس ملی از نقش نظارتی شان بر پولیس محلی در ولسوالی هایی بی میل شده است که در آن ولسوالی ها تعداد پولیس محلی از پولیس ملی بیشتر می باشد.

⁹³ در بعضی از ولایات مانند ولسوالی قیسار ولایت کندز و ولسوالی شیندند ولایت هرات مقامات ولایتی تلاش نمودند که بین پولیس محلی و مردم محل وساطت نمایند یا موضوع را به شورای محل ارجاع دهد تا شکایاتی که از نقض حقوق بشر یا جنایت صورت میگیرد را حل نماید. مقامات ولایتی ندرتاً از بخش تحقیقات جنایی وزارت داخله تقاضا نموده است که چنین قضایا یا شکایات را تحقیق نماید.

در بعضی از قضایای که پولیس محلی ملکیت های خصوصی را در ولسوالی پل خمري در تابستان سال ۲۰۱۱ تصرف نموده بود، قومندان امنیه محل به یوناما گفته که بخش تحقیقات جنائی از فرماندهان پولیس محلی تحقیق کرده نمی تواند زیرا آنها توسط نیروهای عملیات ویژه امریکایی ها حمایت می گردد.⁹⁴

در آخر سال ۲۰۱۱، آیساف یک تحقیقی را جهت ارزیابی مؤثر بودن سوء رفتارهای واحد های پولیس محلی انجام داد و براین نتیجه رسید که یک عده ی محدود از ادعاها درست بودند.⁹⁵ در نتیجه آیساف بیان داشت که نگرانی ها در مورد برنامه پولیس محلی و سایر چیزها را رفع خواهد کرد. نیز ضرورت هست تا وزارت داخله پولیس محلی را با روش های عملی که از نقض حقوق بشر جلوگیری گردد آموزش دهد، صلاحیت این نیروها به شکل بهتر تعریف گردد، جای دادن یک مقام ارشد پولیس ملی در داخل آیساف تا از شمولیت افغان ها در نظارت و پاسخ دهی تقویت گردیده و از آن اطمینان حاصل گردد و ارائه پاسخ، گزارش و طرز العمل در سطح ساحوی برای آن اعضای پولیس محلی که نقض ها را انجام می دهد، تقویت بیابد.

یوناما از این اقدامات جهت بهتر شدن رفتار پولیس محلی، نظارت و پاسخ دهی استقبال می کند. آیساف به یوناما اطلاع داده است که تعداد زیادی از این اقدامات در حال عملی شدن است.⁹⁶ یوناما پیشنهاد می دهد که تمام اقدامات و طرز العمل ها جهت بهتر شدن پولیس محلی باید قبل از اینکه این برنامه توسعه یابد، بطور کامل تحقق پذیرد.

مرور کلی بر برنامه محافظت از زیر ساخت های اساسی (نیروهای سی آی پی)

در زون های شمال و شمال شرق افغانستان، فرمانده ساحوی آیساف برنامه محافظت از زیر ساخت های اساسی را ایجاد کرد که این برنامه در حقیقت نیروهایی را تشکیل می داد که در قالب نیروهای امنیتی محلی طرح شده بود و مناطقی را محافظت می کرد که در آنجا نه نیروهای پولیس محلی و نه هم سایر نیروهای امنیتی افغانستان مستقر شده بودند. آیساف به نیروهای برنامه محافظت از زیر ساخت های اساسی وظیفه داده بود تا قریه های سوق الجیشی را از عناصر مخالف دولت محافظت نماید. در نه ولسوالی تحت چتر فرماندهی ساحوی شمال در حدود ۱۵۰۰ مدافعینی از این نوع نیروها مستقر شدند.

هرچند نیروهای که تحت برنامه محافظت از زیرساخت های اساسی کار می نمود به ظاهر به قومندان امنیه ولسوالی مربوطه ی شان گزارش می داد اما هیچ مبنای قانونی برای این سلسله مراتب یا ارتباط وجود ندارد. در صورت وجود برنامه آموزشی، این نیروها فقط یک آموزش ابتدایی را گرفته و نیروهای متذکره سلاح های شان را نیز ثبت نمی کند و نیز هیچ گونه صلاحیت یا معیارهای قانونی برای آنها در مورد استفاده از نیروی کشنده تعریف نشده است.

این نیز مشخص نیست که چه نوع معیاری در استخدام این افراد استفاده می گردد، اما تعداد زیاد از استخدام شدگان ظاهراً اعضای گروه های جنگجوی سابق بودند که طرفدار حکومت می باشد. این نیروها در ولایت جوزجان، فاریاب و بلخ تقریباً تمام شان از نیروهای گرفته شده اند که جنگجویان غیر رسمی طرفدار حکومت را تشکیل میدادند و توسط پروسه های خلع سلاح گروه های غیر قانونی یا برنامه صلح و استقرار مجدد افغانها زندگی عادی اختیار نموده بودند. این نیروها در بسیاری از ولسوالی ها توازن قومی را در ساحاتی که فعالیت داشتند، انعکاس نمی دادند. بطور مثال یوناما مشاهده نموده است که با وجود اینکه در ولسوالی علی آباد ولایت کندز اکثریت قوم پشتون را تشکیل می دهد اما این نوع نیروها که آنجا فعالیت داشتند از تعداد زیادی از افراد قوم تاجیک تشکیل شده و فقط پنج نفر از پشتون ها شامل این نیروها بودند.⁹⁷ حرکت مشابهی در خصوص این نیروها در ولسوالی چهار دره و قلعه ی زال ولایت کندز وجود دارد.

⁹⁴ در ۷ جولای سال ۲۰۱۱ یک نماینده نیروهای ویژه امریکا در پل خمري به یوناما گفته بود که شکایات علیه سه فرمانده پولیس محلی به بخش تحقیقات جنائی وزارت داخله جهت تحقیق ارجاع خواهد شد، اما تا هنوز هیچ عمل قانونی جهت تعقیب همچون ادعاها صورت نگرفته است.

⁹⁵ دفتر مرکزی نیروهای امریکای در افغانستان، یادداشتهایی برای ثبت، یافته ها و پیشنهادات (ای آر ۱۵-۶) - ارزیابی مؤثر بودن ادعاهای نقض حقوق بشر در گزارش دیدبان حقوق بشر) ۶ دسمبر سال ۲۰۱۱.

⁹⁶ جلسه یوناما با معاون رئیس عملیات در دفتر مرکزی آیساف، کابل، جنوری سال ۲۰۱۲.

⁹⁷ بر مبنای تخمین های جمعیت نگاری غیر رسمی، ولسوالی علی آباد ۵۵ درصد پشتون، ۳۳ درصد تاجیک، ۷ درصد ازبک و ۵ درصد هزاره ها را تشکیل می دهد.

توانایی فرماندهان پولیس ملی در ولسوالی جهت اعمال فرماندهی مؤثر و کنترل نیروهای سی آی پی محدود می باشد. در بسیاری از قضایا اعتباری را که فرماندهان سی آی پی دارند به مراتب بیشتر از روسای پولیس ملی هست. در همچون قضایا این فرماندهان بیشتر احترام گردیده و مردم از اینها بیشتر می ترسند تا از پولیس ملی. با توجه به اینکه نیروهای سی آی پی در ساحاتی فعالیت دارند که حضور اردوی ملی و پولیس ملی در آنجا حداقل می باشند، نیروهای سی آی پی در سطح ولسوالی غالباً دارای ارقام بیشتر در مقایسه پولیس هستند و این موضوع برای فرماندهان پولیس ملی جهت حفظ فرماندهی مؤثر و کنترل نیروهای سی آی پی مشکل ایجاد می کند. بطور مثال فرمانده نیروهای سی آی پی در ولسوالی قلعه زال ولایت کندز به تعداد ۱۵۰ سی آی پی را فرماندهی می کند در حالیکه در عین ولسوالی قومندان امنیه از ۲۲ افسر پولیس سرپرستی می کند.

در ۲۵ دسمبر سال ۲۰۱۱ رئیس جمهور کرسی فرمان داد تا نیروهای سی آی پی و سایر نیروهای محلی که توسط آیساف ایجاد گردیدند مانند نیروهای مربوط به نهاد امنیت متوسط برای زیر ساخت های اساسی و راه حل های امنیتی مردمی، منحل گردد. آیساف بیان داشت که آنها مطابق به آن فرمان عمل خواهد کرد. در ۲۴ جنوری سال ۲۰۱۲ فرماندهی مشترک نیروهای بین المللی یک دستور را با عنوان "اصلاحات در مورد راه حل های امنیتی مردمی و قراردادهای زیر ساخت های اساسی" به نشر سپرد که در این دستور بر انحلال و انتقال راه حل امنیتی مردمی بشمول نیروهای سی آی پی تمرکز شده بود. آیساف به یوناما اطلاع داد که طرح مشترک آیساف - افغان در زیر کار هست و تلاش می نماید که دستور را به نحوی عملی نماید تا سبب نتایج منفی در امنیت یا تأثیر منفی بر مردم محلی نگردد.⁹⁸

تأثیر مخاصمات مسلحانه بر اطفال

استخدام، آموزش و استفاده از اطفال توسط اطراف درگیر در جنگ

یوناما به شکل جدی نگران استخدام افراد زیر سن ۱۸ سال در داخل نیروهای مسلح و گروپ های مسلح می باشد. در سال ۲۰۱۱ در مجموع ۲۱۲ حادثه در مورد استخدام اطفال توسط اطراف درگیر بشمول پولیس ملی، پولیس محلی و عناصر مخالف دولت گزارش داده شده است.⁹⁹ از ۲۱۲ قضیه استخدام افراد زیر سن، در مجموع، چه قضایای تأیید شده و چه تأیید نشده، به تعداد ۱۷۳ یعنی ۸۱ درصد به عناصر مخالف دولت نسبت داده می شود. ۲۳ قضیه توسط پولیس محلی و ۱۶ قضیه توسط پولیس ملی گزارش داده شده است. مثلاً ۱۱ طفل بشمول یک دختر ۸ ساله ی که مردان ناشناس از او تقاضا نموده بود که بسته ای را به یک پایگاه نیروهای بین المللی انتقال دهد در اجرایی حمله انتحاری به قتل رسیدند. یک بچه ۱۴ ساله در هنگام کاشتن مواد انفجاری تعبیه شده ای که نا بهنگام منفجر شد، به قتل رسید.

در نصف دوم سال ۲۰۱۱ یوناما به ۶۷ بچه در ۱۳ ولایت مصاحبه نمود. اینها پسرانی بودند که به اتهام ارتباط با گروپ های مسلح در مراکز اصلاح اطفال توقیف گردیده بودند. از این اطفال که بین سن ۹ - ۱۷ قرار داشتند در حدود یک چهارم شان توسط عناصر مخالف دولت جهت فعالیت های نظامی، کاشتن مواد انفجاری یا انجام حملات انتحاری استخدام شده بودند.¹⁰⁰

در سال ۲۰۱۱ نیروهای امنیتی افغان به تعداد ۲۰۴ بچه ی زیر سن ۱۸ را به اتهام تهدید علیه امنیت ملی دست گیر نموده بودند.¹⁰¹

حملات بر مکتب ها

مطابق به معلومات تأیید شده گروه کاری نظارت و گزارش دهی در مورد اطفال و منازعات مسلحانه، عناصر مخالف دولت مسئول ۲۸ حمله مستقیم در سال ۲۰۱۱ بر مکتب ها بودند. این رقم در مقایسه سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ کاهش یافته است. حوادث متذکره شامل سوختاندن و تلاش برای سوختاندن ساختمان های مکتب و

⁹⁸ جلسات یوناما با معاون رئیس عملیات در دفتر مرکزی آیساف، کابل، جنوری سال ۲۰۱۲.

⁹⁹ گروه کاری نظارت و گزارش دهی در مورد اطفال و منازعات مسلحانه، بانک معلومات با دتابیس سال ۲۰۱۱.

¹⁰⁰ گزارشهای ماهوار وزارت معارف به گروه کاری نظارت و گزارش دهی اطفال و منازعات مسلحانه در مورد حادثات که مکتب

ها، متعلمین و کارمندان معارف را متأثر می سازد. جنوری الی دسمبر سال ۲۰۱۱.

¹⁰¹ گزارش وزارت عدلیه به گروه کاری نظارت و گزارش دهی در مورد اطفال و منازعات مسلحانه. جنوری الی دسمبر سال ۲۰۱۱.

تجهیزات مربوط به آن، تهدید و مجروح نمودن و کشتن معلمین و شاگردان مکتب، حملات مسلحانه و در دو حادثه تلاش جهت حمله انتحاری بر متعلقات معارف و مکتب می‌گردد.¹⁰²

علاوتاً وزارت معارف ۷۱ حادثه دیگر را از نوع حملات مستقیم بالای مکتب گزارش دادند که حادثه ای را که در اثر آن عناصر مخالف دولت ۶ معلم را کشتند و یک معلم را اختطاف نمود، نیز شامل می‌گردد.¹⁰³ براساس تهدیدهای عناصر مخالف دولت بنابر گزارش ۳۰ مکتب مسدود شده است. هم‌چنان ۱۶ رویداد تهدید و اخاذی نیز به ثبت رسیده است. یک سوم از این حوادث تأسیسات تعلیمی دختران و یا دختران- پسران (مراکز آموزش مختلط) را متأثر ساخته است. در بیشتر از نصف این حوادث نوع مکتب‌ها از جهت اینکه مکتب دخترانه هست یا پسرانه مشخص نگردیده است.

دوازده حادثه تأیید شده ای که در آن مکتب‌ها توسط نیروهای دولتی و همکاران بین‌المللی شان اشغال شده بود گزارش داده شده است. از این رقم ۷ حادثه در زون مرکزی اتفاق افتاد، دو حادثه در زون جنوب و شمال و یک حادثه در زون شرق یعنی ننگرهار اتفاق افتاده است. فعالیت‌های ترویجی و دادخواهانه سازمان ملل علیه استفاده از مکتب‌ها جهت اهداف نظامی در زون مرکزی جاییکه نیروهای دولتی و همکاران بین‌المللی شان دو تا مکتب را در سال ۲۰۱۱ تخلیه کردند، موفقیت آمیز بوده است.

سازمان ملل در حدود ۲۴ حادثه را تأیید می‌نماید که در آن تأسیسات آموزشی در جریان عملیات نظامی که در مجاورت مکتب‌ها صورت می‌گرفت، به شکل غیر عمدی تخریب گردیده است. در این حادثات از راکت نارنجک انداز و حملات راکتی، فیرهای متقابل و مواد انفجاری تعبیه شده ی که نزدیک مکتب‌ها یافت گردیده استفاده شده و باعث تخریب ساختمان مکتب‌ها در سال ۲۰۱۱ شده است. وزارت معارف علاوه بر ۴۸ حادثه دیگری را به ثبت رسانیده که متعلمین مکتب یا معلمین در نتیجه حوادث غیر عمدی و اتفاقی متضرر گردیده است. زون مرکز (۲۸ درصد تمام حادثات) و زون شرق (درصد) حادثات را تشکیل داده و این دو زون از حادثاتی که نهاد های آموزشی را متضرر ساخته است، خیلی زیاد متأثر گردیده است.¹⁰⁴

نا امنی در سطح عموم، هم‌چنان حادثاتی که مستقیم و غیر مستقیم مکتب را متأثر می‌سازد به شکل بسیار جدی روی دست رسی اطفال به تعلیم تأثیر داشته، چنانچه والدین از فرستادن اطفال شان، بخصوص در مورد دختران، به مکتب دلسرد می‌گردد. در مورد اینکه چه تعداد اطفالی که در مکتب شامل بود و به دلیل نا امنی در سال ۲۰۱۱ تحصیل شان را دوام داده نتوانسته است، معلومات مشخص در دست نیست.

اطفال کشته شده و مجروح شده توسط مابین های زمینی و مواد منفجر ناشده

در سال ۲۰۱۱ از مجموع ۵۶۱ نفر که بواسط مابین های زمینی و مواد منفجر ناشده کشته و مجروح گردیده بودند، ۴۳۱ (۷۶ درصد) آن زیر سن ۱۸ سال قرار داشتند. این ارقام مشابه به ارقام سال ۲۰۱۰ هست زیرا در سال ۲۰۱۰ به تعداد ۴۵۹ طفل قربانی به ثبت رسیده بود. زون شرق با ۱۵۴ (۳۵ درصد) قربانی به شدیدترین وجه متأثر گردیده و بعد از آن زون شمال و جنوب شرق به ترتیب ۱۷ و ۱۰ درصد قربانیان اطفال را تشکیل می‌دهد. در اثر این تاکتیک در مجموع ۳۱۶ طفل مجروح و ۱۱۵ طفل به قتل رسیده است.¹⁰⁵

بچه‌ها نسبت به دختران چهار برابر بیشتر کشته و مجروح گردیده است، یعنی به ترتیب (۸۲ درصد و ۱۸ درصد). بچه‌هایی که بین سن ۸ الی ۱۵ قرار داشتند بیشتر آسیب پذیر بودند چون بیشتر از نصف تمام کشته شده گان و مجروحین اطفال را تشکیل می‌دهد. تعداد زیاد از حوادث که باعث متضرر شدن اطفال گردیده است زمانی اتفاق افتاده که اطفال با مابین بازی می‌کردند و این ۳۰ درصد تمام حادثات را تشکیل می‌دهد. به تعقیب آن اطفالی که مصروف مواظبت از حیوانات بوده بیشتر متأثر گردیده که ۱۵ درصد را تشکیل داده و در نهایت اطفالی که مصروف جمع آوری چوب سوخت بودند ۱۲ درصد را تشکیل میدهد. ۲۵ نفر از قربانیان زیر سن ۶ سال قرار داشته که سه تا طفل نوزاد نیز در این جمع قرار می‌گیرد.

¹⁰² گزارشهای ماهوار وزارت معارف به گروه کاری نظارت و گزارش دهی اطفال و منازعات مسلحانه در مورد حادثات که مکتب ها، متعلمین و کارمندان معارف را متأثر می‌سازد. جنوری الی دسمبر سال ۲۰۱۱.

¹⁰³ ماخذ بالا.

¹⁰⁴ ماخذ بالا.

¹⁰⁵ ماخذ بالا.



یک طفل که در یک حمله هوایی در منطقه مارجه ولایت هلمند مجروح گردیده بود، در شفاخانه میرویس ولایت کندهار فوت نمود. عکس از جاکوب سیمکین ©